

آسیب‌شناسی نظام بانکی
۱۸. بررسی تعدد توزیع شعب، تجربه کشورها
درس‌هایی برای ایران

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۵۲۰۹
دی‌ماه ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در تعیین تعداد و توزیع شعب بانک
۴	۱-۱. پیشینه تجربی تعدد، توزیع، اندازه شعب و اندازه شبکه شعب بانکی
۱۱	۱-۲. عوامل مؤثر بر تعداد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب بانکی و مبانی نظری آنها
۱۴	۲. آثار تعدد و توزیع شعب بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک‌ها
۱۷	۲-۱. آثار منفی تعدد و توزیع شعب بانکی
۲۰	۲-۲. آثار مثبت تعدد و توزیع شعب بانکی
۲۳	۳. جمع‌بندی رابطه متقابل مؤلفه‌های مؤثر و تعدد و توزیع شعب بانکی
۲۸	۴. قوانین و مقررات مربوط به تعدد و توزیع شعب در ایران
۲۸	۴-۱. احصای قوانین مربوطه و محتوای آنها
۳۲	۴-۲. آسیب‌شناسی قوانین مرتبط با حوزه پولی و بانکی
۳۴	۵. نظارت نهاد بانک مرکزی بر تعدد و توزیع شعب
۳۴	۵-۱. ابزارهای نظارتی در اختیار بانک مرکزی در ایران
۴۱	۵-۲. ابزارهای نظارتی در اختیار بانک مرکزی در سایر کشورها
۴۸	جمع‌بندی و ارائه راهکار
۵۳	منابع و مآخذ



آسیب‌شناسی نظام بانکی

۱۸. بررسی تعدد توزیع شعب، تجربه کشورها

درس‌هایی برای ایران

چکیده

با ورود فناوری جدید و استفاده از ابزارهای ارتباطی در فعالیتهای بانکی، علاوه بر بانکداری فیزیکی، موضوع بانکداری مجازی نیز مطرح شد و تصور غالب این بود که با ورود بانکداری مجازی، دیگر نیازی به بانکداری فیزیکی و ایجاد شبکه شعب بانکی وجود نخواهد داشت و حجم وسیعی از فعالیتهای بانکی از طریق ابزارهای مجازی از جمله اینترنت، تلفن بانک و دستگاه‌های خودپرداز قابل انجام خواهد بود؛ اما با گذشت زمان، ملاحظه شد که همواره بانکداری فیزیکی و شبکه‌های شعب بانکی مورد اعتماد و مورد استفاده فعالان اقتصادی است. با دو قطبی شدن بانکداری - بانکداری فیزیکی و مجازی - در اقتصاد کشورهای مختلف این سؤال مهم به وجود آمد که حد بهینه بانکداری فیزیکی و شبکه شعب بانکی چقدر است و نظام بانکی به چه تعداد شعب بانکی نیاز دارد و چگونه می‌توان موجب توزیع متوازن این شبکه در کشور شد؟

برای جواب به این سؤال وضعیت نظام بانکداری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در نظر گرفته شد و با توجه به متغیرهای مؤثر بر تعدد و توزیع شعب بانکی و نیز وضع قانونگذاری در ایران و سایر کشورهای جهان، راهکارهای توزیع متوازن شعب بانکی ارائه شده است.

با مطالعه تاریخی قوانین نظارتی در عرصه بانکداری در کشورهای بزرگ و صنعتی مانند آمریکا، اروپا و آسیا به خوبی می‌توان به این مهم دست یافت که در اثر غلبه اندیشه لیبرالیستی در این مناطق از بعد از جنگ دوم جهانی و به‌خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد غالب در این کشورها آزادسازی‌های اقتصادی، رفع موانع و محدودیت‌های بانکی، حرکت به سمت ارتقای فضای رقابت آزاد بین‌المللی و توجه به مناسبات احتیاطی بانکی (توجه به میزان مناسبی از سرمایه در برابر دارایی‌های بانکی) برای جلوگیری از بروز بحران‌های مالی و در واقع مبحث تعدد و توزیع شعب بانکی در این کشورها یک مطلب تبعی و منفعل بوده است.

در ایران به دلیل شرایط ویژه اقتصادی و بروز ناپایداری‌ها، نوسانات و تورم‌های مداوم و فزاینده و بازارهای سرمایه‌گذاری بی‌ثبات، نسخه بانکداری غربی - مبتنی بر رقابت آزادانه - قطعاً کمک‌کننده نخواهد بود و بر مشکلات نظام بانکداری در کشور خواهد افزود. امروزه نظام بانکداری ایران و بالطبع اقتصاد ملی از مشکل مطالبات معوق بانک‌ها، بنگاهداری بانک‌ها و عدم سیاست منسجم پولی و بانکی در نظام بانکداری رنج‌های بسیاری متحمل شده که شبکه نامتوازن بانکی یکی از این رنج‌هاست و لازم است

اصلاحات جدی در این زمینه ایجاد شود.

در این راستا مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بانک مرکزی با توجه به نقشی که در نظارت بر بازار پولی و بانکی کشور دارد، باید تعدد و توزیع شعب بانکی را با توجه به شرایط اقتصادی کشور و فضای اقتصاد بین‌الملل و نیز شرایط اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای در کشور جهت‌دهی نماید. این نهاد نظارتی شایسته است الگوی مطلوب شعب بانکی هر منطقه را تعریف و سپس به بانک‌ها مطابق شرایط منطقه‌ای (تعدد و توزیع شعب بانکی در هر منطقه و نیز نیازهای منطقه‌ای در خصوص خدمات بانکی) سهمیه ایجاد شعبه تخصیص دهد. بانک‌هایی که بیشتر از میزان سهمیه خود شعبه دارند یا باید شعب مازاد خود را تعطیل و اموال غیرمنقول بجامانده را به فروش برسانند و یا اینکه شعب خود را به سایر بانک‌هایی که کمتر از سهمیه خود شعبه دارند و مطابق با سهمیه خود تقاضای شعب جدید دارند، واگذار کنند. اگر تعداد کل شعب بانکی در هر منطقه از مجموع تعداد مطلوب شعب بانکی کمتر بود، توسط بانکی مرکزی اجازه تأسیس شعب جدید باید داده شود در غیراین صورت بانک‌ها باید شعب مازاد خود را جزء اموال غیرمنقول غیرضروری، به فروش برسانند.

مقدمه

بانک‌ها در نظام‌های اقتصادی، همواره به‌عنوان منشأ سیاست‌های پولی شناخته شده‌اند. مؤسساتی که در قالب واسطه‌گری وجوه مازاد مردمی، هم به ارائه خدمات مبادرت نموده و هم در بعد کلان اقتصادی آثار قابل توجهی در خلق سپرده و هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولید ملی دارند. نظام بانکی کشور به‌عنوان گرداننده وجوه در اقتصاد ملی نقش رگ‌های بدن را بازی کرده که خون را در تمام بدن به گردش در می‌آورند و عملاً همین نقش توسط شبکه شعب بانکی به‌عنوان نمایندگان رسمی نظام بانکی و بخش مرتبط با مردم و فعالان اقتصادی ایفا می‌شود. قدرتمندی نظام بانکی به انسجام و ارتباط اجزای اصلی آن یعنی شعب بانکی می‌باشد و شبکه شعب بانکی مطلوب شبکه‌ای است که به راحتی هر چه تمام‌تر کار دسترسی فعالان اقتصادی به خدمات نظام بانکی را فراهم نماید؛ از این رو است که بحث تعدد و توزیع شعب بانکی اهمیت بالایی پیدا می‌کند. از سوی دیگر با نوآوری‌های تکنولوژیکی در عرصه بانکداری و پیدایش بانکداری مجازی^۱ و نقشی که این نوع بانکداری در پاسخگویی به تقاضای خدمات بانکی ایفا می‌کند، بحث تعدد و توزیع شعب بانکی و حد بهینه شبکه شعب بانکی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

همواره در اقتصاد ملی عواملی وجود دارند که بر تعدد و توزیع شعب بانکی اثرگذارند و عملکرد سیستم بانکی را از این طریق تحت تأثیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر برخی عوامل نیز وجود دارند که در

۱. در دنیای بانکداری شعب بانکی دو گونه اند: شعب مجازی که محل جغرافیایی ندارند و در سیستم بانکداری مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرند و دیگری شعب فیزیکی که دارای مکان جغرافیایی هستند.



طراحی شبکه شعب مطلوب بانکی در اقتصاد ملی، بسیار مهم و اثرگذارند. از این رو این تحقیق به دنبال تبیین عوامل مؤثر بر تعدد و توزیع شعب بانکی در مبانی نظری و تجربی بانکی در داخل و خارج از کشور است. در این خصوص یک سری مبانی نظری مشترک وجود دارد که بعد تجربی و مکانی برای آن نمی‌توان تصور بود و بین همه کشورها مشترک است. اما در هر کشوری بنا به شرایط اقتصادی و زیرساخت‌های فرهنگی و قانونگذاری تجربیاتی نیز در این خصوص وجود دارد که باید برای ارائه تبیین کاملی از عوامل مؤثر بر تعدد و توزیع شعب بانکی، به آنها نیز توجه نمود. از این رو برای اینکه بتوان در این تحقیق به‌طور جامع به عوامل مؤثر بر تعدد و توزیع شعب بانکی در کشور پرداخت، هم به تجربیات جهانی و داخلی و هم به مبانی نظری این حوزه توجه می‌شود و در نهایت به آثار الگوی شعب بانکی - تعدد و توزیع شعب - بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانکی نیز پرداخته خواهد شد. از سوی دیگر از مسائل مهم و اثرگذار در خصوص تعدد و توزیع شعب در بانکداری فیزیکی با وجود بانکداری مجازی، جهت‌دهی قوانین و مقررات بانکی و نهادهای نظارتی همچون بانک مرکزی است که فرم خاصی از الگوی شبکه شعب بانکی را به وجود می‌آورد که در این تحقیق این موضوع نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

برای پرداختن به این موضوع در این گزارش ۷ بخش در نظر گرفته شده که بعد از مقدمه، در بخش دوم مؤلفه‌های مهم در تعیین تعدد و توزیع شعب بانک با توجه به ادبیات جهانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم آثار مثبت و منفی تعدد و توزیع شعب بانکی بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانکی و در نهایت در بخش چهارم به جمع‌بندی در این موضوع پرداخته می‌شود. در بخش پنجم قوانین و مقررات مربوط به تعدد و توزیع شعب در ایران بررسی شده و در بخش ششم نظارت بانک مرکزی بر تعدد و توزیع شعب بانکی در ایران و انواع مقررات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها در این خصوص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت در بخش هفتم جمع‌بندی مطالب و راهکارهای مربوط در این موضوع ارائه می‌شود.

۱. مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در تعیین تعدد و توزیع شعب بانک

در ادبیات سیاستگذاری و علمی، مطالب فراوانی در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی در حوزه بانکداری در سطح جهان وجود دارد. تحقیقات فراوانی در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی انجام شده است که بازه زمانی اغلب آنها به دهه ۱۹۹۰ به بعد بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که تغییرات ساختاری و قانونی در عرصه بانکداری بین‌الملل ایجاد شد و کشورها برای توسعه فعالیت‌های بانکداری خود و عقب‌نماندن از قافله صنعت بانکداری در جهان، این تغییرات ساختاری و قانونی را انجام دادند. حرکت صنعت بانکداری به سمت سودآوری بیشتر، کارآیی بیشتر و قدرت رقابتی بالاتر در قبال رقبای بانکی داخلی و خارجی، از نتایج و ثمرات عمده این تحولات بود.

البته شایان ذکر است که موضوع دیگری که در کنار تعدد و توزیع شعب، همواره مورد توجه

سیاستگذاران و پژوهشگران عرصه بانکداری بوده و آن عبارت است از اندازه شعبه بانکی و وسعت شبکه شعب بانکی مؤسسات اعتباری؛ در این مطالعه اندازه شعب و شبکه شعب بانکی نیز در ادبیات بانکداری جهانی مورد توجه قرار گرفته است. اغلب آنچه که در دهه‌های اخیر تحولات صنعت بانکداری را هدایت کرده، از قانون اصیل بانکداری سرمایه‌داری یعنی حداکثرسازی سود جدا نبوده و این قانون را به‌عنوان یک سند بالادستی در صنعت بانکداری همواره مورد توجه قرار داده است؛ در واقع تمام تغییرات ساختاری و قانونی که در فوق به آنها اشاره شد نیز در راستای همین اصل اساسی بانکداری مدرن بوده است. فعالیت‌های بانکی در صنعت بانکداری با محوریت سودآوری حداکثری، عمدتاً به دنبال جلب مشتریان بیشتر است که شاید از این رهگذر توزیع شعب بانکی در مناطق مختلف در یک کشور بهتر شده و یا بدتر شود که این مهم بستگی به زیر ساخت‌های اقتصادی و نحوه فعالیت‌های بانکی مؤسسات اعتباری دارد. اگر زمینه‌های رقابت در نظام بانکداری یک کشور فراهم باشد، قاعدتاً رقابت هر چه بیشتر مؤسسات بانکی به توزیع متوازن و مبتنی بر نیاز مناطق به ارائه خدمات بانکی، خودبه‌خود صورت خواهد گرفت و هر چه زمینه‌های غیررقابتی و یا حتی زیرساخت‌های معیوب اقتصادی در یک کشور مهیا باشد، ممکن است توزیع شعب بانکی در کشور به‌طور نامتوازن و با تمرکز بر مناطق ثروتمندتر و غیرمحروم اتفاق بیافتد.

از این رو در این قسمت از گزارش، دو بخش اصلی مورد توجه خواهد بود. در بخش اول مطالعات تجربی کشورها در خصوص موضوعات مختلف صنعت بانکداری بررسی می‌شود که به نحوی به‌طور کاربردی بر تعدد و یا توزیع و یا اندازه شعب و شبکه شعب بانکی اثرگذار است. در بخش دوم مبانی نظری عوامل اثرگذار بر تعدد، توزیع، اندازه شعب و اندازه شبکه شعب بانکی تبیین خواهد شد.

۱-۱. پیشینه تجربی تعدد، توزیع، اندازه شعب و اندازه شبکه شعب بانکی

در خارج از کشور مطالعات جامع و قابل توجهی در خصوص تعدد، توزیع، اندازه شعب و اندازه شبکه شعب بانکی در کشورهای مختلف به‌خصوص کشورهای اروپایی و آمریکا انجام شده و نتایج خوبی از این مطالعات به‌دست آمده است؛ اما در داخل کشور بیشتر مطالعات پژوهشی انجام شده بر روی شعب بانکی، در موضوعات مکان‌یابی بهینه شعب بانکی، درجه‌بندی شعب بانکی و سیستم ارزیابی عملکرد شعب بانکی بوده و چندان به تعدد، توزیع و اندازه شعب و شبکه شعب بانکی پرداخته نشده است. البته در خصوص موضوع اصلی این گزارش، در سایت‌های خبری و مطالب کارشناسی بانکی، نظراتی از صاحب‌نظران حوزه بانکی و مدیران عامل بانک‌ها وجود دارد که در جای خود، موضوعات قابل تأملی را مطرح کرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه عموماً این نظرات، برآمده از تجربیات ایشان به سبب سال‌های فعالیت در بازار بانکی می‌باشد، در خصوص میزان صحت و عمق درستی ادعای هر یک از این نظرات کارشناسی، باید تحقیقات جامعی صورت بگیرد که در حیطه این مطالعه نمی‌گنجد؛ اما با وجود این، به تبیین این نظرات کارشناسی نیز پرداخته خواهد شد.



۱-۱-۱. مطالعات تجربی تحلیل‌های کارشناسی در خصوص نظام بانکی داخل کشور

الف) مطالعات پژوهشی انجام شده در کشور

در خصوص درجه‌بندی شعب بانکی، پورکاظمی در تحقیقی با استفاده از سه روش تاکسونومی، مؤلفه‌های اصلی و ترکیب این دو روش، به رتبه‌بندی شعب بانکی پرداخته و در فرآیند رتبه‌بندی با استفاده از ۲۴ شاخص و نیز تعیین ضرایب این شاخص‌ها، به درجه‌بندی کلیه شعب بانک تجارت در کشور به دسته‌های ممتاز، یک، دو، سه، چهار و پنج پرداخته است (پورکاظمی، ۱۳۸۲).

جبل عاملی و رسولی‌نژاد نیز در تحقیقی دیگر به رتبه‌بندی واحدهای همسان بانک صادرات استان تهران با استفاده از روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP^۱) پرداخته و به رتبه‌بندی شعب منتخب این بانک در سطح استان به شعب درجه یک، دو و سه مبادرت نموده‌اند (جبل عاملی و رسولی‌نژاد، ۱۳۸۹). الوانی و همکاران وی نیز در تحقیقی در خصوص ارزیابی عملکرد شعب بانک‌ها با توجه به محرک‌های کلیدی تجارت در خصوص شعب بانک سپه، از ۵۴ متغیر بالقوه و عملکردی استفاده نموده‌اند و به این نتایج رسیده‌اند که تعداد کارکنان هر شعب، دارای ارتباط مثبت و معنادار بر شاخص‌های عملکردی شعب می‌باشد که به دلیل ماهیت بانکداری در سطح شعب فیزیکی و در اثر ارتباط مستمر و مداوم با مشتریان به وجود می‌آید. تعداد گیشه‌های تحویل‌داری نیز در این تحقیق به عنوان عامل مؤثر بر عملکرد شعب بانکی اثبات شده است (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹).

اینها نمونه‌هایی از تحقیقات فراوان در خصوص شعب بانکی در کشور است که در موضوعات درجه‌بندی شعب بانکی، مکانیابی بهینه شعب بانکی، ارزیابی عملکرد شعب بانکی بسیار مورد توجه محققان دانشگاهی در داخل کشور قرار گرفته است که این موضوعات با موضوع اصلی این مطالعه، غیرمرتبط است.

یکی دیگر از زمینه‌های تحقیقاتی در نظام بانکی کشور، بحث بانکداری الکترونیک است که پژوهش‌هایی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بانکی در این خصوص انجام گرفته است. تحلیل عوامل جامعه شناختی مؤثر بر بانکداری الکترونیک و نیز تحلیل عوامل اقتصادی، مدیریتی و ... مؤثر بر این نوع بانکداری در انجام مبادلات مالی از جمله موضوعات این تحقیقات است. باید به این نکته توجه کرد که یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تعداد و توزیع شعب بانکی در نظام بانکی، استفاده از سیستم بانکداری الکترونیک و توسعه آن در کنار بانکداری فیزیکی و بانکداری بر اساس شعبه^۲ است. در واقع موضوع بانکداری الکترونیک (منظور انجام تمامی امور بانکی از طریق اینترنت، تلفن، تلفن همراه و دستگاه‌های ATM) به عنوان نوع جدیدی از بانکداری که در اثر تحولات تکنولوژیکی پدید آمده و در کنار سیستم سنتی بانکداری، نوعی از بانکداری را بدون نیاز به حضور در شعب فیزیکی بانکی ایجاد نموده است، از طریق مرتفع نمودن برخی از نیازهای مشتریان، تقاضای ارائه خدمات بانکی در شعب فیزیکی را کاهش

1. Analytic Network Process

2. Branch Base

داده و بر تعداد شعب نیز اثرگذار است.

در تحقیقی که بخشعلی و همکاران وی در خصوص عوامل مؤثر بر بانکداری الکترونیک انجام داده‌اند، ۳۷۰ نفر از مشتریان بانک ملی شهرستان اراک از طریق پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفته و اثرگذاری عواملی چون اعتماد، جنسیت، تحصیلات، درآمد، شغل و ترکیب سنی جمعیت مشتریان بر پذیرش و استفاده از بانکداری الکترونیک با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک دو متغیره مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق، عادت به استفاده از سیستم سنتی بانکداری به‌عنوان یکی از عوامل مهم عدم استفاده از بانکداری الکترونیک تأکید شده است. از سوی دیگر متغیرهایی چون جنسیت و شغل مشتریان، تأثیری بر استفاده از بانکداری الکترونیک ندارد و متغیرهای سن و تحصیلات و درآمد بر استفاده از این نوع بانکداری اثرگذارند (بخشعلی و همکاران، ۱۳۸۹).

ب) نظرات کارشناسی کارشناسان بانکی داخلی

نظرات کارشناسان بانکی در رسانه‌ها بیشتر متمرکز بر ایجاد شعب متعدد بانک‌هاست و از روند ایجاد شعب جدید بانکی در کشور توسط مؤسسات اعتباری مختلف انتقادات جدی از سوی جامعه کارشناسی وارد شده است. این انتقادات در دو سال گذشته که روند افزایش شعب جدید بانکی، شدت گرفته، بیشتر شده است. البته یکی از حساسیت‌های بدنه کارشناسی بانکی در کشور در این خصوص به‌دلیل رفتارهای متفاوت و گاهاً متناقض بانک مرکزی در قبال این مسئله می‌باشد که در زمانی آیین‌نامه‌ای برای کاهش شعب صادر (اسفندماه ۱۳۹۱) و در زمان دیگر (دی‌ماه ۱۳۹۲) آن آیین‌نامه را لغو می‌نماید. این مباحث کارشناسی در حیطه توزیع شعب بانکی در کشور مطرح نشده و تماماً انتقادات به تعداد شعب بانکی اختصاص دارد و این در حالی است که با نگاهی به آمار و ارقام شعب بانکی در مناطق روستایی و شهری و نیز جمعیت در این مناطق، می‌توان تا حدودی توزیع نامتوازن شعب بانکی در کشور را استنباط کرد. حدود ۹۵ درصد از کلیه شعب مؤسسات اعتباری در کشور در مناطق شهری و تنها ۵ درصد در مناطق روستایی متمرکزاند و این در حالی است که در سال ۱۳۹۲، ۶۵/۲ درصد از جمعیت کشور شهری و ۳۴/۸ درصد روستایی هستند (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۱).

جدول ۱. شعب بانکی شهری و روستایی

درصد از کل شعب	تعداد شعب	نوع	
۹۵	۱۹,۴۲۶	جمع شعب شهری	مناطق شهری
۲/۳	۴۷۱	بانک کشاورزی	مناطق روستایی
۱/۸	۳۶۸	بانک صادرات	
۰/۹	۲۰۷	سایر بانک‌ها	
۵	۱,۰۴۶	جمع شعب روستایی	
۱۰۰	۲۰,۴۷۲		جمع

مأخذ: بانک مرکزی، تعداد شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به تفکیک شهر و روستا منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹



حال با توجه به همین مسائل مطرح در جامعه کارشناسی کشور، نظرات و انتقادات کارشناسان حوزه بانکداری به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. یکی از انتقادات جدی که جامعه کارشناسی بانکی در کشور درخصوص افزایش شدید تعداد شعب بانکی جدید در دو سال اخیر مطرح می‌کنند، ناظر به سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بخش زمین و ساختمان است. به نظر این کارشناسان، ایجاد شعب جدید بانک‌ها به بهانه زمین‌داری و توسعه املاک صورت می‌گیرد و این حرکت به نحوی انحراف از فعالیت‌های بانکداری بانک‌ها تلقی می‌شود. به نظر علی سلیمانی از کارشناسان بانکی، مطابق تعاریف جهانی، بانک‌ها باید علاوه بر ارائه خدمات کمی و کیفی مطلوب بانکی به مشتریان خود، سرمایه خود را در توسعه صنعت، خدمات و کشاورزی و ایجاد شغل هزینه کنند؛ اما اقتصاد بیمار ایران باعث شده است فعالیت‌های بانکداری از تعریف اصلی آن منحرف شده و به سوی دلالی و سفته‌بازی گرایش پیدا کند. افزایش بسیار زیاد چگالی شعب بانکی در شهرهای بزرگ به خصوص مناطق شمال شهری که قیمت زمین و ساختمان بیشتر از سایر نقاط افزایش پیدا می‌کند مؤیدی بر این ادعاست. به نظر این کارشناس بانکی، بانک‌ها سرمایه‌های خود را از طریق شرکت‌های واسطه‌ای تابع خود، به بخش زمین و ساختمان می‌برند و این عمل بانک‌ها باعث شده نهادهای دولتی و شبه‌دولتی و غیردولتی (مانند سازمان‌ها، شهرداری‌ها، مؤسسات دولتی و غیردولتی، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بنیادها، ستادهای اجرایی، شرکت‌های وابسته به سازمان‌های بازنشستگی و غیره) نیز برای کسب این سود قابل توجه، به ایجاد بانک و توسعه شعب بانکی رغبت پیدا کنند. این در حالی است که روند احداث شعب بانکی در کشورهای پیشرفته سیر کاهشی داشته و این کشورها به جای هزینه کردن سرمایه برای احداث شعب، نگهداری آنها و پرداخت حقوق بیشتر به کارمندان، ترجیح می‌دهند سرمایه‌های خود را در فعالیت‌های بانکداری هزینه کنند و کارهای جاری شعب بانکی را به بانکداری الکترونیک ارجاع دهند (روزنامه هفت صبح، ۱۳۹۳/۱/۲۰، کد مطلب: ۳۶۹۵۹).

۲. هادی حق‌شناس نیز از کارشناسان بانکی و نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی بر این عقیده است که تداوم نرخ تورم دو رقمی در ۴۰ سال گذشته و نیز نوسانات پیوسته و گاهاً شدید اقتصادی در کشور باعث شده که بانک‌ها به جای ایفای نقش واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، در بازارهایی مانند طلا و ارز و زمین و ساختمان سرمایه‌گذاری کنند که این سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بازارهای طلا، ارز، زمین و ساختمان، باعث تلاطم بیشتر اقتصاد ملی و افزایش بیشتر قیمت‌ها در این بازارها و بالطبع سایر بازارها شده و دور باطل و فزاینده‌ای از افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر بانکی در این بازار اتفاق می‌افتد.

۳. عبدالناصر همتی مدیرعامل بانک ملی معتقد است تعداد شعب بانک‌ها باید بر حسب جمعیت محله‌ای مشخص و محدود شود و شورای پول و اعتبار نیز موظف به تهیه و ابلاغ دستورالعمل آن گردد. باید حضور بانک‌ها در شهرها و مناطق شهری محدود و در مناطق روستایی و شهرهای زیر ۱۵ هزار نفر

جمعیت آزاد اعلام شود (سایت من بانک، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹، کد مطلب: ۱۱۶۴). از سوی دیگر برای کنترل افزایش شعب جدید بانکی، بانک‌ها باید براساس سرمایه‌ای که دارند نسبت به ایجاد شعب اقدام کنند؛ برای مثال بانکی که ۴۰۰ میلیارد تومان سرمایه دارد حداکثر می‌تواند ۲۰۰ شعبه ایجاد کند و بانک دیگری که سرمایه ۸۰۰ میلیارد تومانی دارد ۲۵۰ شعبه. از سوی دیگر برای بررسی مکانی شعب بانکی لازم است به فاکتورهایی از قبیل عوامل و زیرساخت‌های محیطی نظیر جمعیت منطقه، سطح درآمد منطقه، وضعیت تجاری منطقه، فرهنگ مردم در تعامل با بانک، رقبای موجود در سطح منطقه و ... توجه شود.

۲-۱-۱. مطالعات تجربی خارج از کشور

مطالعات پژوهشی در خارج از کشور در موضوعات مرتبط و مؤثر بر تعداد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب بانکی، بسیار وسیع‌تر و متنوع‌تر از داخل کشور انجام شده است و پژوهش‌های خارجی نسبت به کارهای مطالعاتی در داخل، بسیار متفن‌تر، با کیفیت‌تر، جامع‌تر و کاربردی‌تر است. البته همان‌گونه که در مقدمه قسمت ۲ ذکر شده، این مطالعات به سبب نیاز صنعت بانکداری در سطح کشورهای جهان به سبب تغییرات ساختاری و قانونی در عرصه بانکداری در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به وجود آمده و رشد قابل توجه تعداد شعب بانکی و تغییر توزیع و اندازه شعب و شبکه شعب بانکی را تأیید کرده است. در اینجا از بین مطالعات فراوان انجام شده، به مهمترین مطالعات اشاره می‌شود به نحوی که بتوان طیف کاملی از عوامل اثرگذار بر تعداد و توزیع و اندازه شعب بانکی را تبیین نمود.

در خصوص متوسط اندازه شعب بانکی که به کمک تعداد نیروی استخدامی فعال در هر شعبه اندازه گیری می‌شود، طبق آمار و ارقام، تعداد کارمندان هر شعبه از بانک‌های تجاری در مناطق شهری به‌طور متوسط از ۲۰ کارمند در سال ۱۹۸۸ به ۱۶ کارمند در سال ۱۹۹۴ و به ۱۳ کارمند در ۲۰۰۴ میلادی رسیده است؛ در حالی که در مناطق روستایی، تعداد متوسط کارمندان بانک‌های تجاری در هر شعبه از ۲۲ کارمند در ۱۹۸۸ به حدود ۱۴ کارمند در ۲۰۰۴ میلادی رسیده است. در خصوص مؤسسات پس‌انداز در مناطق شهری نیز تعداد کارمندان در هر شعبه به‌طور متوسط از ۱۳ کارمند در سال ۱۹۸۸ به حدود ۱۲ کارمند در ۲۰۰۴ میلادی رسیده است (Hannan & Hanweck, 2007). این افزایش تعداد شعب بانکی با تغییر در توزیع بانک‌ها به لحاظ تعداد شعبه همراه بود. در واقع بانک‌ها به سمت بانک‌های با تعداد شعب بیشتر و بزرگ‌تر حرکت کردند. برای مثال بانک‌های با تعداد شعب بیشتر از ۱۰۰ عدد، از ۴۶ درصد از کل شعب در سال ۱۹۹۴ به ۵۱ درصد در سال ۲۰۰۳ میلادی رسید (Hirtle and Metli, 2004).

در گزارش اقتصادی رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۶، افزایش ۲۱ درصدی جمعیت و همچنین افزایش ۶۶ درصدی درآمد شخصی قابل تصرف افراد طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۶ از عوامل مهم مؤثر بر افزایش تعداد شعب بانکی در آمریکا مطرح شده است. آمارها نشان می‌دهد که نرخ رشد افزایش جمعیت و درآمد قابل تصرف از نرخ رشد تعداد شعب در آمریکا (حدود ۱۲ درصد) بیشتر بوده است و



این منطقی است که این افزایش منجر به افزایش تقاضا برای خدمات بانکی شود که این عامل قطعاً بر تعداد شعب بانکی مؤثر خواهد بود (Economic Report of the President, 2006).

می‌توان اظهار داشت در ایالات متحده، یکی از دلایل اصلی افزایش در تعداد شعب بانک‌های تجاری، کاهش مؤسسات پس‌انداز و جایگزین شدن آنها به وسیله بانک‌های تجاری - به طریق تملک مؤسسات پس‌انداز یا به صورت‌های دیگر - بوده است. با اینکه سیر افزایش تعداد شعب در روستاها و شهرهای آمریکا مشابه دیده شده است؛ ولی رشد شعب در مناطق روستایی تا حدودی کمتر بوده است (رشد ۴۳ درصدی شعب بانک‌های تجاری در مناطق شهری و ۲۷ درصدی در مناطق روستایی در حالی که رشد شعب بانک‌های تجاری و مؤسسات پس‌انداز در مجموع در مناطق شهری ۱۳ درصد و در مناطق روستایی ۱۰ درصد گزارش شده است) (Hannan & Hanweck, 2007).

هنان و هانویک در خصوص عوامل مؤثر بر تعداد شعب و عوامل توضیح‌دهنده افزایش تعداد شعب بانکی در سال‌های اخیر به موارد زیر اشاره کرده‌اند (Hannan & Hanweck, 2007):

- جایگزینی بانک‌های تجاری به جای مؤسسات پس‌انداز که اثر مثبت بر تعداد شعب داشته‌اند،
- اندازه بازار که از درآمد کل بازار و نیز جمعیت بازار به دست می‌آید و اثر مثبت بر تعداد شعب داشته است،

- درآمد سرانه کل که نسبت به جمعیت کل رابطه مثبت و قوی با تعداد شعب داشته است،
- درآمد حاصل از نرخ‌هایی که بانک برای دارایی‌های بهره‌محور خود قرار می‌دهد تا از طریق اعطای وام از ذخایر سپرده‌های مردمی عایدی کسب کند، رابطه مثبت با تعداد شعب داشته است،
- حسب مطالعات جدید، میزان تمرکز بازار^۱ به‌طور قابل توجهی رابطه منفی با تعداد شعب دارد
- (در یک تحلیلی مبتنی بر علم اقتصاد منطقه‌ای) مناطق شهری که طی زمان مذکور، افزایش متوسط در ازدحام و انبوهی ترافیک و رفت‌وآمد را تجربه کردند، افزایش متوسط در تعداد شعب را نیز تجربه کرده‌اند،

- رفع محدودیت‌های نظارتی و قانونی در هر ایالت نیز عامل عمده و مثبتی در افزایش تعداد شعب بوده است،

- در خصوص رابطه مهاجرت به بازار و تعداد شعب آن بازار، مدرک قابل استنادی در طی زمان مشاهده نشد.

طبق تحقیقات رایس و دیویس در ایالت ایلینویز آمریکا دو عامل به‌عنوان عوامل اثرگذار بر تعداد شعب در نظر گرفته شده است: یکی رفع محدودیت‌های قانونی - منظور قوانین ایالتی - که قبلاً بر شعب بانکی ایالت ایلینویز اعمال می‌شد و دیگری تمرکز بازار^۲ بانکی. آنها در مقایسه رشد تعداد شعب در ۱۵

1. Market Concentration

۲. منظور از تمرکز بازار، چگالی یا شدت وجود شعب بانکی در منطقه می‌باشد؛ به این معنا که چنانچه در بازاری (یا منطقه‌ای) تعداد زیادی شعب بانکی در حال فعالیت بانکی رقابتی باشند، تمرکز بازار در آن منطقه بالا می‌باشد.

شهر از بزرگ‌ترین شهرهای ایالت ایلینویز طی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ به رابطه معکوس تمرکز بازار و رشد تعداد شعب پی بردند (Rice and Davis, 2007).

در سال‌های اخیر یکی از موضوعاتی که در مورد آن تحقیقات زیادی در صنعت بانکداری کشورهای مختلف صورت گرفته، مکانیابی بهینه شعب بانک‌هاست. عموماً برای تصمیم‌گیری در خصوص مکانیابی شعب بانکی از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، علم مکان‌یابی و نیز تحقیق در عملیات (مدل‌های برنامه‌ریزی ریاضی و روش تصمیم‌گیری چندشاخصه (MADM) استفاده می‌شود (Church & Murray, 2009). در مسئله مکانیابی بهینه شعب بانکی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی متغیرهایی چون قدرت بانک در جذب سپرده، تجمع مشتریان بانکی در منطقه خاص و تقاضای آنها برای ارائه خدمات، وجود رقبای بانکی در ارائه خدمات مشابه، تصمیم مدیران ارشد بانک برای توسعه شبکه شعب بانکی و ایجاد شعب جدید، ویژگی‌های مشتریان، ویژگی‌های مکانی شعب جدید، مهم است و با این سیستم ارزیابی می‌شود (Jafrullah and other, 2003). در تحقیقی که توسط سانگ ریون^۱ (۱۹۸۵) انجام شده مشاهده شده که مکان شعب بر روی حجم سپرده دریافتی و در نتیجه مقدار سود بانک اثرگذار می‌باشد. همچنین چو^۲ (۱۹۹۰) در تحقیق خود اثبات می‌نماید که سود و ضرر بانک‌ها بسیار به تعداد شعب و مکان شعب در منطقه وابسته است (Weon, Eui, Sik, 2010). بنابراین انتخاب یک مکان مناسب تصمیم بسیار مهمی برای بنگاه خواهد بود. زیرا در صورت اشتباه هزینه‌های فراوان انتقال و جابجایی به آنها تحمیل خواهد شد و مزیت رقابتی به وجود آمده را هدر خواهد داد (Cinar, 2010).

در مطالعه اپستین و همکاران وی در سال ۲۰۱۳ به اثرگذاری مشتریان بالقوه آتی بر تعداد شعب بهینه در نظام بانکی رژیم اشغالگر قدس پرداخته شده است. در این مقاله عنوان شده که راه‌اندازی یک شعبه جدید بانکی، تصمیم استراتژیکی است که بانک بر اساس انتظار خود از پتانسیل آینده بازار خدمات بانکی اتخاذ می‌کند. در واقع ممکن است در نظام بانکی شعبه‌ای وجود داشته باشد که در حال حاضر سودآور و به لحاظ هزینه‌ها کارآ نباشد؛ اما براساس پتانسیل آینده بازار بانکی همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. در این مقاله از رشد جمعیت آینده در کشور به عنوان شاخص^۳ پتانسیل آینده بازار بانکی استفاده شده است و از اطلاعات شعب بانکی در دهه ۱۹۹۰ در رژیم اشغالگر به عنوان مشاهده بهره برده شده است (Epstein and et al., 2013).

یکی دیگر از موارد مهم و اثرگذار بر تعداد شعب بانکی که در این مقاله به آن اشاره شده، محدودیت‌های حاصل از قوانین بانکی است. در مارس ۱۹۸۹ طبق الحاقیه ۱۴۰۴ قانون اساسی بانکداری مصوب ۱۹۸۱ در رژیم اشغالگر قدس، نیاز بانک‌ها به هر گونه اجازه برای افتتاح شعب جدید برداشته

1. Sung-Ryong Lee
2. Ugg-Yeon Cho
3. Proxy



شد و به این صورت به لحاظ قانونی در ایجاد شعب جدید گشایش قابل توجهی شکل گرفته است. یکی دیگر از موارد مهم و اثرگذار بر تعداد شعب بانکی در این مقاله تغییرات تکنولوژیکی است که استفاده و توسعه این تکنولوژی‌ها منجر به کاهش تعداد شعب بانکی در نظام بانکداری این رژیم شده است (Epstein and et al., 2013).

۲-۱. عوامل مؤثر بر تعداد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب بانکی و مبانی نظری آنها

در این قسمت مبانی نظری تعدد و توزیع شعب بانکی بدون توجه به مطالعات تجربی بررسی می‌شود. در برخی مواد شاید به نظر موضوع با مطالعات تجربی در قسمت قبل یکسان باشد، اما در این قسمت همان موضوعات با استدلالات منطقی و نظری ارائه می‌شود. در خصوص مبانی نظری عوامل اثرگذار بر تعداد شعب بانکی اولین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد نوع رفتار بانک‌ها می‌باشد. در واقع بانک‌ها به دنبال جذب سپرده‌های بیشتری در یک بازار (منطقه) هستند با این شرط که درآمدی که از سرمایه‌گذاری آن سپرده‌ها به دست می‌آورند (البته درآمدی که با توجه به ریسک سرمایه‌گذاری تعدیل شده باشد) از هزینه سپرده‌های جمع‌آوری شده بیشتر باشد. جذب سپرده‌های محلی بیشتر ممکن است از طریق نرخ‌های سود سپرده بالاتر و یا اختصاص تسهیلات بیشتر به مشتریان به وسیله ایجاد یک شبکه شعب بزرگ‌تر حاصل شود و قانون حداکثرسازی سود برای بانک مستلزم این است که در نقطه تعادل، هزینه نهایی سپرده‌های محلی جمع‌آوری شده (که هزینه‌های نرخ سود سپرده و هزینه‌های مربوط به توسعه شبکه شعب می‌باشد) جبران شود و این رفتار بانکی بر تعداد و توزیع شعب بانکی در مناطق مختلف مؤثر است. بانک می‌تواند در مناطق مختلف با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های اقتصادی منطقه‌ای اقدام به احداث شعب جدید و ارائه نرخ‌های بهره متنوع شود (Hannan & Hanweck, 2007).

یکی دیگر از عوامل مهم و اثرگذار بر تعداد شعب بانکی، کارایی هزینه^۱ و کارایی بازار^۲ در ایجاد شعب جدید بانکی است که محوریت این بحث بر وجود صرفه‌های حاصل از مقیاس در سطح شعب بانکی می‌باشد. در واقع با توجه به مبحث کارایی هزینه می‌توان با افزایش تعداد شعب و نیز بزرگ نمودن اندازه شعبه در شبکه شعب بانکی هم از حیث قبول سپرده بیشتر و هم از حیث ارائه خدمات بیشتر، از کاهش انواع هزینه‌ها به سبب صرفه‌های حاصل از مقیاس به‌عنوان کارایی بیشتر استفاده کرد. در خصوص کارایی بازار نیز مطلب اصلی این است که با وجود منابع و ظرفیت‌های موجود شعب بانکی (عدم تغییر شبکه شعب) از چه سطحی از ظرفیت‌های بازار بانکی و پتانسیل بازار خدمات بانکی بهره برده می‌شود. در واقع کارایی بازار به بهره‌برداری هر چه بیشتر از پتانسیل اقتصادی بازار بانکی اشاره دارد. در نهایت می‌توان دو بعد فوق را به‌عنوان ابعاد مکمل یکدیگر در تصمیم بانک برای ایجاد شعب در نظر گرفت و مجموع آن دو را به کارایی

1. Cost Efficiency

2. Market Efficiency

سود^۱ سطوح شعب بانکی، تعبیر نمود (Epstein and et al., 2013).

در کنار نکات فوق، به‌عنوان نکته مکمل باید به این موضوع نیز اشاره شود که احتمال تأسیس بانک در منطقه‌ای که سطح پوشش بانکی کم باشد^۲ بیشتر است. یعنی منطقه‌ای که نسبت تعداد شعب به تعداد جمعیت بزرگسال کم باشد، برای تأسیس بانک جدید محتمل‌تر خواهد بود که مبنای این تحلیل، پتانسیل بازار برای جوابگویی به نیازهایی است - منظور جمعیتی است که با تعداد کم شعب بانکی مواجه بوده است- که تا کنون جواب مناسبی به آن داده نشده است.

از موارد مهم دیگر در توضیح‌دهندگی افزایش تعداد شعب علاوه بر شرایط منطقه‌ای، شرایط مساعد خود بانک و توانایی آن برای گسترش شعب می‌باشد. در واقع وضعیت خوب ترازنامه بانک‌ها و نیز سودآوری و درآمدزایی آنها می‌تواند مشوق خوبی برای افزایش تعداد شعب بانکی باشد. از سوی دیگر از مواردی که می‌تواند منابع موجود در بانک را برای گسترش شعب بانکی کاهش دهد، نسبت مطالبات معوق بانکی است.

تاکنون در بسیاری از مطالعات از رشد جمعیت بازار به‌عنوان عامل مهم در افزایش تعداد شعب بانکی نام برده شده است، اما به مبنای نظری آن چندان اشاره نشده است. ممکن است مقدار جمعیت افزایش یافته با همان تعداد شعب بانکی در منطقه جواب داده شود؛ اما افزایش جمعیت احتمالاً باعث افزایش نامتوازن سپرده‌ها به لحاظ مکانی و بالطبع بهره‌برداری ناقص سپرده‌گذاران از خدمات بانکی شود و از این رو ایجاد شعب جدید می‌تواند تسهیلات بیشتری را در اختیار سپرده‌گذاران قرار دهد. از سوی دیگر شاید به‌عنوان یک سیاست تعدیلی، افزایش نرخ سود سپرده توسط بانک‌های مناطق مجاور برای جذب سپرده‌ها به بازارهای مجاور و رفع عدم توازن مذکور پیشنهاد شود؛ اما باید توجه نمود که افزایش هزینه‌های مسافرت سپرده‌گذاران به سایر مناطق، سیاست افزایش شعب در منطقه را کم هزینه‌تر و مؤثرتر خواهد نمود. ضمن اینکه بانک‌های موجود در بازار می‌تواند با افزایش تعداد شعب خود از صرفه‌های حاصل از مقیاس در سطح تعداد شعب نیز بهره ببرند (Hannan & Hanweck, 2007).

یکی دیگر از عوامل مهم و مؤثر بر تعداد شعب بانکی - البته به‌طور غیرمستقیم - عوامل برون‌زا است که منجر به هر گونه افزایش در عایدی حاصل از سرمایه‌گذاری سپرده‌های جذب شده و بالطبع ترغیب بانک‌ها به جذب سپرده‌های بیشتر می‌شود. برای مثال در دوره‌ای که ترکیه در دهه ۱۹۹۰ با کسری بودجه شدید و تورم مواجه بود، بانک‌ها متوجه شدند که خرید اوراق بهادار دولتی که با نرخ‌های سود واقعی بالایی عرضه می‌شد، بسیار سودآور می‌باشند؛ از این رو به گسترش قابل توجهی در شبکه شعب خود پرداختند تا بتوانند به جذب سپرده‌های بیشتر و سرمایه‌گذاری آنها اقدام کنند. در آمریکا نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، نرخ رشد تعداد شعب به دلیل کاهش عواید بانکی کاهش یافت و مجدداً در ۱۹۹۴ به



همین دلیل نرخ رشد تعداد شعب به سابق بازگشت (Hannan & Hanweck, 2007).

یکی دیگر از عوامل، درجه هر بازار در مواجهه با مهاجرت سپرده‌گذاران جدید است. بانک‌ها تلاش می‌کنند سپرده‌گذاران جدیدی که به سبب مهاجرت به بازار وارد می‌شوند را با نرخ‌های سود بالاتر و یا امکان دسترسی بهتر به شعب بانکی خود، جذب نمایند تا از عواید بلندمدت سپرده‌های آنها بهره ببرند. مشاهده شده که از بین این عوامل جذب‌کننده، عامل مهمتر، دسترسی بهتر به شعب بانکی است، زیرا برای بانک‌ها عوض کردن نرخ سود سپرده خیلی راحت انجام می‌شود و فرد سپرده‌گذار جدید نمی‌تواند نسبت به تداوم نرخ‌های جذاب سپرده مطمئن باشد در حالی که انتخاب بانک بر اساس سهولت دسترسی، می‌تواند برای سپرده‌گذار عامل محکم‌تر و متقن‌تری در هدایت سپرده‌های خود به سمت بانک مورد نظر باشد. از این جهت پدیده مهاجرت سپرده‌گذاران می‌تواند منجر به ایجاد شعب بیشتر - برای فراهم کردن تسهیلات بیشتر در دسترسی سپرده‌گذاران - در جذب بیشتر آنها باشد (Hannan & Hanweck, 2007).

یکی از عوامل مؤثر بر توزیع شعب بانکی که در ادبیات بانکی نیز بسیار به آن پرداخته شده، ادغام بانک‌هاست^۱. ادغام ممکن است به دلیل ایجاد مزیت رقابتی (مانند زمانی که با ادغام بانک‌ها، طیف وسیعی از خدمات بانکی ارائه و مزیت رقابتی بالایی در برابر رقیبان خود به وجود می‌آید) و یا رفع عدم کارایی حاصل از اندازه بانک (مانند زمانی که یکی بانک به دلیل کوچکی یا ناکارایی توسط یک مؤسسه بزرگتر خریداری می‌شود) و همچنین به دلیل تمایل به تنوع‌سازی (حال تنوع در محصولات یا در مکان جغرافیایی) و یا به دلیل سایر انواع کارایی (برای مثال ادغام‌کننده‌ها ممکن است در پی بهبود کارایی مدیریتی به ادغام دست بزنند) و یا به خاطر منافی که در نتیجه سهم بیشتر در بازار یا دارایی‌های بیشتر به دست آید صورت بگیرد. به طور کلی انتظار می‌رود که با ادغام بانک‌ها تمرکز منطقه‌ای شعب بانکی افزایش و در نتیجه پوشش بانکی در مناطق کمتر شود (Barth, Nolle and Rice, 1997)؛ البته نمی‌توان به راحتی اثر ادغام منتج از عوامل محرک فوق را بر تعداد شعب بانکی به دست آورد.

از طرفی همزمان با قوت گرفتن رقابت‌های داخلی و جهانی بانک‌ها از دهه ۱۹۹۰ و نیز به دلیل بالابودن هزینه‌های شعب فیزیکی، فشاری برای کاهش هزینه‌های شبکه شعب بانکی در اقتصادهای ملی به وجود آمد و بانک‌ها به سمت تعامل جدید با مشتریان خود سوق پیدا کردند. یکی از راه‌های این کاهش هزینه، کاهش تعداد شعب بانکی و حرکت به سمت بانکداری در مراکز ملی و منطقه‌ای (دفاتر مرکزی بانک‌ها در سطح ملی و منطقه‌ای) بود. این تمرکز در یک یا دو مکان اصلی باعث رابطه نزدیک بازارهای مالی در ابعاد منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی شد. البته در این نظریه بستن شعب بانکی به عنوان راه‌حل نهایی مورد توجه بود (Pratt, 1998; O'Brien, 1991; Porteous, 1995). یکی دیگر از راه‌های کاهش هزینه‌های بانکداری به خصوص در کشورهای OECD این بود که نظام بانکداری به سمت اعمال تغییرات تکنولوژیکی در نظام سنتی بانکداری گام‌های جدی برداشت و شعب بانکی به ابزارهای ساخته

شده از تکنولوژی جدید از جمله ATM، تلفن بانک و بانکداری اینترنتی مجهز شدند و به این صورت تعداد شعب بانکی به سبب تأمین خدمات از طرق غیر حضوری کاهش یافت (Mathewson, 1996; Llewellyn, 1995; Anon, 1996; Marshall & Richardson,; Morrall, 1996; ۱۹۹۶ Svigals, 1996; Tyrrell, 1996). با این اقدام پیش‌بینی می‌شد در بریتانیای شمالی درصد قابل توجهی از تراکنش‌های شعب بانکی در اواخر دهه ۱۹۹۰ کاهش یابد (Hall, 1996) و در کانادا نیز پیش‌بینی می‌شد نیمی از شعب بانکی طی ۱۰ سال تعطیل شوند (Laver, 1997). این تغییرات تکنولوژیکی در نظام بانکداری منشأ بسیاری از تغییرات دیگر در نظام‌های بانکداری کشورهای مختلف بوده است.

تغییرات تکنولوژیکی در نظام بانکی یا با هدف هماهنگی بیشتر تعداد زیادی از شعب کوچک بانکی برای سرویس‌دهی بهتر به مشتریان بانکی در قالب استفاده از خدمات اینترنت بوده، یا در قالب افزایش تعداد دستگاه‌های خودپرداز (ATM) که با جایگزینی تحویل‌داران پر هزینه با دستگاه‌های ATM، تغییرات اقتصادی در عملکرد شعب بانکی به نحوی اتفاق افتاده که ایجاد شبکه‌ای از تعداد زیادی از شعب بانکی کوچک برای بانک‌ها بهینه‌تر باشد. حتی اگر در اثر تغییرات تکنولوژیکی مذکور تغییری در تعداد شعب بانکی اتفاق نیافتد، جایگزینی دستگاه‌های ATM با تحویل‌داران پر هزینه، باعث کوچک شدن اندازه شعب (که عموماً با تعداد نیروی انسانی در هر شعب اندازه‌گیری می‌شود) خواهد شد. ضمناً عملکرد بانک‌ها در قرار دادن عملیات بسیار کوچک بانکی در سوپرمارکت‌ها برای جذب مشتریان نیز یکی دیگر از مصادیق تغییرات تکنولوژیکی است که به‌طور قابل توجهی منجر به کاهش در اندازه شعب در طی زمان شده است. هر چه تغییرات تکنولوژیکی در شعب تازه‌تأسیس عمیق‌تر باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که هر ویژگی بازاری که منجر به تغییر تعداد شعب بانکی می‌شود، می‌تواند عامل اثرگذار بر اندازه شعب در جهت مخالف جهت تعداد شعب باشند (یعنی عاملی که منجر به افزایش تعداد شعب می‌شود، می‌تواند منجر به کاهش اندازه شعب نیز شود) (Hannan & Hanweck, 2007).

۲. آثار تعدد و توزیع شعب بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک‌ها

تعیین شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها یکی از موارد مهم در بررسی آثار مثبت و منفی عملکرد شعب بانکی است. در تحقیقات مختلف داخلی و خارجی در خصوص شاخص‌هایی که با آن، عملکرد بانک‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد می‌توان شاخص‌های متنوع و فراوانی را مشاهده کرد که هر کدام به نحوی به ارزیابی عملکرد بانک می‌پردازد. برخی از شاخص‌ها جنبه کلی داشته و خود از روش‌ها و زیر شاخص‌های متنوعی برای محاسبه بهره می‌برند. شاخص‌هایی مانند کارایی، سودآوری، قدرت بانکی، اعتبار بانکی، رقابت بانکی و ... از این قبیل‌اند. برخی دیگر خود صراحتاً به یک شاخص مشخص



و معین اشاره دارند که برای مثال می‌توان به شاخص‌های زیر اشاره کرد:

- بازده دارایی: تقسیم سود ناخالص بر دارایی‌ها و یا سود خالص به‌عنوان درصدی از دارایی
- بازده سرمایه: نسبت سود به سرمایه
- نسبت هزینه به درآمد: تقسیم کل هزینه بانک بر درآمد بانک
- نسبت دارایی ثابت به کل: تقسیم میزان دارایی‌های ثابت بر مجموع دارایی‌ها^۱
- نسبت دارایی‌های درآمدزا به کل دارایی‌ها^۲
- رشد سرمایه و یا درآمد
- توان پاسخگویی بانک به نیاز مشتری و سهام‌داران
- متوسط سپرده در هر شعبه و نیز متوسط وام کسب‌وکار کوچک در هر شعبه
- نسبت کفایت سرمایه^۳

از مجموع تحقیقات انجام شده در خصوص شاخص‌های ارزیابی عملکرد واحدهای اقتصادی می‌توان این استنباط را کرد که در واقع کارایی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد بهینه واحدهای اقتصادی به خصوص بانک‌هاست که در تحقیقات بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

در خصوص مفهوم و تعریف کارایی بنگاه‌های اقتصادی باید نخست به این نکته توجه کرد که کارایی مفهومی نسبی است و نه مطلق. به این معنا که مجموعه‌ای از بنگاه‌ها می‌توانند هر یک در طیفی از کارایی قرار بگیرند. ممکن است بنگاهی بیشتر کارآ باشد و بنگاهی کمتر. در خصوص تعریف کارایی باید به تفاوت در ارائه تعاریف از کارایی اشاره نمود اما به‌طور کلی وجه اشتراک تعاریف مختلف این است که بنگاهی کارآ تلقی می‌شود که از ترکیب داده‌های معین، ستاده بیشتری به‌دست آورد (امیری و رئیس صفری، ۱۳۸۴). طبق این تعریف اندازه‌گیری کارایی بنگاه‌های اقتصادی کمک بسزایی در شناخت نقاط قوت و ضعف و نیز تعیین استراتژی صحیح برای پیشبرد عملکرد اقتصادی بنگاه مورد نظر می‌نماید. در نظام بانکی نیز به دلیل وجود جو رقابتی و توجه به روش‌های ارائه خدمات و نوآوری در ارائه خدمات، همواره کارایی شعب بانکی از موارد مهم در سیاستگذاری بانکی به شمار می‌رود. ضمناً می‌توان با استفاده از سنجش کارایی شعب بانکی، از نظام طبقه‌بندی شعب بانکی نیز به‌صورت بجا و مطلوب‌تری استفاده نمود (موسایی و همکاران، ۱۳۸۹).

در بحث کارایی شعب بانکی، موضوع از دو منظر قابل بررسی است: منظر اول کارایی یک شعبه از بانک در شبکه‌ای از شعب و منظر دوم کارایی کل شبکه شعب بانکی. از منظر اول در تعریف کارایی،

۱. نمایانگر توان مشارکت بانک در فعالیت‌های مختلف است. هر چه سهم دارایی‌های ثابت از کل دارایی‌ها کمتر باشد، سهم تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری که منابع عمده کسب درآمد بانک هستند بیشتر است.

۲. دارایی‌های درآمدزا شامل تسهیلات اعطایی و مطالبات، اوراق مشارکت، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها می‌باشد.

۳. برحسب تعریف، نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه بر مجموع دارایی‌های موزون به ریسک است. هر بانک یا مؤسسه مالی برای تضمین و ثبات فعالیت خود باید نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود حفظ نماید که سبب حفظ بانک در مقابل زیان‌های غیرمنتظره و حفظ اعتماد سپرده‌گذاران می‌گردد.

عموماً سه نوع کارایی در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: کارایی فنی که نشان‌دهنده توانایی بنگاه در حداکثرسازی تولید نسبت به سطح مشخصی از نهاده‌های تولیدی است. کارایی فنی به نحوه و نوع استفاده از تکنولوژی بستگی دارد که خود ممکن است در اثر کارایی در مدیریت باشد و یا کارایی در مقیاس و یا هر دو. در واقع کارایی فنی حاصل ضرب کارایی در مدیریت و کارایی مقیاس می‌باشد. کارایی در مدیریت به دلیل سخت‌کوشی و حسن تدبیر مدیریت محقق می‌شود و کارایی مقیاس به دلیل کاهش هزینه‌های متوسط حاصل از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس می‌باشد. از این رو حجم تولید و اندازه بنگاه تولیدی عامل اساسی در افزایش کارایی مقیاس و بهره‌وری خواهد بود. زیرا صرفه‌های ناشی از مقیاس بنگاه بزرگ‌تر، به دلیل تقسیم کار و ایجاد تخصص در نیروی انسانی و همچنین عوامل تکنولوژیکی باعث کاهش هزینه متوسط و افزایش کارایی خواهد شد (امامی میبیدی، ۱۳۷۹). نوع دوم کارایی تخصیصی است که نشان‌دهنده توانایی بنگاه در انتخاب بهترین ترکیب نهاده‌های تولیدی با توجه به قیمت آنها و با هدف تحقق سطح مشخصی از تولید می‌باشد. کارایی اقتصادی یا کارایی کل نیز حاصل ضرب کارایی فنی و کارایی تخصیصی است.

از منظر دوم نیز دو نوع کارایی مد نظر قرار می‌گیرد: نوع اول کارایی هزینه^۱ است که به وجود صرفه‌های حاصل از مقیاس در شبکه شعب بانکی تمرکز دارد. طبق کارایی هزینه می‌توان با افزایش تعداد شعب بانکی در شبکه شعب و نیز افزایش اندازه شعبه هم از حیث قبول سپرده‌ها و هم از حیث ارائه خدمات، از کاهش انواع هزینه‌ها به سبب صرفه‌های حاصل از مقیاس به‌عنوان کارایی بیشتر استفاده کرد. نوع دوم، کارایی بازار^۲ است که با وجود منابع موجود و ظرفیت ثابت در نظر گرفته شده، شبکه شعب بانکی از چه سطحی از ظرفیت‌های بازار بهره‌مند می‌شود. به عبارتی هر چه شبکه شعب بانکی با ظرفیت و امکانات ثابت، از پتانسیل بازار خدمات بانکی بهره بیشتری ببرد، کارایی بالاتری خواهد داشت. در نهایت می‌توان دو بعد فوق را به‌عنوان ابعاد مکمل یکدیگر در تصمیم بانک برای ایجاد شعب در نظر گرفت و آن را به کارایی سود^۳ سطوح شعب بانکی، تعبیر نمود (Epstein and et al., 2013).

از آنجایی که مفهوم مشترک همه تعاریف کارایی، به اخذ ستاده بیشتر از نهاده کمتر اشاره دارد، درخصوص ارزیابی کارایی شعب بانکی در مطالعات مختلف، از متغیرهای متنوعی به‌عنوان ستاده‌ها و نهاده‌ها نام برده شده که می‌توان با ارزیابی اثر تعدد و توزیع شعب بر آنها، به ارزیابی تعدد و توزیع شعب بانکی بر شاخص عملکرد بانکی که همان کارایی است پرداخت. از این رو ذکر موارد زیر به‌عنوان نهاده و ستاده در نظام بانکی کشور قبل از بررسی اثرگذاری تعدد و توزیع شعب ضروری است.

-
1. Cost Efficiency
 2. Market Efficiency
 3. Profit Efficiency



نهادها عبارتند از:

- نیروی انسانی بانک (تعداد پرسنل بانکی)
 - ارزش سپرده‌ها و دارایی‌های بانکی
 - سرمایه‌های بانکی: سرمایه‌های فیزیکی (ساختمان‌های بانکی)، سرمایه اداری (شامل میز و صندلی و ...)، سرمایه ملکی (املاک تحت تملک بانک) و سرمایه‌های مالی (اوراق بهادار)
- ستاده‌ها عبارتند از:

- تسهیلات غیر تکلیفی به بخش خصوصی
 - تسهیلات به بخش دولتی
 - ارزش ضمانتنامه‌ها
 - درآمد (درآمد حاصل از وام‌ها، درآمد فعالیت‌های بدون بهره، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها و درآمدهای حاصل از سایر خدمات بانکی)
- علاوه بر موارد فوق متغیرهایی چون حجم کسب‌وکار شعب بانکی، سودآوری شعب بانکی و نسبت وام به دارایی در شعب بانکی نیز جزء متغیرهای مناسب برای ارزیابی عملکرد بانکی در برخی از تحقیقات مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

اما علاوه بر طرح مطالعات در خصوص کارایی و عملکرد شعب بانکی، در اینجا به اثر تعدد و توزیع شعب بانکی بر عملکرد بانک‌ها پرداخته می‌شود و آثار مثبت و منفی تعدد و توزیع شعب بانکی بر شاخص‌های عملکرد بانکی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در این قسمت تنها به آثار تعدد و توزیع شعب بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک‌ها پرداخته نمی‌شود و سایر آثاری که این دو مؤلفه بر سایر متغیرهای نظام بانکی دارند نیز مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. از آنجایی که برخی از آثار ذیل، علاوه بر مبانی نظری، برگرفته از مطالعات تجربی نیز می‌باشد، ممکن است بررسی نتایج اثرگذاری تعدد و توزیع شعب بر برخی از متغیرها (مانند کارایی)، در برخی از کشورها نسبت به سایر کشورها متفاوت باشد و یا حتی برخی از متغیرهای وابسته تأثیرپذیر از تعدد و توزیع شعب بانکی - از زیرمجموعه شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانکی - مختص جغرافیای مکانی منحصر به فردی باشد. از این رو در خصوص تبیین اثرگذاری تعدد و توزیع شعب بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانکی در مطالعات تجربی، مکان انجام مطالعات نیز ذکر می‌شود.

۱-۲. آثار منفی تعدد و توزیع شعب بانکی

در خصوص آثار منفی تعدد و توزیع شعب بانکی می‌توان موارد زیر را در تحقیقات علمی در حوزه بانکداری برشمرد:

الف) یکی از نکات قابل توجه و بسیار مهم در خصوص شبکه شعب فیزیکی این است که این شعب به نسبت سایر ابزارهای بانکداری (همچون بانکداری اینترنتی و ATM که هزینه‌های عملیات بانکی در

بانک‌های اروپا را در دهه ۱۹۹۰ به‌طور چشمگیری کاهش داده است (Humphrey et al., 2005)، ابزار گرانی برای ارائه خدمات بانکی هستند (Orlow et al., 1996) و با این استدلال گسترش شعب فیزیکی (از طریق سیاست افزایش شعب و یا ادغام بانک‌ها) هزینه‌های زیادی را به شبکه شعب بانک تحمیل خواهد نمود و در ساختار هزینه‌ای و سودآوری کل شبکه بانک آثار قابل توجهی برجای خواهد گذاشت (Weon, Eui, Sik, 2010). البته این مورد باعث کاهش سودآوری بانک‌ها نخواهد شد اگر:

۱. در توسعه شبکه شعب بانکی، صرفه‌های حاصل از مقیاس وجود داشته باشد،
 ۲. عملاً درآمدزایی تک تک شعبی که در شبکه بزرگی از شعب بانکی هستند افزایش داشته باشد.
- ازسوی دیگر وجود شعب بانکی ارائه دهنده همه انواع خدمات بانکی، هزینه‌های به مراتب بیشتری را به شبکه شعب بانکی تحمیل می‌کند که باید این هزینه‌ها از طریق درآمدهای حاصل از شبکه شعب بانکی - اصولاً درآمدهای شفاف^۱ و ضمنی^۲ که از سپرده‌ها حاصل می‌شود - تأمین شود (Orlow et al., 1996) و این در حالی است که این دو نوع، دو منبع مهم درآمد هستند که تنها حدود ۳۰ درصد از درآمدهای عملکرد بانک‌های بزرگ را شامل می‌شوند (Radecki, 1999). هزینه بالای تعدد و توزیع شعب، انتخاب مکان مناسب شعب جدید را برای بانک بسیار حساس خواهد نمود؛ زیرا در صورت اشتباه، تحمیل هزینه‌های فراوان انتقال و جابجایی، مزیت رقابتی را به شدت کاهش خواهد داد (Cinar, 2010). پس تعدد شعب فیزیکی بانکی آثار منفی افزایش هزینه‌ها را در بر خواهد داشت به طوری که سیاست کاهش تعداد شعب فیزیکی بانک‌ها و جایگزینی با بانکداری نوین به‌منظور کاهش هزینه‌های جاری بانک‌ها، افزایش سوددهی و افزایش قدرت بانک‌ها در سرمایه‌گذاری بخش‌های تولیدمحور و رشد اقتصادی، همواره مورد توصیه فعالان و ناظران بانکی بوده است.

ب) در نظام بانکداری جدید بعد از دهه ۱۹۸۰، رویکرد غالب بانک‌ها در تعدد و توزیع شعب بانکی، کارآیی شعب بانکی بوده است؛ به این معنا که به‌دلیل افزایش رقابت‌های داخلی و بین‌المللی در بازارهای بانکی، ملاک و معیار اصلی بانک‌ها برای فعالیت‌های بانکی، اصل کارآیی به معنای افزایش ستاده با بهره‌گیری از کمترین نهاده بوده است. اما نکته مهم برای بانک‌ها در برخورد با این اصل این است بانک‌ها بتوانند منشأ کارآیی و عدم کارآیی شعب بانکی خود را به خوبی تشخیص دهند. این تشخیص معمولاً در بانک‌های با تعداد شعب محدود به خوبی و با دقت بالا انجام می‌گیرد؛ در حالی که احتمال تشخیص منشأهای عدم کارآیی بانک‌های بزرگ‌تر به نسبت بانک‌های کوچک‌تر به‌خصوص در اروپا، کمتر است (Hensel, 2003) و این یکی از آثار منفی تعدد شعب در شبکه‌ای بزرگ از شعب بانکی می‌باشد.

ج) ازسوی دیگر در تحقیقی که درخصوص منشأهای کارآیی و عدم کارآیی نظام بانکداری اسپانیا انجام شده این نتیجه به‌دست آمده که تعداد شعب فیزیکی بانک‌ها و نیز رابطه تعداد شعب فیزیکی

۱. درآمدهای حاصل از حق الزحمه و کارمزد و سایر درآمدهایی که از تراکنش‌های بانکی حساب‌های سپرده کسب می‌شود.

۲. درآمدهایی که از سپرده‌هایی به‌دست می‌آید که زیر نرخ‌های بازاری برای منابع جایگزین تأمین مالی قیمتگذاری می‌شوند.



بانک‌ها و تعداد دستگاه‌های ATM در همان بانک‌ها، می‌تواند قسمت عمده‌ای از عدم کارایی بانک‌های اسپانیا را توضیح دهد. طبق این تحقیقات هر چه روند توسعه دستگاه‌های خودپرداز در شبکه بانکی یک بانک بیشتر بوده و تعداد شعب فیزیکی شبکه شعب بانکی کمتر باشد شاخص کارایی در بانک بیشتر خواهد بود (Valverde et al, 2004) که این نمونه نیز همانند مطلب فوق، مؤید اثر منفی تعدد شعب فیزیکی بر کارایی شعب در شبکه شعب بانکی است.

د) در نظام بانکداری جدید یکی از مهمترین مسائل موجود، قدرت رقابت بانک‌های دولتی و خصوصی در بازارهای بانکی می‌باشد. ورود بخش خصوصی به نظام بانکداری یکی از اقدامات مفید در جهت ارتقای رقابت در بازار بانکی و نیز ارتقای کیفیت خدمات بانکی ارائه شده می‌باشد؛ اما در این زمینه چالش بزرگی در نظام بانکداری ایران بر سر راه بانک‌های خصوصی وجود دارد و آن فاصله بسیار زیاد تعداد شعب بانک‌های دولتی نسبت به تعداد شعب بانک‌های خصوصی می‌باشد که رقابت نامتقارنی از این دو گروه بانک را در بازارهای بانکی موجب شده است. از آنجایی که شعب فیزیکی بانک‌ها هنوز به‌عنوان جایگاه اصلی جمع‌آوری منابع و ابزار دسترسی مشتری به بانک در نظام بانکداری ایران به شمار می‌رود، استراتژیست‌های بانک‌های خصوصی عمده ضعف خود را در رقابت با بانک‌های دولتی کمبود تعداد شعب می‌پندارند (روزنامه الف، ۱۳۹۲/۱۰/۱۲، کدمطلب: ۲۱۰۴۴۷) و این از آثار منفی تعدد شعب بانک‌های دولتی است که زمینه را برای حضور پررنگ‌تر بانک‌های خصوصی در بازارهای بانکی ایران تنگ کرده است.

ه) از آنجایی که اغلب مصرف‌کنندگان و صاحبان کسب‌وکارهای کوچک به شعب فیزیکی بانک‌ها وابسته هستند، رشد شبکه‌های بزرگ بانکی (به سبب ادغام‌های بانکی و یا رویکردهای کارایی محوری خود بانک‌ها) باعث بروز عدم مزیت برای این دسته از مشتریان این بانک‌ها ایجاد می‌شود. در واقع بانک‌های بزرگ و مؤسساتی که در چندین منطقه فعالند، به سبب تسهیلاتی - اغلب تسهیلات حاصل از دسترسی سریع و آسان - که در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند، هزینه‌های بالاتر (در قالب کارمزد انجام عملیات بانکی) و نیز سود سپرده کمتری را به نسبت بانک‌های کوچک‌تر در فعالیتهای بانکی ارائه می‌دهند (Hannan, 2002; Hannan, 2004; Hannan and Prager, 2004a; 2004b; Park and Pennacchi, 2004) و این منجر به تحمیل هزینه‌های بیشتر به این نوع از مشتریان می‌شود. این نیز یکی دیگر از آثار منفی تعدد شعب بانکی است.

و) یکی از موارد مهم در نظام بانکداری نوین، ارتباط میان شعب فیزیکی بانک‌ها و استفاده از بانکداری الکترونیک است. از آنجایی که بانکداری الکترونیک در عین درآمدزایی خوب برای بانک، هزینه‌های حاصل از بانکداری مبتنی بر شعب فیزیکی را کاهش می‌دهد، یکی از دغدغه‌های مدام سیاستگذاران بانکی، ترغیب مشتریان، به استفاده هر چه بیشتر از این نوع بانکداری است. از سیاست‌هایی که از سوی برخی کارشناسان بانکی برای این امر توصیه می‌شود، کاهش شعب فیزیکی بانک‌هاست. در واقع با کاهش شعب فیزیکی بانک‌ها و تراکم ایجاد شده در سایر شعب موجود و به‌دلیل هزینه‌های زمانی که از این طریق به مشتریان بانکی تحمیل می‌شود، هزینه فرصت استفاده از بانکداری مبتنی بر شعب

افزایش یافته و استفاده مشتریان از خدمات الکترونیکی و غیرحضورری افزایش می‌یابد و موجب می‌شود مشتریان برای انجام امور جاری بانکی خود کمتر به بانک‌ها مراجعه کنند. در عین حال تعدد شعب فیزیکی این فرصت را از بانک‌ها گرفته و موجبات تحمیل هزینه‌های فراوان را به شبکه شعب فراهم خواهد نمود (Weon, Eui, Sik, 2010).

۲-۲. آثار مثبت تعدد و توزیع شعب بانکی

در خصوص آثار مثبت تعدد و توزیع شعب بانکی می‌توان موارد زیر را در تحقیقات علمی در حوزه بانکداری برشمرد:

الف) یکی از نکات مهمی که در خصوص تعدد شعب در شبکه شعب بانکی در نظام بانکداری مطرح می‌شود، بحث کارایی هزینه در کل شبکه شعب با توجه به وجود صرفه‌های حاصل از مقیاس می‌باشد. با افزایش تعداد شعب بانکی در شبکه شعب و نیز افزایش اندازه شعب هم از حیث قبول سپرده‌ها و هم از حیث ارائه خدمات بیشتر، می‌توان از کاهش انواع هزینه‌ها به سبب صرفه‌های حاصل از مقیاس بهره برد (Athanassopoulos, 1998; Berger et al., 1997). در واقع شبکه وسیع شعب بانکی سبب می‌شود از ظرفیت‌ها و پتانسیل بازار خدمات بانکی بهره بیشتری عاید بانک شود (Epstein and et al., 2013) و این از نکات مثبت و مهم در نظام بانکداری به خصوص نظام بانکداری نوین بعد از دهه ۱۹۸۰ است. در زمینه مطالعات کاربردی تحقیقی در خصوص نظام بانکداری فنلاند به این نتیجه دست یافته است که کارایی شبکه شعب بانکی با افزایش اندازه شبکه شعب بانکی افزایش می‌یابد، اما این نتیجه در شبکه‌های به نسبت کوچک (کمتر از ۵ شعبه) صادق نیست (Zardhoohi and Kolari, 1994). در مطالعه تجربی دیگری در نظام بانکداری ایران نیز بابایی در تحقیقی در خصوص اندازه‌گیری کارایی شعب بانک ملی در ۲۹ استان کشور در سال ۱۳۸۳ به این نتیجه رسیده که افزایش تعداد شعب بانکی این بانک، موجب بهره‌مندی از صرفه‌جویی حاصل از مقیاس گردیده و امکان بهره‌مندی بیشتر از سپرده‌های جمع‌آوری شده را برای شبکه بانکی فراهم آورده است (بابایی، ۱۳۸۵). در خصوص صرفه‌های حاصل از مقیاس در شبکه‌های وسیع شعب بانکی نکته‌ای وجود دارد که در برخی مطالعات به آن اشاره شده است. در برخی از مطالعات ثابت شده که بانک‌هایی که تعداد شعب بالایی دارند، تک‌تک شعب آنها کوچک‌تر از آن هستند که فعالیت آنها کارایی هزینه‌های بانکی را توجیه نماید. به عبارتی در این بانک‌ها، تک تک شعب به لحاظ حداقل‌سازی هزینه‌ها، ناکارآمد می‌باشند که ریشه این عدم کارایی، در تمایل بانک‌ها به ارائه تسهیلات بیشتر به مشتریان به خصوص در رقابت با سایر بانک‌هاست که البته این اقدام بانک، به هدف درآمدزایی از طریق ارائه تسهیلات بیشتر به مشتریان انجام می‌گیرد (Berger et al., 1987, 1997).

ب) در خصوص اثر توسعه شبکه شعب بانکی و نیز توزیع متوازن شعب بانکی در مناطق مختلف بر سودآوری بانک‌ها، مطالعات تجربی زیادی انجام شده که برای مثال در مقاله برگر نشان داده شده زمانی که



سهام بانک‌های با تعداد شعب زیاد و حاضر در مناطق مختلف، از کل بازار بانکی بیشتر باشد، بانک‌های با تعداد کم و حاضر در تنها یک منطقه، سود پایینی خواهند داشت (Berger et al., 2007). در تحقیقی از هیرتل و همکاران وی نشان داده شده که تمرکز بیشتر بر بانکداری خرد^۱ (بانک‌های با تعداد شعب کم) ریسک کمتر و همچنین بازدهی کمتری به دنبال خواهد داشت (Hirtle and Stiroh, 2007). در تحقیقی دیگر در بانک‌های تجاری آمریکا - بانک‌های با تعداد شعب کمتر از ۳۰ عدد - این نتیجه حاصل شده که توسعه شبکه شعب بانکی توسط یک بانک، منجر به سودآوری بیشتر، هزینه‌های کمتر و درآمدهای کارمزدی بیشتر می‌شود (Seale, 2004). ادلستین نیز در مقاله خود به افزایش میزان حق الزحمه‌ها در ارائه خدمات بانکی - و بالطبع سودآوری - با افزایش تعداد شعب بانکی در آمریکا اشاره کرده است (Edelstein and Morgan, 2006). از این رو سودآوری بالاتر به‌عنوان اثر مثبت تعدد و توزیع شعب در نظام بانکی شناخته می‌شود. البته در برخی از تحقیقات با اندازه‌گیری و ارزیابی عملکردهای شعبه‌ای بانک‌ها، هیچ رابطه معناداری بین اندازه شبکه بانکی و نیز سودآوری مؤسسات بانکی مشاهده نمی‌شود. دلیلی که برای این عدم ارتباط ذکر شده این است که بانک برای پیدا کردن اندازه بهینه شبکه شعب بانکی خود، تمام فعالیت‌های مبتنی بر شعبه^۲ و فعالیت‌های غیرمرتبط با شعبه^۳ را در نظر می‌گیرند و این ممکن است موجب نتیجه نامشخص در خصوص ارتباط توسعه شبکه شعب بانکی و سودآوری شعب شود (Hirtle, 2007).

ج) در قسمت آثار منفی تعدد شعب بر شاخص‌های عملکرد بانکی، به تحمیل هزینه‌های اضافی (هزینه‌های بالاتر و نیز سود سپرده کمتر) توسط بانک‌های بزرگ و مؤسساتی که در چندین منطقه فعالند - به نسبت بانک‌های کوچک‌تر - به مصرف‌کنندگان و صاحبان کسب‌وکارهای کوچک پرداخته شد. از سوی دیگر برای رفع این نقیصه، بانک‌های با تعداد شعب زیاد برای حفظ مشتریان خود در شبکه شعبشان، تسهیلات فراوانی (از جمله اجتناب از تحمیل هزینه‌های اضافی ATM و هزینه‌های دیگر) را در نظر می‌گیرند. از آنجایی که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که سپرده‌گذاران در هنگام انتخاب بانک برای سپرده‌گذاری، برای دسترسی جغرافیایی (اینکه بانک مورد نظر در ایالات و شهرها شعبه داشته باشد) و نیز چگالی بالای شعب آن بانک (تعداد شعب بانک در یک منطقه مشخص) ارزش زیادی قائلند (Dick, 2003)، هم و غم جدی برای افزایش شعب بانکی از سوی این بانک‌ها وجود خواهد داشت. از این رو در مجموع با وجود هزینه‌های زیاد تعدد شعب برای بانک‌های دارای شبکه شعب، این بانک‌ها مایل به افزایش تعداد شعب بانکی خود می‌باشند که در این صورت، علاوه بر سودآوری بانک، تسهیلات بیشتری نیز نصیب مشتریان بانکی از طریق توزیع متوازن‌تر شعب بانکی خواهد شد. به‌عنوان مصداق عینی می‌توان به افزایش شدید تعداد شعب بانکی از ۱۹۹۰ در ایتالیا - به خصوص در بانک‌های با تعداد شعب بالا - اشاره کرد که منجر به کاهش تمرکز و توزیع متوازن‌تر شعب بانکی در بازار پولی منطقه‌ای

1. Retail Banking
2. Branch-based
3. Non-branchbased

این کشور شده است (De Bonis, Farabullini and Fornari, 1998). در مطالعه برگر و همکاران وی در ۱۹۹۷ بر روی شعب بانکی در آمریکا نیز این نتیجه حاصل شده است که بانک‌ها دو برابر تعدادی که هزینه‌های آنها را حداقل می‌کند، از شعب بانکی برخوردارند و رفتار بانک‌ها به این دلیل است که بیشتر مشتاقند تا برای مشتریان خود تسهیلات مکان خوب شعب خود را ایجاد نمایند تا اینکه به دنبال حداقل کردن هزینه‌های خود باشند (Berger et al, 1997).

د) یکی دیگر از مزایای بانک‌های با تعداد شعب زیاد نسبت به بانک‌های دارای شبکه شعب کوچک‌تر، وجود مزیت رقابتی و پتانسیل رقابتی بالای این بانک‌هاست. برای تأیید این ادعا می‌توان به تحقیق هیرتل در بانک‌های آمریکا در خصوص آثار اندازه شبکه‌های شعب فیزیکی بر عملکرد بانکی و نیز سودآوری آنها طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ اشاره نمود که از متغیرهای «متوسط سپرده در شعب بانکی و نیز متوسط وام‌های کسب‌وکارهای کوچک در شعب» در این مطالعه استفاده شده است. نتایج حاکی از این واقعیت است که بانک‌های با شبکه شعب تعداد متوسط به نسبت شبکه‌های شعب بانکی در اندازه بزرگ، عدم مزیت رقابتی در فعالیتهای بانکی دارند. در واقع بانک‌های با ۱۰۱ تا ۵۰۰ شعبه بانکی، به نسبت شبکه‌های بانکی بزرگ‌تر، با نسبت‌های کمتر متوسط سپرده در هر شعبه و نیز متوسط وام کسب‌وکار کوچک در هر شعبه مواجه بوده‌اند. یکی از دلایل تمایل اغلب بانک‌های آمریکایی برای ادغام مؤسسات بانکی، استفاده از مزیت رقابتی شبکه شعب بزرگ بانکی در برابر رقبا می‌باشد (Hirtle, 2007).

ه) یکی از مواردی که می‌تواند در خصوص آثار تعدد شعب بانکی مورد توجه قرار گیرد، اثری است که این سیاست می‌تواند بر توزیع متوازن خدمات بانکی در کل کشور داشته باشد. از آنجایی که بانک‌ها به دنبال جذب سپرده‌های بیشتر برای درآمد زایی بیشتر می‌باشند، مناطق بکر و دست نخورده به لحاظ ورود بانک‌ها در ارائه خدمات بانکی، می‌تواند زمینه مساعدی برای گسترش شعب بانکی باشند. از این رو با گسترش شعب انتظار می‌رود توزیع خدمات بانکی نیز متوازن‌تر شود که این خود می‌تواند یکی از رویکردهای مبتنی بر عدالت در یک کشور باشد. از سوی دیگر هر چه با افزایش تعداد شعب بانکی، خدمات بانکی مناطق بیشتری از کشور را تحت پوشش قرار دهد، توزیع درآمد و ثروت در کشور برابرتر خواهد شد (Hester et al, 1999).

مواردی که در فوق مورد اشاره قرار گرفت، مربوط به آثار تعدد و توزیع شعب بر شاخص‌های عملکرد بانک‌ها بود. اما با تحلیل مطالعات انجام شده در خصوص آثار تعدد و توزیع شعب می‌توان به آثار دیگری از این عوامل اشاره نمود که با چند واسطه می‌تواند موجب اثرگذاری بر شاخص‌های عملکرد بانک‌ها شود که در ذیل به این موارد اشاره می‌شود:

و) در اقتصادهایی مانند اقتصاد کشور ایتالیا که وسعت کسب‌وکارهای کوچک به نسبت سایر کشورهای اروپایی بسیار چشمگیر است، وابستگی زیادی بین این کسب‌وکارها و بانک‌ها به سبب دریافت وام‌های کوتاه‌مدت و وجوهی که در هنگام شوک‌های اقتصادی، باعث افزایش قدرت انعطاف‌پذیری این



بنگاه‌ها می‌شود، وجود دارد. از این رو با گسترش شعب فیزیکی - که عموماً کسب‌وکارهای کوچک تعامل زیادی با آن دارند- در این نوع از اقتصادها، بنگاه‌ها از شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردار خواهند شد و محیط کسب‌وکار و بالطبع زمینه‌های رشد اقتصادی بیشتر برای این نوع از بنگاه‌ها فراهم خواهد بود (Hester et al, 1999).

ز) یکی از عوامل مهم که در عنوان این تحقیق مغفول واقع شده و در قسمت‌های قبل به آن اشاره شد، اندازه شعب بانکی می‌باشد که این عامل نیز می‌تواند همچون تعدد و توزیع شعب بانکی، آثاری را بر عملکرد شعب بانکی داشته باشد. در تحقیقی الوانی و همکاران وی در خصوص ارزیابی عملکرد شعب بانک‌ها با توجه به محرک‌های کلیدی تجارت در خصوص شعب بانک سپه، به این نتایج رسیده‌اند که تعداد کارکنان هر شعب و تعداد گیشه‌های تحویل‌داری، دارای ارتباط مثبت و معنادار بر شاخص‌های عملکردی شعب می‌باشد که این ارتباط به دلیل ماهیت بانکداری در شعب فیزیکی و در اثر ارتباط مستمر و مداوم با مشتریان به وجود می‌آید (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجایی که اغلب در تحقیقات بانکی، تعداد کارکنان و گیشه‌های تحویل‌داری در هر شعبه به عنوان شاخص نماینده برای اندازه شعب بانکی در نظر گرفته می‌شود، می‌توان استنباط نمود که اندازه شعب می‌تواند بر شاخص‌های عملکردی شعب آثار مثبت در پی داشته باشد.

به عنوان نکته آخر و تکمیلی لازم است به تمایز بین اندازه دارایی و اندازه شبکه شعب بانک نیز اشاره شود. هر یک از این متغیرها در اقتصاد ملی و نظام بانکداری کارکرد خاص خود را دارند و تمرکز بانک بر روی هر یک از این متغیرها، می‌تواند نوع خاصی از نقش آفرینی نظام بانکی در اقتصاد ملی و نیز زمینه تمرکز فعالیت خود بانک‌ها را موجب شود. در واقع هر چه مرکز ثقل بانک، دارایی‌های قابل توجهش باشد، دست بانک برای فعالیت‌های کلان و سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی که آثار کلان در عرصه‌های مختلف اقتصادی به همراه خواهند داشت، بیشتر می‌شود؛ در حالی که داشتن شبکه شعب وسیع بانکی، بیشتر بانک‌ها را بر فعالیت‌های جزئی در ارتباط با مشتریان و ارائه خدمات جزئی در نظام بانکداری وادار می‌کند (Hirtle, 2007).

۳. جمع‌بندی رابطه متقابل مؤلفه‌های مؤثر و تعدد و توزیع شعب بانکی

با ورود تکنولوژی و استفاده از ابزارهای ارتباطی در فعالیت‌های بانکی، علاوه بر بانکداری فیزیکی، موضوع بانکداری مجازی نیز مطرح شد و تصور غالب این بود که با ورود بانکداری مجازی، دیگر نیازی به بانکداری فیزیکی و ایجاد شبکه شعب بانکی وجود نخواهد داشت و حجم وسیعی از فعالیت‌های بانکی از طریق ابزارهای مجازی از جمله اینترنت، تلفن بانک و دستگاه‌های خودپرداز قابل انجام خواهد بود؛ اما با گذشت زمان، دیده شد که همواره بانکداری فیزیکی و شبکه‌های شعب بانکی مورد اعتماد و مورد استفاده فعالان

بخش بانکی است. با دو قطبی شدن بانکداری - بانکداری فیزیکی و مجازی - در اقتصاد کشورهای مختلف این سؤال مهم به وجود آمده که حد بهینه بانکداری فیزیکی و شبکه شعب بانکی چقدر است و نظام بانکی به چه تعداد شعب بانکی نیاز دارد و چگونه می‌توان موجب توزیع متوازن این شبکه در کشور شد؟ برای جواب به این سؤال لازم است وضعیت نظام بانکداری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در نظر گرفته شود و با توجه به متغیرهای مؤثر بر تعدد و توزیع شعب بانکی و نیز وضع قانونگذاری در ایران و سایر کشورهای جهان، راهکارهای توزیع متوازن شعب بانکی ارائه گردد.

در خصوص مطالعات داخلی همان‌گونه که ذکر شد، تمرکز مطالعات پژوهشی در موضوعات مرتبط با شعب بانکی، بیشتر بر موضوعات مکان‌یابی بهینه شعب بانکی، درجه‌بندی شعب بانکی و سیستم ارزیابی عملکرد شعب بانکی می‌باشد و زیاد به تعدد، توزیع و اندازه شعب و شبکه شعب بانکی پرداخته نشده است. اما در حیطه این موضوع، در سایت‌های خبری و حوزه کارشناسی بانکی، نظراتی از صاحب‌نظران حوزه بانکی و مدیران عامل بانک‌ها وجود دارد که می‌توان عوامل زیر را به‌عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر الگوی شعب بانکی - منظور تعدد، توزیع، اندازه شعب و اندازه شبکه شعب بانکی است - ذکر کرد:

- شدت استفاده از نظام بانکداری الکترونیکی و توسعه آن در کنار بانکداری فیزیکی (البته برخی عوامل بر استفاده از نظام بانکداری الکترونیک مؤثر است از قبیل سن، تحصیلات، درآمد مشتریان بانکی و عادت مشتریان به استفاده از سیستم سنتی بانکداری) (مؤثر بر تعداد و اندازه شعب)،
- عملکرد ضعیف ناظران بانکی در نظارت بر سیستم بانکداری کشور (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش زمین، ساختمان و فعالیت‌های دلالی (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- ورود بانک‌ها به بازارهای طلا و ارز به سبب تداوم نرخ تورم و نوسانات اقتصادی (مؤثر بر تعداد شعب)،
- جمعیت منطقه‌ای و محلی (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- سرمایه بانک‌ها (مؤثر بر تعداد شعب)،
- عوامل و زیرساخت‌های محیطی نظیر جمعیت منطقه، سطح درآمد منطقه، وضعیت تجاری منطقه، فرهنگ مردم در تعامل با بانک و رقبای موجود در سطح منطقه (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- در خصوص مطالعات خارجی به‌طور کلی می‌توان به محوریت تغییرات ساختاری و قانونی نظام بانکی طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در اروپا و آمریکا و آثار آن بر متغیر مورد مطالعه در این پژوهش اشاره کرد.

از مجموع مطالعات انجام شده در نظام‌های بانکی خارجی، می‌توان به عوامل زیر به‌عنوان عوامل اثرگذار بر تعدد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب در بانک‌های خارجی اشاره نمود:

- انتخاب بانک‌ها بین سیاست ایجاد تسهیلات بیشتر با فراهم کردن مکان خوب شعب برای مشتریان خود و سیاست حداقل کردن هزینه‌ها یا حداکثرسازی سود (مؤثر بر تعداد، توزیع و اندازه شعب)،



- اثرگذاری مشتریان بالقوه آتی بر تعداد شعب بهینه در نظام بانکی بر اساس انتظار از آینده پتانسیل بازار (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- ادامه فعالیت شعب زیان‌ده و ناکارآ براساس پتانسیل آینده بازار بانکی (مانند رشد جمعیت آینده کشور) (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- ادامه فعالیت شعب زیان‌ده و ناکارآ براساس هزینه‌های تحمیلی (استهلاک هزینه‌های ثابت و هزینه فرصت سرمایه‌گذاری انجام شده) (مؤثر بر تعداد شعب)،
- ادامه فعالیت شعب زیان‌ده و ناکارآ به دلیل ترس از دست دادن مشتریان بانکی (مؤثر بر تعداد شعب)،
- ادامه فعالیت شعب زیان‌ده و ناکارآ به دلیل جلوگیری از هدر رفتن صرفه‌های حاصل از مقیاس در نتیجه تعدد شعب (مؤثر بر تعداد شعب)،
- جمعیت ساکن در منطقه (که بر تعداد مشتریان بانکی در هر منطقه اثرگذار است) (مؤثر بر تعداد شعب)،
- افزایش صرفه‌های حاصل از مقیاس در راه‌اندازی شعب جدید (مؤثر بر تعداد شعب)،
- رشد تولید ناخالص داخلی (به صورت کلی و سرانه) در هر منطقه (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- درصد جمعیت جوان از جمعیت کل یک شهر (مؤثر در تعداد شعب بانکی) (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- رفع محدودیت‌های قوانین بانکی و منطقه‌ای در خصوص ایجاد شعب جدید در هر منطقه (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- رفع محدودیت‌های قوانین بانکی و منطقه‌ای در خصوص توسعه شعب به سایر مناطق (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- رفع محدودیت‌های قوانین بانکی در خصوص حضور بانک‌های خارجی در نظام بانکی کشور (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- تغییرات تکنولوژیکی و توسعه استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی (مؤثر بر تعداد و اندازه شعب)
- ادغام مؤسسات بانکی (مؤثر بر تعداد، توزیع و اندازه شعب)،
- تمرکز بازار (مؤثر بر تعداد شعب)،
- واکنش‌های آتی بانک‌های رقیب در تصمیم بانک به ایجاد شعب جدید (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- تقویت فضای رقابتی در بازار بانکی (بین بانک‌های داخلی و بانک‌های داخلی با خارجی) (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- تغییر ساختار بازار بانکی (به عنوان مثال جایگزینی مؤسسات پس‌انداز به جای بانک‌های تجاری) (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
- درآمد حاصل از نرخ‌هایی که بانک برای دارایی‌های بهره‌محور خود قرار می‌دهد (مؤثر بر تعداد شعب)،
- سودآوری شعب بانکی (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،

- ازدحام و انبوهی ترافیک و رفت‌وآمد مناطق شهری که افزایش متوسط در تعداد شعب را نتیجه می‌دهند (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - مهاجرت از سایر بازارهای بانکی به بازار مورد نظر (مؤثر بر توزیع شعب)،
 - تغییرات تکنولوژیکی و صرفه‌جویی در تعداد کارکنان (مؤثر بر اندازه شعب)،
 - افزایش درآمد شخصی قابل تصرف افراد در نظام بانکی (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - رفع محدودیت‌های دولت مرکزی بر نرخ بهره‌ای که بانک‌ها برای سپرده‌های خود در نظر می‌گیرند (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - سیاست‌های دولت مرکزی در فعالیتهایی که نیاز به کمک اعتبارات بانکی در نظام بانکی وجود دارد (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - فاصله بازارهای بانکی دست‌نخورده از بازارهایی که فعالیت‌های بانکی در آنها متمرکز است (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - تسلط بانک‌ها بر بازار بانکی منطقه و اقدامات جلوگیری از حضور رقبا (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - خصوصی‌سازی در نظام بانکی (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - پیوستن به پیمان‌های بانکی منطقه‌ای و یا اتحادیه‌های قاره‌ای (مانند اتحادیه اروپا) (مؤثر بر تعداد و توزیع شعب)،
 - محدودیت‌های مالیاتی در برابر بانک‌ها در قوانین ملی و ایالتی (مؤثر بر تعداد، توزیع و اندازه شعب)،
- در خصوص آثار منفی تعدد و توزیع شعب بانکی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- گران بودن شبکه شعب فیزیکی در ارائه خدمات بانکی و تحمیل هزینه‌های زیاد به ساختار هزینه‌ای شبکه بانکی،
 - تشخیص سخت، کمتر محتمل و بی‌دقت منشأ کارآیی و عدم کارآیی در شبکه‌های بزرگ شعب بانکی،
 - اثر منفی تعدد شعب بر کارآیی شبکه شعب بانکی،
 - تعدد شعب بانک‌های دولتی زمینه حضور بخش خصوصی برای رقابت بانکی را تنگ می‌نماید،
 - هزینه‌های بالاتر (کارمزد انجام عملیات بانکی) و سود سپرده کمتر بانک‌های بزرگ به نسبت بانک‌های کوچک‌تر به مشتریان به سبب تسهیلاتی - اغلب تسهیلات حاصل از دسترسی سریع و آسان - که در اختیار مشتریان قرار می‌دهند،
 - شبکه شعب فیزیکی وسیع و گسترده، انگیزه را برای گسترش بانکداری الکترونیک و کاهش هزینه‌های خدمات بانکی و سایر هزینه‌های اقتصادی کاهش می‌دهد.
- در خصوص آثار مثبت تعدد و توزیع شعب بانکی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



- بروز صرفه‌های حاصل از مقیاس در شبکه‌های بزرگ بانکی و افزایش کارایی بانک‌ها،
- سودآوری بیشتر، هزینه‌های کمتر و درآمدهای کارمزدی بیشتر در شبکه بزرگ‌تر شعب بانکی،
- تسهیلات فراوان برای مشتریان بانکی از طریق توزیع متوازن‌تر شعب بانکی در شبکه‌های بزرگ شعب بانکی،
- مزیت و قدرت رقابتی و پتانسیل رقابتی بالای بانک‌های با تعداد شعب زیاد نسبت به بانک‌های دارای شبکه شعب کوچک‌تر،
- توزیع متوازن خدمات بانکی با افزایش تعداد شعب بانکی و بالطبع توزیع برابرتر درآمد و ثروت در کشور. در پژوهش‌های داخلی عوامل زیر به‌عنوان مهمترین عوامل در شکل‌گیری الگوی کنونی شعب بانکی از سوی کارشناسان داخلی معرفی شده است:
- توسعه و شدت استفاده از نظام بانکداری الکترونیکی در کنار بانکداری فیزیکی،
- عملکرد ضعیف ناظران بانکی در نظارت بر سیستم بانکداری کشور،
- جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش زمین، ساختمان و فعالیت‌های سفته‌بازانه در بازارهای طلا و ارز،
- عدم توجه به سرمایه بانک‌ها در ایجاد شعب جدید بانکی،
- عوامل و زیرساخت‌های محیطی نظیر جمعیت منطقه، سطح درآمد منطقه، وضعیت تجاری منطقه، فرهنگ مردم در تعامل با بانک و رقبای موجود در سطح منطقه.
- از مجموع مطالعات انجام شده در نظام‌های بانکی خارجی، می‌توان به عوامل زیر به‌عنوان عوامل اثرگذار بر الگوی شعب در بانک‌های خارجی اشاره نمود:
- تصمیم‌گیری مؤسسات اعتباری مبتنی بر حداکثرسازی سود یا حداقل کردن هزینه‌ها،
- ایجاد دسترسی بهتر به شعب برای جلب مشتریان،
- تقاضای بالقوه آینده بازار بانکی (رشد جمعیت، مهاجرت، تولید ناخالص داخلی)،
- ادامه فعالیت شعب زیان‌ده و ناکارآمد براساس پتانسیل آینده بازار بانکی، هزینه‌های انجام شده (هزینه‌های ثابت و سرمایه‌گذاری انجام شده)، ترس از دست دادن مشتریان،
- صرفه‌های حاصل از مقیاس در شبکه بزرگ شعب بانکی،
- رفع موانع و محدودیت‌های قانونی درخصوص ایجاد شعب جدید، توسعه شعب در سایر مناطق، حضور بانک‌های خارجی، تقویت فضای رقابتی،
- تغییرات تکنولوژیکی و توسعه استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی،
- ادغام مؤسسات بانکی،
- اشباع بازار و نیز فاصله بازارهای بانکی از یکدیگر،
- رفتار واکنشی بانک‌های رقیب در تصمیم‌گیری بانک‌ها و تسلط بانک‌ها بر بازار بانکی منطقه‌ای،
- خصوصی‌سازی در نظام بانکی،

– پیوستن به پیمان‌های بانکی منطقه‌ای و یا اتحادیه‌های قاره‌ای (مانند اتحادیه اروپا)،

– شرایط اقتصادی و سودآوری شعب بانکی (محدودیت‌های مالیاتی).

با مطالعه تاریخی قوانین نظارتی در عرصه بانکداری در کشورهای بزرگ و صنعتی در آمریکا، اروپا و آسیا به خوبی می‌توان به این مهم دست یافت که در اثر غلبه اندیشه لیبرالیستی در این مناطق از بعد از جنگ دوم جهانی و به خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰، رویکرد غالب در این کشورها آزادسازی‌های اقتصادی، رفع موانع و محدودیت‌های بانکی، حرکت به سمت ارتقای فضای رقابت آزاد بین‌المللی و توجه به مناسبات احتیاطی بانکی (توجه به میزان مناسبی از سرمایه در برابر دارایی‌های بانکی) برای جلوگیری از بروز بحران‌های مالی بوده است و در واقع مبحث تعدد و توزیع شعب بانکی در این کشورها یک مطلب تبعی و منفعل بوده است. به این معنا که برای سیاستگذاران حوزه بانکی، آنچه که اهمیت اساسی داشته، آزادسازی و جو رقابتی بیشتر در بازار بانکی بوده و همواره بانک‌ها بهینه‌ترین شبکه بانکی (به لحاظ تعدد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب بانکی) را با توجه به شرایط اقتصادی (قوانین مالیاتی، سوددهی فعالیت بانکی، مقیاس فعالیت بانکی، وجود مشتری، آینده بازار بانکی، اشباع بازار منطقه‌ای، تقاضای جواب داده نشده در خصوص خدمات بانکی) و نیز رفتار رقبای خود ایجاد نموده‌اند و در خصوص نتیجه تصمیم‌گیری بانک‌ها در انتخاب شبکه بهینه شعب خود، سیاستمداران و نهادهای نظارتی ساکت بوده‌اند. همواره در اقتصاد لیبرالیستی کشورهای غربی، این تجربه ثابت شده که این نحوه بانکداری در بستر اقتصادی باثبات و پایدار و بدور از نوسانات مداوم، همواره منجر به شبکه‌ای از شعب بانکی شده که هم پویایی‌های بانکی و بالطبع اقتصادی را در درون خود داشته و هم منجر به توزیع متوازن شعب بانکی و بالطبع رفاه متوازن شده است.

اما در ایران به دلیل شرایط ویژه اقتصادی و بروز ناپایداری‌ها، نوسانات و تورم‌های مداوم و فزاینده و بازارهای سرمایه‌گذاری بی‌ثبات، نسخه بانکداری غربی – مبتنی بر رقابت آزادانه – قطعاً کمک‌کننده نخواهد بود و بر مشکلات نظام بانکداری در کشور خواهد افزود. امروزه نظام بانکداری ایران و بالطبع اقتصاد ملی از مشکل مطالبات معوق بانک‌ها، بنگاهداری بانک‌ها و عدم سیاست منسجم پولی و بانکی در نظام بانکداری رنج‌های بسیاری متحمل شده که شبکه نامتوازن بانکی یکی از این رنج‌هاست و لازم است اصلاحات جدی در این زمینه ایجاد شود.

۴. قوانین و مقررات مربوط به تعدد و توزیع شعب در ایران

۴-۱. احصای قوانین مربوطه و محتوای آنها

در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی در ایران و نهادهای نظارتی مرتبط با این موضوع و همچنین قوانین و آیین‌نامه‌هایی که در خصوص نظارت هر چه بهتر بر نهادهای پولی در کشور، توسط نهادهای نظارتی برای کنترل بازارهای مالی و پولی و نیز عملکرد مؤسسات مالی و اعتباری تصویب شده، می‌توان به دو نوع نظارت



اشاره نمود. یکی نظارت‌های کلانی است که نهادهای نظارتی عمومی در کشور مانند مجلس شورای اسلامی بر عرصه‌های مختلف اقتصادی اعمال نموده و از طریق تصویب قوانین (قوانین تصویبی و یا لوایح دولتی تصویب شده در مجلس) باعث شده بازارهای پولی و مؤسسات مالی و اعتباری نیز موضوع این قوانین قرار بگیرند. دیگری نظارت‌های تخصصی توسط نهادهای نظارتی مخصوص بازارهای پولی و مؤسسات مالی و اعتباری می‌باشد که می‌توان از بانک مرکزی جمهوری اسلامی به‌عنوان مهمترین نهاد نظارتی بازار پول در کشور نام برد. این نهاد مرجع پولی نیز عموماً از طریق آیین‌نامه‌ها و مصوبات کمیسیون‌های خود و نیز مصوبات شورای پول و اعتبار مسئولیت خطیر خود در قبال بازار پولی در کشور را انجام می‌دهد.

از بین دو نوع نظارتی مطرح شده در فوق، به قوانین اثرگذار و مرتبط با بحث تعدد و توزیع شعب بانکی در کشور در این قسمت از مطالعه پرداخته خواهد شد.

۱-۴. قانون برنامه پنجم توسعه

از مهمترین مواد قانون برنامه پنجم توسعه، ماده (۹۶) است که طبق آن «اداره امور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون پولی و بانکی و مصوبات شورای پول و اعتبار است». در تبصره «۱» این ماده آمده که «ایجاد و ثبت نهادهای پولی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه، صرافی‌ها و شرکت‌های واسپاری (لیزینگ‌ها) و همچنین ثبت تغییرات نهادهای مذکور فقط با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امکانپذیر است» و به نحوی مطابق این ماده قانونی تمام امور مربوط به تأسیس بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، تماماً طبق ضوابط و آیین‌نامه‌های بانک مرکزی خواهد بود که این خود صراحتاً به نقش مهم بانک مرکزی در نظارت و جهت‌دهی تأسیس و توزیع شعب بانکی در کشور اشاره دارد.

در ماده (۱۲۴) قانون مزبور آمده که «دولت به منظور توسعه بخش تعاون و ارتقای سهم آن به ۲۵ درصد اقتصاد ملی تا پایان برنامه، اقدامات زیر را انجام می‌دهد» و تبصره «الف» این ماده به «افزایش سهم تعاونی‌ها به ۱۵ درصد در بازار پولی کشور تا سال چهارم برنامه از طریق فراهم نمودن تسهیلات لازم جهت صدور مجوز فعالیت مؤسسات مالی و پولی و بانک‌های تعاونی» اشاره دارد که این قانون می‌تواند به‌عنوان یک سند بالادستی اثر مهمی در تعدد و توزیع شعب بانکی به‌خصوص در تغییر ماهیت تعاملات بانکی در کشور داشته باشد. توسعه نظام بانکداری تعاونی در کشور در کنار بانک‌های خصوصی و دولتی می‌تواند آثار قابل توجه اقتصادی به‌خصوص در عرصه بانکداری در کشور داشته باشد.

درخصوص توزیع عادلانه منابع در کشور، ماده (۱۸۰) این قانون «در راستای تحقق اصل چهل‌وهشتم قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت» دولت را مکلف نموده تا «در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامه

چهارم در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ۱۰ درصد به سطح یاد شده نزدیک شود». این ماده می‌تواند در خصوص تخصیص و جهت‌دهی منابع عمومی بانکی چه در بانک‌های دولتی و چه غیردولتی، زمینه‌های مساعدی را برای توزیع متوازن جغرافیایی شبکه بانکی در کشور فراهم نماید. در واقع دولت طبق این ماده قانونی مکلف است شاخص برخورداری اقتصادی شهرستان‌ها و مناطق محروم در کشور را بهبود ببخشد که یکی از مصادیق آن شاخص‌ها، برخورداری مناطق از پوشش شبکه بانکی و دسترسی راحت به ارائه خدمات بانکی در کشور می‌باشد.

در خصوص ارتقای کیفیت زندگی روستایی و عشایری و کاهش نابرابری‌ها موجود بین جوامع روستایی و شهری در کشور، ماده (۱۹۴) دولت را مکلف می‌کند تا «به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد» که در تبصره‌ها به این اقدامات اشاره شده است. طبق تبصره «الف» «ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی» یکی از این اقدامات است که می‌توان تفسیر مناسبی از این قانون در خصوص نظام بانکی کشور در مورد تخصیص بخشی از امکانات به مناطق روستایی صورت بگیرد. در واقع توزیع متوازن شبکه شعب بانکی در کشور از طریق توسعه دسترسی به امکانات نظام بانکداری در روستاها بر تعدد و توزیع شعب بانکی در کل کشور اثرگذار خواهد بود.

۲-۱-۴. قانون پولی و بانکی کشور

از مهمترین قوانینی که در عرصه بانکداری و بازار پولی در کشور ناظر فعالیت‌های بانکداری می‌باشد، قانون پولی و بانکی است که نسخه اولیه این قانون مصوب سال ۱۳۵۱ بوده و در برخی سال‌ها متناسب با شرایط پولی و بانکی کشور، اصلاحاتی بر این قانون اعمال شده است.

در خصوص مواد مرتبط و اثرگذار بر تعدد و توزیع شعب بانکی در این قانون می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

طبق ماده (۱۱) «بانک مرکزی ایران به‌عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور موظف به انجام وظایفی می‌باشد» که در بند «ب» این ماده به «نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری طبق مقررات این قانون» نیز اشاره شده است. در واقع بانک مرکزی به‌عنوان ناظر اصلی بر کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و تمام فعالیت‌های بانکداری این مؤسسات معرفی شده و بانک‌ها باید نسبت به فعالیت‌های نظارتی و ابزارهای نظارتی تابع مهمترین نهاد پولی در کشور یعنی بانک مرکزی باشند.

در بند «الف» ماده (۱۸) قانون مزبور به اختیارات و حیطه وظایف شورای پول و اعتبار پرداخته شده که به موجب بند «۳»، «رسیدگی و تصویب آیین‌نامه‌های مذکور در این قانون» و به موجب بند



«۴»، «اظهار نظر در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور ... و هر موضوع دیگری که از طرف دولت به شورا ارجاع می‌شود» و نیز طبق بند «۵»، «دادن نظر مشورتی و توصیه به دولت در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور که به نظر شورا در وضع اقتصادی و به خصوص در سیاست اعتباری کشور مؤثر خواهد بود» از جمله وظایف شورای پول و اعتبار است. طبق این ماده قانونی دست شورای پول و اعتبار برای نظارت‌های بانکی و اصلاح عملکرد نظام بانکداری در کشور و انطباق آن با شرایط اقتصادی به خصوص در بحث تعدد و توزیع شعب بانکی باز گذاشته شده است.

ماده (۳۰) قانون مزبور، به تأسیس بانک مربوط می‌شود در بند «الف» اشاره دارد که «تأسیس بانک و اشتغال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون ممکن است» و در بند «ج» به صراحت اعلام می‌دارد که «تأسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی ایران است» و در بند و ذکر می‌کند که «ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه یا نمایندگی بانک‌ها در داخل یا خارج کشور طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد». در واقع این ماده تأکید دارد که کلیه عملیات بانکی فقط از طریق اجازه بانک مرکزی و تصویب اساسنامه توسط شورای پول و اعتبار امکان داشته و ایجاد یا تعطیل شعب با نظر شورای پول و اعتبار خواهد بود. در واقع نظارت بر شعب بانکی در خصوص تأسیس و تعطیل شعب در اختیار شورای پول و اعتبار می‌باشد.

طبق ماده (۳۴) «انجام عملیات زیر برای بانک‌ها ممنوع است» که در بند «۲» به «معاملات غیرمنقول جز برای بانک‌هایی که هدف آنها انجام معاملات غیرمنقول است» اشاره شده است. در تبصره بند «۲» آمده که «تملک غیرمنقول برای استیفای مطالبات یا برای تأمین محل کار یا مسکن کارکنان بانک و معاملات نسبت به آن طبق شرایطی که بانک مرکزی ایران تعیین خواهد نمود مشمول ممنوعیت موضوع بند «۲» این ماده نخواهد بود» و به این صورت دست بانک‌ها برای آنچه که کارشناسان بانکی به آن فعالیت غیربانکی و بنگاهداری در قالب تعدد شعب می‌گویند باز نگه داشته شده است؛ زیرا یکی از اهدافی که بانک‌ها تحت تأثیر افزایش سودآوری فعالیت بانکی خود از تعدد شعب دنبال می‌نمایند، افزایش سرمایه‌های غیرمنقول بانک در بخش زمین و ساختمان می‌باشد که این خود علاوه بر کاهش منابع بانکی، مشکلاتی را در این بخش‌های اقتصادی در کشور ایجاد کرده است.

در بند «د» ماده (۳۹) آمده که «در صورتی که بانکی برخلاف این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورات بانک مرکزی ایران و یا برخلاف اساسنامه مصوب خود عمل نماید»، «بنا به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و تأیید شورای پول و اعتبار و تصویب هیئتی مرکب از نخست وزیر، وزیر دارایی، وزیر اقتصاد و وزیر دادگستری، اداره امور بانک به عهده بانک مرکزی ایران واگذار شود یا ترتیب دیگری برای اداره بانک داده شود یا اجازه تأسیس بانک لغو شود» و این یکی از ابزارهای تنبیهی است که نهادهای نظارتی برای تخلف بانک‌ها و مؤسسات از قوانینی که می‌تواند بخشی از آنها در خصوص

تعدیل و جهت‌دهی تعدد و توزیع شعب بانکی در نظر گرفته شده باشند، در نظر گرفته‌اند. در ماده (۴۴) قانون مزبور برای «تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن و دستورات بانک مرکزی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های آن صادر می‌شود» مجازات‌های انتظامی از قبیل تذکر کتبی به مدیران یا متصدیان متخلف، پرداخت جریمه نقدی و ممنوع ساختن بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی از انجام بعضی امور بانکی به‌طور موقت یا دائم در نظر گرفته شده است. در تبصره «۲» این ماده، «ترتیب رسیدگی و تشخیص تخلفات و تعیین هر یک از مجازات‌های انتظامی و ... مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید». چنانچه در قوانین و آیین‌نامه‌ها مباحثی که در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی اعلام شده‌اند مورد تخلف قرار بگیرند، طبق مواد (۳۹) و (۴۴) این قانون می‌توان برخورد‌های تنبیهی سختی را علیه خاطیان در نظر گرفت.

۳-۱-۴. قانون تنظیم بازارهای غیرمتشکل پولی^۱

در این قانون در ماده (۱) آمده که «اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است» و این تسلط بانک مرکزی به عملیات‌های بانکی به‌خصوص در تعدد و توزیع شعب بانکی را نشان می‌دهد. در تبصره «۳» این ماده آمده که «آیین‌نامه ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر اشخاص حقیقی یا حقوقی همچنین مسئولیت مدیران و سهام‌داران عمده، انحلال و تصفیه و نحوه لغو مجوزهای تأسیس آنها بر اساس قوانین پولی و بانکی کشور و عملیات بانکی بدون ربا با تأیید شورای پول و اعتبار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید» که این تبصره نیز به نظارت قوی در فعالیت‌های بانکداری که بر تعدد و توزیع شعب اثرگذارند اشاره دارد.

۳-۲. آسیب‌شناسی قوانین مرتبط با حوزه پولی و بانکی

برای آسیب‌شناسی مقررات مذکور در عرصه بانکداری و مرتبط با موضوع تعدد و توزیع شعب بانکی در ابتدا به جمع‌بندی قوانین فوق پرداخته می‌شود. اهم موضوعاتی که در قوانین فوق که از قوانین اصلی در عرصه بانکداری کشور محسوب می‌شوند را می‌توان در موارد زیر به‌صورت خلاصه وارد مطرح نمود:

۱. در همه قوانین به صراحت اعلام شده که کار نظارت بر بازار پولی و فعالیت‌های بانکی و حتی اصلاح فضای کلی نظام بانکداری متناسب با شرایط اقتصادی در کشور فقط بر عهده بانک مرکزی و از طریق قوانین و آیین‌نامه‌ها و زیرمجموعه‌های این بانک ازجمله شورای پول و اعتبار، مجمع عمومی و کمیسیون‌های بانک مرکزی خواهد بود و فعالیت‌های بانکی (ازجمله تأسیس شعب و بانک) در کشور با مجوز بانک مرکزی و تحت قوانین و ابزارهای نظارتی شورای پول و اعتبار انجام خواهد شد. در واقع طبق

۱. مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.



این مورد، بانک مرکزی در مواردی که تعدد و توزیع شعب بانکی در کشور دچار اختلالاتی شد می‌تواند از پتانسیلی که قانون برای این نهاد ایجاد نموده در جهت اصلاح تعدد و توزیع شعب در کشور اقدام نماید.

۲. حتی در مواردی (ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی) آمده که شورای پول و اعتبار به‌عنوان شورای عالی نظام بانکداری در ایران می‌تواند متناسب با شرایط اقتصادی کشور، اصلاحاتی را در خصوص نظام بانکداری در کشور ایجاد و یا پیشنهاد دهد

۳. در صورت تخلف از قوانین و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی این بانک و تصمیمات و بخش نامه‌های بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار که می‌تواند برای اصلاح در تعدد و توزیع شعب بانکی نیز صادر شده باشد، علاوه بر لغو مجوز و محدود کردن فعالیت‌های بانکی، مجازات‌های انتظامی از قبیل برخورد قضایی، جریمه نقدی و صلب صلاحیت حرفه‌ای نیز برای خاطیان وجود خواهد داشت.

۴. برخی مواد قانونی به توسعه نوع خاصی از بانکداری در کشور اشاره دارند که توسعه بانک تعاونی طبق ماده (۱۲۴) قانون پنجم توسعه بر این امر تأکید دارد. این ماده قانونی می‌تواند اثر مهمی در تعدد و توزیع شعب بانکی به‌خصوص در تغییر ماهیت تعاملات بانکی در کشور داشته باشد.

۵. برخی مواد قانونی نیز به توزیع عادلانه منابع در کشور و همچنین عدم تمرکز در برخی شهرهای بزرگ و نیز کاهش فاصله مناطق شهری از روستایی در شاخص‌های برخورداری تأکید دارند (مواد (۱۸۰)، (۱۸۶) و (۱۹۴) قانون برنامه پنجم) که این مواد قانونی در صورت اجرا می‌توانند بسیار در توزیع متوازن شبکه شعب بانکی مؤثر باشند اما متأسفانه در آیین‌نامه‌های بانک مرکزی و مصوبات شورای پول و اعتبار به‌صورت الزام قانونی برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در نیامده‌اند. از این‌رو در حد قوانین بالادستی و غیرمؤثر در زمینه بانکداری باقی مانده‌اند.

۶. در مواردی از مواد قانونی حتی اجازه دخالت‌های مستقیم و جزئی به نهادهای نظارتی در بازار پولی کشور داده شده است که از آن جمله می‌توان به تعیین نسبت سرمایه به دارایی بانک‌ها، محدود کردن زمینه فعالیت بانک‌ها و نیز تعیین نسبت و نرخ بهره قانونی سپرده بین بانک‌ها و بانک مرکزی اشاره نمود که این موارد ابزارهای نظارتی قوی را در کنترل و نظارت بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها در اختیار نهادهای نظارتی قرار می‌دهد.

۷. نکته دیگر که با بحث تعدد و توزیع شعب بانکی نیز مرتبط می‌شود، بحث بنگاهداری در بانک‌ها در بازارهای زمین و ساختمان است. بنا به ادعای کارشناسان بانکی در خصوص بنگاهداری بانک‌ها به‌خصوص در زمینه مسکن و ساختمان، با توجه به مواد قانونی می‌توان دست باز بانک‌ها برای این چنین فعالیت‌ها را در مواد (۱۱)، (۳۴) و (۴۲) قانون پولی و بانکی مشاهده نمود. البته در ماده (۱۱) به‌نظر و در ظاهر جلو تملک غیرمنقول توسط بانک‌ها گرفته شده، اما با تبصره این ماده، در خصوص استیفای مطالبات و نیز تملک برای کار، عملاً به بانک اجازه حضور بنگاه مآبانه در بازار زمین و ساختمان داده شده است و بانک‌ها با این تبصره می‌توانند در بازار زمین و ساختمان دخالت کنند.

۵. نظارت نهاد بانک مرکزی بر تعدد و توزیع شعب

عموماً یک سیستم بانکی کارآمد، سیستمی است که چارچوب نظارتی مشتمل بر کنترل داخلی (درون بانکی)، نظم بازار و نظارت رسمی نهادهای مسئول در آن وجود داشته باشد و در حال حاضر این چارچوب نظارتی تحت مدیریت بانک مرکزی در تمام کشورهاست. بانک مرکزی نیز برای نیل به اهداف نظارتی خود از سویی به تدوین مقررات مربوط به پول ملی می‌پردازد به گونه‌ای که نظام پولی کشور بر پایه نیازهای واقعی اقتصاد تنظیم شود و از سوی دیگر نظارت بر امور بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور به منظور حفظ سلامت نظام پولی کشور را بر عهده دارد (مجله بانک و اقتصاد، ش ۲۵). از این رو برای ارزیابی بهتر و مطلوب‌تر نظام حقوقی حاکم بر فضای پولی و بانکی کشور لازم است علاوه بر قوانین مصوب توسط نهادهای نظارتی بالادستی همچون مجلس شورای اسلامی، به نظارت‌های تخصصی نهادهای متولی نظام بانکی در کشور - بانک مرکزی - نیز پرداخته شود که نحوه اعمال نظارت این نهاد عموماً از طریق آیین‌نامه‌ها و مصوبات نهادهایی چون شورای پول و اعتبار، مجمع عمومی بانک مرکزی و نهادهای زیرمجموعه بانک مرکزی می‌باشد.

۵-۱. ابزارهای نظارتی در اختیار بانک مرکزی در ایران

بانک مرکزی ایران به مانند همه بانک‌های مرکزی برای اداره هر چه بهتر امور بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحت نظارت خود برای نیل به اهداف کلان اقتصادی و نیز اهداف نظارتی مد نظرش، آیین‌نامه‌ها و مصوباتی را برای بخش پولی کشور تصویب کرده است. در این قسمت به آن دسته از آیین‌نامه‌ها و بسته‌های سیاستی که موادی از آن به بحث تعدد و توزیع شعب بانکی مرتبط است اشاره می‌شود.

۵-۱-۱. سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی در سال‌های اخیر

به استناد ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور و ماده (۲۰) عملیات بانکی بدون ربا، شورای پول و اعتبار موظف است هر ساله سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی را متناسب با شرایط اقتصادی و نظارت کارآمدتر بر نظام بانکی کشور و همچنین برای جهت‌دهی عملکرد بانکی به سمت اهداف مطلوب تعیین شده، تصویب نماید.

۵-۱-۲. آیین‌نامه ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه مؤسسات اعتباری در داخل کشور^۱

در این آیین‌نامه در ماده (۴) آمده که «ایجاد شعبه و یا باجه و تبدیل باجه به شعبه صرفاً با رعایت حد

۱. مصوب ۱۳۹۱/۵/۱۰ در جلسه ۱۱۴۴ شورای پول و اعتبار و از ابتدای سال ۱۳۹۲ جایگزین آیین‌نامه ایجاد یا تعطیل واحدهای بانکی کشور در جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۵۲/۱۲/۶ شده است.

۲. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند خود را با این آیین‌نامه تطبیق دهند (اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی).



مجاز - نسبت خالص دارایی‌های ثابت^۱ به حقوق صاحبان سهام پس از کسر سود انباشته و سود قطعی نشده - که معادل ۳۰ درصد می‌باشد (قبلاً ۷۰ درصد بوده است) امکانپذیر است» و در ماده (۶) آمده که «چنانچه مؤسسه اعتباری حد مجاز نسبت مذکور در ماده (۴) را رعایت ننماید، اعطای شناسه اختصاصی به شعب و باجه‌های آن مطلقاً ممنوع می‌باشد». در واقع نسبت مذکور در ماده (۴) این آیین‌نامه که از ۷۰ درصد به ۳۰ درصد تقلیل پیدا کرده، به نحوی تأکید بر کاهش دارایی‌های ثابت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی دارد. از آنجایی که عملیات ایجاد شعبه نیز به نحوی افزایش دارایی‌های ثابت و بالطبع افزایش نسبت مذکور می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این آیین‌نامه برای محدود کردن افزایش تعداد شعب بانکی به کار گرفته شده است. قبل از این آیین‌نامه، مواد قانونی در سایر قوانین بانکی وجود داشت که به نحوی به کاهش دارایی‌های مازاد بانک‌ها اشاره داشت که تطبیق آن قوانین به کاهش تعداد شعب به خوبی و به صراحت میسر نبود، اما در این آیین‌نامه صراحت در خصوص کاهش تعداد شعب بانکی را می‌توان دید.

در ماده (۱۳) نیز آمده که «بانک مرکزی در صورت احراز تخلف مؤسسه اعتباری از مفاد این آیین‌نامه توسط معاونت نظارتی و با تأیید رئیس کل بانک مرکزی می‌تواند نسبت به تعطیلی شعب و یا باجه‌های مؤسسه اعتباری از طریق غیرفعال نمودن شناسه اختصاصی اقدام نماید» که این ماده نیز خاصیت بازدارندگی برای مؤسسات اعتباری متخلف دارد.

۳-۱-۵. آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری غیردولتی^۲

در ماده (۲) آیین‌نامه آمده که «تأسیس، ثبت و فعالیت بانک یا مؤسسه اعتباری موضوع این آیین‌نامه فقط با اخذ مجوز از بانک مرکزی و در چارچوب قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات شورای پول و اعتبار و سایر مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه امکانپذیر است» و در ماده (۱۱) به صراحت آمده که «ایجاد و گسترش شعب و واحدهای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی در داخل و خارج از کشور مستلزم کسب اجازه بانک مرکزی خواهد بود» و در ماده (۱۳) اشاره شده که «در صورتی که بانک یا مؤسسه اعتباری قوانین و مقررات مربوطه، مفاد اساسنامه یا دستورات بانک مرکزی را رعایت ننماید مشمول مقررات تنبیهی و انتظامی خواهد شد» که این مواد به نقش نظارتی بانک مرکزی در تأسیس و گسترش شعب مؤسسات غیردولتی در داخل و خارج از کشور اشاره دارد.

۴-۱-۵. دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آنها^۲

در خصوص تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه در ماده (۵) آیین‌نامه آمده که «تأسیس بانک و

۱. مانده خالص دارایی‌های ثابت شامل ارقام اجاره‌های سرمایه‌ای از جمله اموال غیرمنقول خریداری شده از طریق تسهیلات اجاره به شرط تملیک نیز می‌باشد.

۲. شورای پول و اعتبار به استناد تبصره «۲» ماده (۵) قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی (در ۱۳۸۸/۸/۱۲) این آیین‌نامه را تصویب کرد.
۳ مصوبه ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ هیئت وزیران.

اشتغال به عملیات مربوط، با رعایت قوانین پولی و بانکی کشور قانون عملیات بانکی بدون ربا بخشنامه‌های صادره از بانکی مرکزی و رعایت مفاد این دستورالعمل مجاز است» و در ماده (۲۴) آمده که «بانک مرکزی در مواردی که تشخیص دهد متقاضیان تأسیس بانک، ضوابط و مقررات را رعایت نکرده و تعهدات خود را انجام نداده‌اند و یا قادر به انجام تعهدات خود نمی‌باشند می‌تواند مجوزهای صادر شده را متوقف و لغو نماید» که این به نقش نظارتی بانک مرکزی اشاره دارد.

ماده (۲۹) این دستورالعمل بیان می‌کند که «بانک می‌تواند سرمایه ثبتي خود را به صورت نقد، شعب، دفاتر و تجهیزات، اوراق مشارکت دولتی و سایر اوراق دولتی با مجوز بانک مرکزی، نگهداری نماید. سرمایه‌گذاری به غیر از اشکال فوق مانند تأسیس شرکت و خرید اموال غیرمنقول به قصد تجارت و ... به هر میزان ممنوع است» که این امر عملاً جهت کلی منابع بانک‌های قرض‌الحسنه را مشخص و درصدد جلوگیری از بنگاهداری آنها می‌باشد. اما نکته‌ای که در این ماده وجود دارد این است که عملاً دستان بانک‌های قرض‌الحسنه را برای نگهداری سرمایه ثبتي خود به صورت شعب باز نگه داشته است. در واقع بانک‌های قرض‌الحسنه می‌توانند با این ماده به تأسیس شعب بیشتر و نامتوازن برای بهره‌برداری از عایدات افزایش زمین و ملک اقدام نمایند، اما با تبصره ذیل این ماده که «خرید اموال غیرمنقول حداکثر تا ۳۰ درصد سرمایه بانک مجاز است» می‌تواند به نحو مطلوبی از این اقدام بانک جلوگیری نماید.

۵-۱-۵. آیین‌نامه تأسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه^۱

در آیین‌نامه مربوط به صندوق‌های قرض‌الحسنه در ماده (۱۲) آمده که «بانک مرکزی در مواردی که تشخیص دهد متقاضیان تأسیس صندوق، ضوابط و مقررات را رعایت نکرده و تعهدات خود را انجام نداده‌اند یا قادر به انجام تعهدات خود یا تأسیس و راه‌اندازی صندوق نیستند می‌تواند مجوز تأسیس را تعلیق و یا لغو نماید» و همچنین در ماده (۳۷) آمده که «ایجاد شعبه توسط صندوق، موکول به تأیید قبلی بانک مرکزی است» که این دو ماده به نظارت دقیق و غالب بانک مرکزی بر این صندوق‌ها در فعالیت‌های اعتباری و مالی‌شان اشاره دارد.

اما ماده‌ای که مرتبط با بحث تعدد و توزیع شعب در صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌شود ماده (۲۹) است که بیان می‌دارد «خرید اموال غیرمنقول و تجهیزات در حد عرف برای اداره امور صندوق از محل منابع مالی آن بلا مانع است» که در تبصره «۱» این ماده اشاره دارد که «سایر سرمایه‌گذاری‌ها در اموری از قبیل خرید اموال منقول و غیرمنقول به قصد تجارت و غیره، خرید سهام شرکت‌ها و ... به هر میزان ممنوع است» که تمایل صندوق‌ها برای توسعه بی‌حد و حصر شعب را محدود می‌نماید.



۵-۱-۶. دستورالعمل اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانک‌های خارجی

در ایران^۱

در خصوص ورود بانک‌های خارجی در نظام بانکداری کشور در ماده (۲) آمده که «بانک خارجی که حداقل ۵ سال از تاریخ شروع فعالیت آن گذشته باشد، می‌تواند با رعایت مفاد آیین‌نامه و این دستورالعمل به انجام عملیات بانکی در قالب شعبه در ایران مبادرت نماید» که این ماده تضمینی برای ورود بانک‌های با سابقه در کشور می‌باشد.

در ماده (۶) این دستورالعمل آمده که «بانک خارجی باید مدارک و اطلاعات زیر را به همراه تقاضای خود به بانک مرکزی ارائه دهد:

۱-۶. میزان سرمایه اعطایی بانک خارجی به شعبه (که مشخص‌کننده گستردگی فعالیت بانکی بانک خارجی می‌باشد).

۶-۱۳. تعداد و چگونگی توزیع جغرافیایی شعب و دفاتر نمایندگی بانک خارجی» و این برخورد بسیار مناسبی است که بانک‌هایی که قصد ورود به بازار بانکی کشور را دارند طبق نقشه قبلی و با هماهنگی بانک مرکزی به عملیات بانکی کشور ورود پیدا کنند. به‌طور مخصوص اطلاع از تعداد و چگونگی توزیع جغرافیایی شعب و دفاتر نمایندگی بانک خارجی، برای بانک مرکزی ملاک ورود به نظام بانکی کشور تلقی می‌شود که می‌تواند مقاصد مطلوب بانک مرکزی در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی را به خوبی مورد بررسی قرار دهد و این در حالی است که چنین ملاکی برای هیچ یک از بانک‌های کشور در قوانین و آیین‌نامه‌ها وجود ندارد.

۵-۱-۷. مقررات ناظر بر تأسیس و شیوه فعالیت مؤسسه اعتباری غیربانکی^۲

در خصوص فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در ماده (۵) مقررات آمده که «فعالیت هر یک از مؤسسات اعتباری منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی می‌باشد» و در ماده (۳۱) به صراحت تأکید شده که «مؤسسات اعتباری می‌توانند با کسب اجازه از بانک مرکزی به ایجاد شعبه باجه یا نمایندگی مبادرت نمایند» که امر تأسیس شعب و فعالیت در حوزه بانکداری همگی منوط به کسب اجازه از بانک مرکزی و تحت نظارت این نهاد انجام می‌شود.

اما در ماده (۲۵) آمده «خرید دارایی‌های ثابت برای استفاده متعارف مؤسسه مجاز می‌باشد؛ لکن خرید و فروش به‌منظور تجارت ممنوع است» که در واقع تملک دارایی‌های ثابت برای بانک را منوط به عدم فعالیت تجاری برای بانک دانسته است.

۱. مصوب جلسه ۱۱۲۵ شورای پول و اعتبار در ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۲. مصوبات شورای پول و اعتبار در ۱۳۷۱/۴/۱۳ و ۱۳۷۲/۱۰/۳.

۸-۱-۵. آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی

در ماده (۴) این آیین‌نامه اشاره شده که «تأسیس بانک و مؤسسه و افتتاح شعب بانک‌ها و مؤسسات اعم از ایرانی یا خارجی در مناطق، موکول به پیشنهاد سازمان - سازمان مناطق آزاد - و صدور مجوز توسط بانک مرکزی است» که به نحوی به تسلط نظارتی بانک مرکزی اشاره دارد.

در ماده (۲۹) نیز اشاره شده که «کلیه بانک‌ها و مؤسسات و شعب بانک‌ها و مؤسسات خارجی در مناطق، تحت نظارت بانک مرکزی خواهند بود و باید ضمن مراعات ضوابط و مقررات ذیل و در جهت رفع احتیاجات خود کلیه اطلاعات مورد نیاز بانک مرکزی را ارائه نمایند:

«سیاست‌های پولی و اعتباری که از طرف بانک مرکزی تعیین می‌گردد رعایت نمایند» که در اینجا محدوده فعالیت‌های بانکی بانک‌ها در مناطق آزاد نیز تحت نظارت بانک مرکزی و با موافقت این نهاد صورت خواهد پذیرفت».

۹-۱-۵. آیین‌نامه تأسیس و فعالیت بانک‌های مجازی^۱

در آیین‌نامه بانک‌های مجازی در ماده (۳۹) آمده که «بانک مجازی مطلقاً مجاز به ایجاد شعبه باجه و نظایر آن در داخل و خارج از کشور نمی‌باشد» و در تبصره «۱» این ماده اشاره شده که «بانک مجازی می‌تواند انجام اموری که الزاماً و ماهیتاً نیاز به حضور فیزیکی مشتریان دارد، از طریق دفتر مرکزی، دفاتر نمایندگی و یا از طریق برون‌سپاری (طبق دستورالعمل بانک مرکزی) انجام دهد». در واقع طبق این ماده بحث تعدد و توزیع شعب بانکی در بانک‌های مجازی مطرح نمی‌شود و تنها از این جهت تأسیس بانک‌های مجازی در این پژوهش دارای اهمیت است که عملیات بانکداری در این بانک‌ها بر تقاضای خدمات بانکی مشتریان اثرگذار بوده و می‌تواند با ارائه خدمات بانکی، به تأمین بخشی از تقاضای مشتریان و بالطبع کاهش تقاضای خدمات بانکی از سایر بانک‌ها بیانجامد.

در ماده (۴۰) نیز آمده که «بانک مجازی منحصراً مجاز به انجام عملیات بانکی و ارائه خدمات بانکی در سطح فعالیت است که توسط بانکی مرکزی تعیین می‌شود» که فعالیت این بانک را تحت نظارت بانک مرکزی قرار می‌دهد.

۱۰-۱-۵. بخشنامه ۹۱/۳۳۷۲۵۱ مجمع عمومی بانک مرکزی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۳

در این بخشنامه آمده که «بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به منظور انجام وظایف ذاتی خود و استفاده بهینه از منابع در اختیار، اقدامات زیر را به عمل آورند:

۱. واگذاری کلیه شرکت‌های بانک - مؤسسات اعتباری اعم از صرافی، شرکت لیزینگ، مشارکت‌های حقوقی و ... حداکثر ظرف مدت ۶ ماه (تا پایان شهریورماه ۱۳۹۲).
۲. بانک‌ها - مؤسسات اعتباری نسبت به واگذاری دارایی‌های غیرمنقول مزاد هر چه سریع‌تر اقدام نمایند.

۱. مصوب جلسه ۱۱۲۵ شورای پول و اعتبار در ۱۳۹۰/۲/۲۷.



۳. بانک‌ها - مؤسسات اعتباری نسبت به کاهش تعداد شعب به نسبت ۲۰ درصد تعداد آنها اقدام نمایند؛ بنابراین در سال ۱۳۹۲ بجز بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جدیدالتأسیس فاقد شعب در استان‌ها هیچ‌گونه تقاضایی جهت توسعه شعب پذیرفته نخواهد شد».

در واقع بانک مرکزی در این بخشنامه تلاش نموده که کلیه فعالیت‌های حاشیه‌ای و بنگاهی بانک‌ها واگذار و بانک‌ها را متمرکز در فعالیت‌های مهم و اساسی بانکداری نماید. در واقع منشأ اصلی این بخشنامه به نگرانی بانک مرکزی از گسترش فعالیت‌های بنگاهداری بانک‌ها و حضور بانک‌ها در فعالیت‌های سوداگرایانه در اواخر سال ۱۳۹۱ بر می‌گردد که به علت تحریم‌های اقتصادی و ...، نوسانات شدیدی باعث تلاطم اقتصاد کشور شده بود و بانک‌ها نیز این فرصت را مغتنم شمرده و به موج‌سواری بر اقتصاد کشور با نیت درآمدزایی هر چه بیشتر پرداختند. از سوی دیگر افزایش بی‌رویه و تمرکز شعب بانکی برای استفاده از عایدات سرمایه‌گذاری‌های ملکی بانک‌ها، دغدغه دیگری بود که بانک مرکزی با صدور این بخشنامه در پی کنترل آن بود. اما قابل توجه است که مورد سوم بخشنامه در دی‌ماه ۱۳۹۲ در دولت یازدهم لغو شد.

۱۱-۱-۵. جمع‌بندی قوانین و دستورالعمل‌های بانک مرکزی، میزان استفاده بانک مرکزی ایران

از ابزارهای نظارتی خود و اثربخشی این نظارت

در این قسمت سعی بر آن بود که به مقررات و دستورالعمل‌های بانک مرکزی در عرصه بانکداری و مرتبط با موضوع تعدد و توزیع شعب بانکی پرداخته شود. اهم موضوعاتی که در مواد نظارتی فوق وجود داشت را می‌توان در موارد زیر به صورت خلاصه وارد مطرح کرد:

۱. در همه مقررات به صراحت اعلام شده که کار نظارت بر بازار پولی و فعالیت‌های بانکی اعم از تأسیس مؤسسه اعتباری و تأسیس شعب فقط بر عهده بانک مرکزی و با اجازه بانک مرکزی صورت می‌پذیرد

۲. همچنین اشاره شده که در صورت تخلف از مقررات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اجرایی، تصمیمات و بخشنامه‌های بانک مرکزی، جرائمی همچون لغو مجوز و محدود کردن فعالیت‌های بانکی و نیز جرائم تنبیهی و انتظامی دامان مؤسسات اعتباری را خواهد گرفت.

۳. برخی از آیین‌نامه‌ها همچون آیین‌نامه تأسیس بانک‌های مجازی به صورت مستقیم بر تعدد و توزیع شعب بانکی اثرگذار نمی‌باشد، اما به صورت غیرمستقیم می‌تواند تعدد و توزیع شعب بانکی در کشور را متأثر نماید.

۴. در برخی از سال‌ها (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در بسته‌های سیاستی پولی و اعتباری بانک مرکزی - به‌طور خاص در ضوابط سیاستی - نظارتی شبکه بانکی کشور سال ۱۳۸۸ - تأکید زیادی به گسترش بانکداری الکترونیک، استقرار سیستم بانکداری متمرکز، ترویج کارت‌های اعتباری و تشویق مشتریان و الزام دستگاه‌های دولتی به استفاده از آنها شده که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند آثار قابل توجهی در

بانکداری مبتنی بر شعب فیزیکی داشته باشد؛ اما در سال‌های پس از آن این اقدامات چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

۵. یکی از موضوعات مورد اشاره توسط بانک مرکزی به مؤسسات اعتباری در قالب ضوابط و مقررات اعلامی، تأکید بر خصوصی‌سازی و فروش سهام بانک‌ها می‌باشد که این نیز می‌تواند بر تعدد و توزیع شعب بانکی مؤثر باشد. البته پس از واگذاری‌های انجام گرفته، این نکته در دستورالعمل‌های اخیر بانک‌ها دیگر مشاهده نمی‌شود.

۶. یکی از موضوعات مهم در بسته‌های سیاستی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی تحت مدیریت و نظارت بانک مرکزی، فروش دارایی‌های مازاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و همچنین کاهش فعالیت‌های غیربانکی (فعالیت‌های سوداگرانه) و بنگاهداری (شرکت‌های لیزینگ، خرید و فروش اموال غیرمنقول به قصد تجارت، خرید سهام شرکت‌ها، صرافی، مشارکت‌های حقوقی و ...) آنها می‌باشد.

می‌توان برآیند این آیین‌نامه‌ها و مقررات را این‌گونه تفسیر کرد که بانک مرکزی مخالف فعالیت‌های غیربانکی و بنگاهداری مؤسسات مالی و اعتباری می‌باشد. از آنجایی که بسیاری از مؤسسات اعتباری، با توجه به نوسانات اقتصادی و تورم در بخش‌های ارز، طلا، مسکن و ملک، به افزایش دارایی‌های غیرمنقول و دارایی‌های ثابت خود پرداخته‌اند و حجم وسیعی از منابع خود را با نیت سودآوری و درآمدزایی صرف خرید این دارایی‌ها نموده و بدین وسیله از قدرت خود در تنظیم امور اقتصادی و بانکی کشور کم کرده‌اند، بانک مرکزی بر آن شده تا طی مقرراتی، بانک‌ها را به مسیر درست فعالیت بانکی هدایت نماید. درخصوص موضوع این تحقیق و ارتباط آن با بحث دارایی‌های ثابت و اموال غیرمنقول، باید اشاره کرد که به‌نظر بسیاری از کارشناسان، تعداد زیادی از مؤسسات مالی و اعتباری از افزایش تعداد شعب بانکی و تمرکز آنها در مناطق عمدتاً لوکس شهرها، به دنبال نوعی سفته‌بازی در بازار املاک بوده‌اند که این امر می‌تواند بخشی از افزایش دارایی‌های ثابت بانک‌ها را توضیح دهد. در برخی از آیین‌نامه‌ها به نسبت‌های ۳۰ درصد دارایی‌های ثابت از کل سرمایه بانک‌ها و یا کل حقوق صاحبان سهام اشاره شده که این نسبت‌ها برای برخی بانک‌ها بیش از ۳۰ درصد می‌باشد. ازسوی دیگر در برخی آیین‌نامه‌ها افزایش تعداد شعب به‌عنوان اموال غیرمنقول مجاز بانکی شناخته شده و یا به خرید اموال غیرمنقول در حد عرف و استفاده متعارف اشاره شده و مشخص نشده که تأسیس شعب جدید بانکی جزء خریدهای متعارف اموال غیرمنقول بانک‌ها به‌شمار می‌آید یا خیر؟

حال در مجموع این آیین‌نامه‌ها، مشخص نیست جهت‌گیری دولت در فروش اموال غیرمنقول مازاد بانکی به چه چیزهایی اشاره دارد؟ آیا این اموال غیرمنقول، شعب بانکی را نیز شامل می‌شود یا خیر؟ ممکن است بانک‌ها برای نگهداری سرمایه‌ها و اموال غیرمنقول خود راه افزایش تعداد شعب بانکی را پیش بگیرند که در آیین‌نامه‌ها برای این موضوع تدبیری اندیشیده نشده است و این در حالی است که



بانک‌های خارجی برای ورود به نظام بانکی کشور باید میزان سرمایه اعطایی بانک خارجی به شعبه و تعداد و چگونگی توزیع جغرافیایی شعب و دفاتر خود را به اطلاع بانک مرکزی برساند که نشان‌دهنده نظارت دقیق بانک مرکزی بر تعدد و توزیع شعب در کشور می‌باشد. از سوی دیگر درصدهای ذکر شده در آیین‌نامه‌ها در خصوص سهم اموال غیرمنقول و دارایی‌های ثابت، همه انواع مؤسسات اعتباری را دربرنمی‌گیرد و به نحوی رفتار تبعیضی در برخورد با اموال غیرمنقول انواع مؤسسات وجود دارد.

۲-۵. ابزارهای نظارتی در اختیار بانک مرکزی در سایر کشورها

نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که، جامعه جهانی در نظارت در ابعاد ملی و بین‌المللی بر فعالیت‌های مالی و به خصوص بانکی به دلیل ماهیت فراگیر و بحران‌زای این بخش اقتصادی عزم جدی داشته است. شیوه‌های نظارتی که بر سیستم مالی کشوری و بین‌المللی قرار داده شده است عمدتاً در اثر تجربه‌های تاریخی ایجاد شده و به تکامل رسیده است. تبعات عمیق اقتصادی، اجتماعی و بعضاً سیاسی ناشی از وقوع حوادث پولی و بانکی به تدریج مقامات، مراجع و سازمان‌های ملی و بین‌المللی را به این فکر انداخت تا با اتخاذ تدابیری، درصدد تعیین این حوزه فعالیت بشری برآمده و موجبات صحت عملکرد و ایمنی و سلامت بانک‌ها را برای فعالان بازار و نیز شرایط عملکرد و اثرگذاری مطلوب کلی بانک‌ها در اقتصاد کشورها و اقتصاد بین‌المللی را فراهم نمایند. از جمله تدابیر اتخاذ شده در این زمینه ایجاد بانک مرکزی از سوی حاکمان ملی می‌باشد که می‌توان در بیان نقش و اهمیت این نهاد بسیار اثرگذار در حوزه نظارت و سلامت عملکرد بانکی، نقل قول پل ساموئلسون برنده جایزه نوبل را ذکر نمود که اظهار داشته: تنها سه اختراع بزرگ در جهان وجود داشته است که عبارتند از: آتش، چرخ و بانک مرکزی (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۷).

با گسترش مناسبات در میان دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها و نیز اهمیت عملکرد و تعاملات اقتصادی کشورها به طور مستقل و در جامعه جهانی، جهت هدایت بهتر و مناسب‌تر نظام‌های اقتصادی به خصوص پولی و مالی، نهادهای بین‌المللی نیز از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... شکل گرفتند. در عرصه بانکداری نیز مراجع مهم و اثرگذاری به خصوص در زمینه نظارت بانکی به وجود آمد که یکی از مهمترین آنها، «کمیته بال برای مقررات بانکی و رویه‌های نظارتی» است. این کمیته در ۱۹۷۵ توسط رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰^۱ در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS^۲) پایه‌گذاری شد و تا کنون کارشناسان ارشد نظارت بانکی از کشورهای مختلف و پیشرو در صنعت بانکداری با استفاده از تجارب و تخصص خود، رهنمودهای مفیدی برای حفظ سلامت و کارایی نظام‌های پولی در سراسر جهان ارائه داده و بر طراحی الگوهای نظارتی و تدوین بسیاری از مقررات و الزامات احتیاطی در کشورهای مختلف، تمرکز کرده‌اند. در این خصوص ۲۵ اصل اساسی

۱. کشورهای آمریکا، انگلیس، سوئد، هلند، ژاپن، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و بلژیک.

2. Bank for International Settlements

برای نظارت بانکی مؤثر^۱ از طرف این کمیته در سپتامبر ۱۹۹۷ منتشر شد که تاکنون گروه‌های بانکی در سراسر جهان از پیشنهادات نظارتی آن بهره‌های فراوان برده‌اند. این سند از چنان جامعیتی برخوردار است که می‌توان حتی آن را به منزله قانون اساسی حوزه نظارت بر بانک‌ها برشمرد. از نظر این کمیته لازم است مؤسسات ملی در نظارت بر کلیه واحدهای بانکی مستقر در حوزه حاکمیت خود، این اصول را به‌کار گیرند. این اصول حداقل الزامات را تشکیل می‌دهد و در بسیاری از موارد ممکن است نیاز به تکمیل آنها به وسیله معیارهای دیگری باشد که برای بررسی شرایط و ریسک‌های خاص موجود در نظام مالی هر کشوری تدوین شده باشد.

باید به این نکته توجه کرد که نظارت بر بانک‌ها فرآیندی پویاست؛ به این معنا که باید نسبت به وضعیت متغیر بازار و شرایط عمومی اقتصادی محلی و ملی، شرایط نظارتی مناسب و جدیدی را تبیین کرد. برای این امر وجود سیستم نظارتی انعطاف‌پذیر ضروری است (Basle Committee on Banking Supervision, 1997).

از آنجایی که شعب فیزیکی بانکی به نحوی جزء سرمایه‌های ثابت بانکی به شمار می‌آیند، تنها نقطه اتصال اصول اسناد نظارتی کمیته بال با بحث تعدد و توزیع شعب بانکی، میزان سرمایه‌های ثابت در هر بانک است که بانک باید حدی از سرمایه‌های ثابت را در سبد دارایی‌ها برای خود اختیار نماید که ریسک کنترل شده و بانک را از اقدامات خطرآفرین دور نگه دارد. البته باز در این اصول به وضوح حرفی از سرمایه‌های ثابت به میان نیامده و ترکیب کلی دارایی‌ها و نسبت کلی سرمایه ذخیره شده در نظر گرفته شده است.

با وجود این درخصوص قوانین ناظر بر تعدد و توزیع شعب بانکی باید به سراغ قوانین و مقررات نظارتی در سطوح ملی رفت و اینکه آیا نهادهای مقرراتگذاری و نظارتی در هر کشور در این خصوص دخالت نموده‌اند یا خیر و اگر قانونی وجود دارد، چه قانونی و برای چه وضع شده است. از این‌رو به مطالعه قوانین نظارتی کشورهای سرآمد در عرصه بانکداری پرداخته می‌شود و نظارت بر فعالیت‌های بانکی و مقرراتگذاری در این حوزه به‌صورت منتخب و مجمل در آمریکا، اروپا و آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۵. بانکداری در کشور ایالات متحده آمریکا

در آمریکا نظام بانکداری یک ویژگی اساسی دارد و آن اینک در مقایسه با کشورهای G10، نظام بانکی چند قسمتی است به این معنا که در اغلب کشورهای صنعتی جهان تنها یک نهاد نظارتی وجود دارد در حالی که در آمریکا نهادهای نظارتی در دو سطح فدرالی و ایالتی بر بانک‌ها نظارت دارند که هر یک برای خود به نحوی به نظارت در امر بانکداری می‌پردازند و این قالب مانع از ساختار نظارتی منسجم در این کشور می‌شود. در این کشور متناسب با مرجع صدور مجوزهای فعالیت نهادهای بانکی و نیز ساختار سازمانی نهادهای مالی، یک نهاد مالی می‌تواند موضوع قوانین فدرالی و ایالتی زیادی شود. برخلاف ژاپن



و انگلیس که تمام صنعت‌های بیمه، اوراق بهادار و بانک تحت نظارت یک آژانس نظارتی قرار دارند، در آمریکا هر یک از صنایع بیمه، بانک و اوراق بهادار و حتی بازارهای کالا و خدمات از نهادهای نظارتی مجزا بهره می‌برند (Financial Services Agency, 2013).

بانکداری آزاد در آمریکا طی سال‌های ۱۸۳۷ تا ۱۸۶۳ رایج بود. در این دوره که عملاً جایگزینی برای مداخله پولی بود، بانک‌ها می‌توانستند بدون محدودیت و بدون نیاز به نظارت خاصی به اقتصاد آمریکا وارد شوند؛ در حالی که قبل از آن، تأسیس بانک در آمریکا مشکلات فراوانی به همراه داشت و عموماً به دلیل اینکه باید از دولت‌های محلی اخذ مجوز می‌شد، فرآیندی سیاسی به شمار می‌آمد و تعداد حق تأسیس بانک‌ها بسیار محدود بود (Bodenhorn, 2006). این دوره از ۱۸۳۶ با لغو مجوز دومین بانک بزرگ آمریکا با دستور کنگره شروع شد که خلأ زیادی در امر بانکداری (قبول سپرده، اعطای وام، سرمایه‌گذاری و نشر اسکناس) در آمریکا به وجود آمد و تا ۱۸۶۵ که به اسکناس‌های بانک‌های ایالتی توسط دولت مرکزی مالیات وضع شد ادامه یافت (Dwyer, 1996). در شروع عصر بانکداری آزاد، اولین ایالتی که این خواست را تصویب کرد ایالت نیویورک و پس از آن میشیگان بود و تا سال ۱۸۶۰، ۱۸ ایالت به تبعیت از نیویورک به این اقدام روی آوردند (Federal Reserve Bank of Philadelphia, 2011). با این اقدام تعداد مؤسسات مالی و بانکی‌هایی که به فعالیت در بازار پولی آمریکا وارد شدند افزایش پیدا کرد و تعداد بانک‌ها طی سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۰ از ۲۵ عدد به حدود ۱۳۶۴ عدد رسید که این افزایش به سبب تفاوت در شرایط اقتصادی و سیاست‌های متنوع پولی در خصوص ذخایر مورد نیاز، نرخ‌های بهره برای وام و سپرده، نسبت ضروری سرمایه و ... که توسط دولت‌های محلی در هر ایالت وضع می‌شد متفاوت بود (Wallis, 1994). در این مدت برخی از بانک‌ها به دلیل نظارت‌های سهل و آسان دولتی بر فعالیت بانک‌ها و برخی دیگر در اثر کاهش قیمت اوراق قرضه محلی که درصد قابل توجهی از پرتفوی بانک‌ها را تشکیل می‌داد دچار ورشکستگی شدند. برخی از بانک‌ها با فریب دستگاه‌های نظارتی و نظام بانکی منجر به بروز پدیده‌ای به نام بانکداری گریه وحشی^۱ شدند که منجر به سقوط نظام بانکداری آزاد شد (Rockoff, 1974).

برای مقابله با این بحران‌های مالی و ورشکستگی بانک‌ها دولت مرکزی آمریکا تصمیم به صدور مجوز برای برخی از بانک‌ها تحت عنوان بانک‌های ملی در قالب قانون بانک ملی مصوب ۱۸۶۳^۳ گرفت و سیستم بانکداری ملی را راه‌اندازی نمود. از اینجا بود که سیستم دوگانه‌ای در نظام بانکداری آمریکا به وجود آمد و بانک‌ها می‌توانستند مجوز بانک‌های ایالتی و یا ملی و یا هر دو را داشته باشند (Spong, 2000).

در سال ۱۹۲۷ قانونی تحت عنوان قانون مک فادن^۴ تصویب شد تا برابری رقابت بین بانک‌های ملی و

1. Wildcat Banking

۲. بانک‌ها با فریب عموم سپرده‌گذاران به انتشار اسکناس‌هایی روی آوردند که پشتوانه طلا و نقره نداشت و با احداث بانک در مناطقی دور از جوامعی که در آنها به انتشار اسکناس اقدام کرده بودند، با کسب مقداری سود، بانک خود را بسته و با تمام دارایی‌های خود متواری می‌شدند.

3. National Banking Act of 1863.

4. Mc Faden act of 1927.

محلی ایجاد نماید. طی این قانون بانک‌های ملی اجازه یافتند تا همانند بانک‌های ایالتی، مطابق قوانین ایالتی به تأسیس شعبه اقدام نمایند. این قانون همچنین با اجازه تأسیس شعبه به بانک‌های ملی در محدوده ایالتی که در آن قرار گرفته‌اند، از بانکداری بین ایالتی ممانعت به عمل آورد (Medley, 1994). بعد از چند دهه برخی فعالیت‌های بانکی در صدد دور زدن این قانون برآمدند تا بتوانند با تأسیس شرکت‌های هلدینگ بانکی به نوعی به فعالیت در سایر ایالات نیز بپردازند. در واقع این شرکت‌ها درصد بودند تا با تأسیس بانک‌های به ظاهر مستقل در ایالات دیگر، به نوعی به بازار بانکی سایر ایالت‌ها نیز دسترسی داشته باشند. برای جلوگیری از این اقدام، قانون شرکت‌های هلدینگ بانکی در ۱۹۵۶ تصویب شد که از شعبه داشتن بانک‌ها در قالب شرکت‌های هلدینگ در سایر ایالت‌ها ممانعت به عمل می‌آورد.

با امضای قانون کارآیی بانکداری و شعبه‌زنی بین ایالتی ریگل نیل مصوب ۱۹۹۴ اغلب محدودیت‌های مالکیت بانک‌های بین ایالتی برداشته شد و برای اولین بار در ۷۰ سال گذشته شعبه‌زنی بین ایالتی ممکن شد و مفاد قانون مک فادن لغو شد (البته در قانون ریگل نیل آمده که همچنان برای توسعه شعب در محدوده هر ایالت و در بین ایالت‌ها، بانک‌های ملی و ایالتی باید از قوانین ایالتی تبعیت کنند). این قانون در ۱۹۹۵ به شرکت‌های هلدینگ بانکی اجازه داد تا در سراسر کشور به تملک بانک‌ها اقدام نمایند (البته با محدودیت‌هایی) و قانون ۳۶ ایالتی که به نحوی به بانکداری بین ایالتی عمل نمی‌کردند (به صورت بانکداری درون ایالتی) را باطل کرد. از ۱۹۹۷ میلادی شرکت‌های هلدینگ بانکی قادر شدند تا بانک‌های تبعی خود در ایالت‌های مختلف را به یک بانک بین ایالتی تبدیل کنند و یا اینکه در یک مدل *de novo* به ایجاد شعب جدید مبادرت نمایند. البته برخی از ایالت‌ها همچنان از برخی از محدودیت‌های شعبه‌زنی برای بانک‌های خارج از ایالت خود برخوردار بودند. برای مثال ایالت ایلینویز از ۱۹۶۷ از این محدودیت‌ها برخوردار بود و تا ۱۹۹۳ اجازه شعب نامحدود به بانک‌ها در ایالت خود نمی‌داد. مدافعان تغییر ساختاری ۱۹۹۴ مدعی‌اند که این تغییرات باعث شد تا بانک‌ها با تبدیل بانک‌های تبعی خود به شعب بین ایالتی، هزینه‌های بالاسری دوبرابر شده خود را از بین برده و به کارآیی بیشتری برسند. دیگران معتقدند این تغییرات با از میان بردن موانع توسعه جغرافیایی بانک‌ها و اینکه شرکت‌های هلدینگ بانکی توانستند دارایی‌ها و دیون خود را تنوع ببخشند، سلامت و تندرستی صنعت بانکداری را ارتقا داد (McLaughlin, 1995).

قانون کاهش کاغذ بازی‌های نظارتی و رشد اقتصادی مصوب ۱۹۹۶ که حجم وسیعی از نظارت‌ها را در خصوص درخواست‌ها، تأییدیه‌ها و گزارش‌های مورد نیاز آزاد و یا حذف کرد (Spong, 2000) نیز از جمله قوانینی بود که در جهت کاهش موانع و محدودیت‌ها تصویب شد.

1. Bank Holding Company Act of 1956.
2. Riegle-neal Interstate Banking and Branching Efficiency Act of 1994.
3. Economic Growth and Regulatory Paperwork Reduction Act of 1996



آنچه در طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ اتفاق افتاد آزادسازی شعبه زنی در سطوح ایالتی و بانکداری بین ایالتی بود. اگر چه قوانین ایالتی تفاوتی در طی دهه‌ها نداشت، اما خود ایالت‌ها در قوانین خود بسیاری از محدودیت‌ها و موانع را در خصوص شعبه‌زنی در محدوده ایالت خود حتی برای بانک‌هایی خارج از ایالت خود را برداشتند و به بانک‌های خارج از ایالات خود اجازه دادند تا در دهه ۱۹۸۰ به تملک بانک‌های درون ایالت اقدام کنند. با بررسی ورشکستگی بانک‌ها در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ مشخص می‌شود که عموماً بانک‌های ورشکسته در ایالت‌های خاصی متمرکز بوده‌اند و با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که ایالتی که به لحاظ قوانین بانکداری، ممانعت‌های بیشتری برای بانکداری بین ایالتی قائل می‌شده‌اند، از تمرکز ورشکستگی بیشتری برخوردارند. در واقع آزادی بانک‌ها در بانکداری بین ایالتی منجر به تنوع‌سازی در دارایی‌های بانکی شده و خطر ضربه‌پذیری بانک‌ها در برابر شوک‌های محلی را کمتر می‌کند (Benston, 2007).

۲-۵. بانکداری در اروپا

پس از دهه ۱۹۹۰ در اروپا آزادسازی‌هایی در بخش بانکداری اتفاق افتاد و علاوه بر رفع موانع نظارتی در مقابل توسعه بخش بانکداری، جهت‌گیری کلی سیاست‌های بانکی در این کشورها به سمت ارتقای فضای رقابتی و آزادسازی ورود به بازارهای مالی و بانکی به خصوص برای بانک‌های سایر کشورها بود. سیاست‌های لیبرالی در پیوستن کشورهای اروپایی به اتحادیه اروپا همگی در جهت تأیید این اصل است. از این رهگذر می‌توان به بخش بانکی کشورهای مختلف اروپایی اشاره کرد که نشان از رفع موانع نظارتی در این کشورهاست.

برای مثال قوانین نظارتی در بخش بانکی جمهوری چک به نحوی تبیین شده که اغلب این بخش در مالکیت بانک‌های خارجی‌ها قرار دارد در واقع بیش از ۹۵ درصد دارایی‌های بانکی در این کشور در اختیار بانک‌های کشورهای توسعه یافته به خصوص کشورهای اتحادیه اروپا قرار دارد. یکی از موارد مهم در توسعه شبکه بانکی در این کشور و رفع موانع نظارتی، پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا بوده است. یکی دیگر از مواردی که در اثر رفع موانع نظارتی و افزایش رقابت‌پذیری در بانک‌های اروپایی اتفاق افتاد، ایجاد ادغام‌های بانکی و بروز بانک‌های بزرگ در این کشورها برای حفظ قدرت رقابتی در بازارهای بانکی اروپا بود. برای مثال در جمهوری چک، تنها ۴ بانک حدود ۵۷ درصد از کل دارایی‌های بانکی این کشور را در اختیار دارند و سهم این بانک‌ها به آرامی در اثر رقابت با بانک‌های کوچک و متوسط در حال کوچک شدن است. در کشور دانمارک نیز برای حفظ قدرت رقابتی، ادغام مؤسسات بانکی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ منجر به کاهش تعداد مؤسسات (از ۱۹۶ به ۱۳۱) و کاهش تعداد شعب مؤسسات (از ۲۳۴۷ به ۱۶۷۴) شده است.

سیستم بانکداری فرانسه نیز که از دو دهه پیش مدرن شده و تغییرات ساختاری قابل توجهی پیدا کرده است، سیستم بانکی بزرگ، پیچیده، قوی و مهم در سطح اروپا و حتی بین‌الملل به حساب می‌آید. کل سیستم بانکی در این کشور توسط ۵ بانک بزرگ و جهانی قبضه شده که دو تای آنها در مالکیت دولتی هستند. سیستم مالی و بانکداری فرانسه در سایه آزادسازی‌های تجاری و مالی، به نسبت سایر

کشورها، بیشتر با بازارهای بین‌المللی مرتبط است و بسیاری از نهادهای مالی خارجی در فرانسه مشغول فعالیت و بسیاری از نهادهای فرانسوی نیز در خارج از این کشور مشغول فعالیت‌اند. به دلیل قوت نهادهای مالی و بانکی در فرانسه، در سال ۲۰۱۰ حدود ۷۰ درصد از نهادهای اعتباری در فرانسه در مالکیت فرانسوی‌ها و تنها ۳۰ درصد در مالکیت خارجی‌ها - اغلب از کشورهای اتحادیه اروپا - قرار داشت (European Banking Federation, 2012).

در ایتالیا نیز بعد از آزادسازی‌ها و رفع موانع سخت - موانعی که برای ۵۰ سال برای ورود بانک‌ها به عرصه بانکداری وجود داشت - از ۱۹۹۰ افزایش شدیدی در تعداد شعب بانکی - به خصوص در بانک‌های با تعداد شعب بالا - اتفاق افتاد به نحوی که به طور متوسط در هر سال تعداد هزار شعبه به سیستم بانکی ایتالیا افزوده می‌شد (De Bonis, Farabullini and Fornari, 1998). تعداد شعب بانکی طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸ از حدود ۱۵ هزار شعبه به حدود ۲۶ هزار شعبه رسید که این افزایش در نتیجه فشارها برای پیوستن به اتحادیه پولی اروپا و تغییراتی است که در نظارت‌های بانکی اتفاق افتاده است. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸ تعداد انواع بانک‌ها (بانک‌های با سهام مشترک، بانک‌های رقابتی، بانک‌های تعاونی) در ایتالیا کاهش یافت - در ۱۹۹۰ تعداد بانک‌ها حدود ۱۱۵۴ بود در حالی که این تعداد در سال ۱۹۹۸ به ۹۳۴ رسید - و این در حالی بود که تعداد بانک‌های خارجی افزایش داشت - از ۳۷ بانک به ۵۹ بانک رسید - و دلیل کاهش تعداد بانک‌ها، رفع الزامات تخصصی بودن بانک‌ها و یک کاسه شدن آنها و نیز حرکت آنها به سمت ادغام به دلیل ایجاد بانک‌هایی بزرگ‌تر و با مزیت رقابتی بیشتر در بازار بانکی ایتالیا بود و این تغییر ساختار طی این سال‌ها در تمام کشورهای اتحادیه اروپا ادامه داشت. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ به دلیل آغاز به کار اتحادیه پولی اروپا، سائز کوچک بانک‌های ایتالیا در برابر رقابت‌کنندگان برجسته اروپایی، اثرگذاری صرفه‌های حاصل از مقیاس بر عملکرد بانک‌ها، انگیزه‌های مالیاتی و رهایی بانک‌ها از مشکلات مالی، ادغام‌های گسترده‌ای در اروپا اتفاق افتاد.

پس از آزادسازی مالی در ایتالیا و در طی دهه ۱۹۹۰ به تدریج افزایش پوشش منطقه‌ای شعب بانکی، کاهش تمرکز و توزیع متوازن‌تر شعب بانکی در بازار پولی منطقه‌ای بروز نمود به طوری که متوسط تعداد شعب در هر استان از عدد ۲۱ در ۱۹۸۰ به عدد ۲۹ در ۱۹۹۶ رسید و در سال ۱۹۹۸ از حدود ۸ هزار اجتماع انسانی از قبیل ده و روستا، ۵۹۲۳ مورد دارای حداقل یک شعبه بانکی بودند (نسبت به ۵۰۱۸ مورد در ۱۹۸۰). آزادسازی در بازار بانکی و پولی ایتالیا و نیز اتحادیه اروپا، با کاهش سودآوری بانک‌ها نیز همراه شد و درآمد خالص حاصل از بهره وام‌های بانک‌های ایتالیایی که منبع اصلی و سنتی سودآوری بانک‌های این کشور به حساب می‌آمد کاهش یافت. کاهش سودآوری به دلایلی از قبیل: افزایش رقابت در سیستم بانکی ایتالیا از ۱۹۸۵، کاهش درآمد خالص حاصل از بهره بانکی (تفاوت بهره سپرده‌گذاران و بهره وام‌گیرندگان) به دلیل کاهش نرخ تورم و بالطبع نرخ بهره و عدم کاهش بهره سپرده‌گذاران به دلیل بالابودن بدهی‌های دولتی بود (Hester et al, 1999).



۳-۲-۵. بانکداری در آسیا

در آسیا نیز سایه آزادسازی‌های بانکی در دهه ۱۹۹۰ بر نظام‌های بانکداری افتاد و مسئولین بانکی در کشورهای آسیایی نیز در پی کاهش نظارت‌های بانکی، رفع محدودیت‌های بانکی، آزادسازی‌های بانکی و افزایش رقابت‌پذیری در بازار بانکی بودند.

یکی از بازارهای فعال بانکی آسیایی مربوط به کشوراندونزی است. نظام بانکداری در اندونزی در اثر بحران‌های مالی در آسیا دچار تغییرات اساسی شد که این تغییرات از ۱۹۸۳ در پی تعمیق بحران بدهی جهان در حال توسعه شروع شد و تا ۱۹۹۴ ادامه داشت. از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ تغییرات ساختاری در جهت کاهش غلبه ۷ بانک دولتی اصلی در اندونزی بود که حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از اعتبارات بانکی در اندونزی را در اختیار داشتند. در ۱۹۸۳ الزامات تأسیس بانک‌های داخلی به‌طور قابل توجهی رفع شد و تعداد بانک‌های خصوصی داخلی در اندونزی به شدت افزایش یافت. در ۱۹۸۸ قانونی تحت عنوان PAKTO وضع شد که بخش بانکی اندونزی را برای رقابت خارجی محدود باز کرد. این قانون باعث شد علاوه بر ۱۰ بانک کاملاً خارجی (معروف به بانک‌های خارجی پدربزرگ) که در ۱۹۶۸ شعب خود را تأسیس نموده بودند، زمینه برای حضور سایر بانک‌های خارجی مشارکتی در بازار بانکی اندونزی باز شود. این بانک‌های مشارکتی خارجی می‌توانستند تا ۸۵ درصد در مالکیت خارجی‌ها باشند و نسبت به آن ۱۰ بانک خارجی، آزادی بیشتری در قبال محدودیت‌های شعبه‌زنی داشتند. این تغییرات ساختاری در دهه ۱۹۸۰ باعث رشد بخش مالی و افزایش تعداد بانک‌های خصوصی داخلی در اندونزی شد (Cook, 2008).

۴-۲-۵. جمع‌بندی ابزارهای نظارتی در خارج از کشور

با مطالعه تاریخی قوانین نظارتی در کشورهای بزرگ و صنعتی در آمریکا، اروپا و آسیا به خوبی می‌توان متوجه این مطلب شد که در اثر غلبه اندیشه لیبرالیستی در این مناطق از بعد از جنگ دوم جهانی و به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ در مباحث اقتصادی، رویکرد غالب در این کشورها آزادسازی‌های اقتصادی، رفع موانع و محدودیت‌های تجاری و بانکی، حرکت به سمت ارتقای فضای رقابت آزاد بین‌المللی و توجه به مناسبات احتیاطی بانکی (توجه به میزان مناسبی از سرمایه در برابر دارایی‌های بانکی) برای جلوگیری از بروز بحران‌های مالی بوده است و در خصوص تعدد و توزیع شعب بانکی حرف ویژه‌ای زده نشده است. در واقع مبحث تعدد و توزیع شعب بانکی در این کشورها یک مطلب تبعی و منفعل بوده و ریشه تحولات آن را باید در آزادسازی‌های اقتصادی و بانکی جستجو کرد. همواره بانک‌ها در اثر آزادسازی‌های اقتصادی و رفع موانع نظارتی در حوزه بانکی، بهینه‌ترین شبکه بانکی را با توجه به شرایط اقتصادی (قوانین مالیاتی، سوددهی فعالیت بانکی، مقیاس فعالیت بانکی، وجود مشتری و ...) و نیز رفتار رقبای خود ایجاد نموده و منجر به حالت خاصی از تعدد و توزیع شعب بانکی در شبکه شعب بانکی خود شده‌اند.

جمع‌بندی و ارائه راهکار

با ورود تکنولوژی و استفاده از ابزارهای ارتباطی در فعالیتهای بانکی، علاوه بر بانکداری فیزیکی، موضوع بانکداری مجازی نیز مطرح شد و تصور غالب این بود که با ورود بانکداری مجازی، دیگر نیازی به بانکداری فیزیکی و ایجاد شبکه شعب بانکی وجود نخواهد داشت و حجم وسیعی از فعالیتهای بانکی از طریق ابزارهای مجازی از جمله اینترنت، تلفن بانک و دستگاههای خودپرداز قابل انجام خواهد بود؛ اما با گذشت زمان، دیده شد که همواره بانکداری فیزیکی و شبکههای شعب بانکی مورد اعتماد و مورد استفاده فعالان بخش بانکی است. با دو قطبی شدن بانکداری - بانکداری فیزیکی و مجازی - در اقتصاد کشورهای مختلف این سؤال مهم به وجود آمده که حد بهینه بانکداری فیزیکی و شبکه شعب بانکی چقدر است و نظام بانکی به چه تعداد شعب بانکی نیاز دارد و چگونه می‌توان موجب توزیع متوازن این شبکه در کشور شد؟

با مطالعه تاریخی قوانین نظارتی در عرصه بانکداری در کشورهای بزرگ و صنعتی در آمریکا، اروپا و آسیا به خوبی می‌توان به این مهم دست یافت که در اثر غلبه اندیشه لیبرالیستی در این مناطق پس از جنگ دوم جهانی و به خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد غالب در این کشورها آزادسازیهای اقتصادی، رفع موانع و محدودیتهای بانکی، حرکت به سمت ارتقای فضای رقابت آزاد بین‌المللی و توجه به مناسبات احتیاطی بانکی (توجه به میزان مناسبی از سرمایه در برابر داراییهای بانکی) برای جلوگیری از بروز بحرانهای مالی بوده است و در واقع مبحث تعدد و توزیع شعب بانکی در این کشورها یک مطلب تبعی و منفعل بوده است. به این معنا که برای سیاستگذاران حوزه بانکی، آنچه که اهمیت اساسی داشته، آزادسازی و جو رقابتی بیشتر در بازار بانکی بوده و همواره بانکها بهینه‌ترین شبکه بانکی (به لحاظ تعدد، توزیع، اندازه شعب و شبکه شعب بانکی) را با توجه به شرایط اقتصادی (قوانین مالیاتی، سوددهی فعالیت بانکی، مقیاس فعالیت بانکی، وجود مشتری، آینده بازار بانکی، اشباع بازار منطقه‌ای، تقاضای جواب داده نشده در خصوص خدمات بانکی) و نیز رفتار رقبای خود ایجاد نموده‌اند و در خصوص نتیجه تصمیم‌گیری بانکها در انتخاب شبکه بهینه شعب خود، سیاستمداران و نهادهای نظارتی ساکت بوده‌اند. اما در ایران به دلیل شرایط ویژه اقتصادی و بروز ناپایداریها، نوسانات و تورمهای مداوم و فزاینده و بازارهای سرمایه‌گذاری بی‌ثبات، نسخه بانکداری غربی - مبتنی بر رقابت آزادانه - قطعاً کمک‌کننده نخواهد بود و بر مشکلات نظام بانکداری در کشور خواهد افزود. امروزه نظام بانکداری ایران و بالطبع اقتصاد ملی از مشکل مطالبات معوق بانکها، بنگاهداری بانکها و عدم سیاست منسجم پولی و بانکی در نظام بانکداری رنج‌های بسیاری متحمل شده که شبکه نامتوازن بانکی یکی از این رنج‌هاست و لازم است اصلاحات جدی در این زمینه ایجاد شود. از این رو راهکارهای زیر برای اصلاح نظام بانکداری ایران در خصوص توزیع متوازن شعب بانکی ارائه می‌گردد:

۱. نکته اول اینکه باید توجه شود که در نظام نظارتی بانکی کشور، عملاً امکانات خوبی برای نظارت



بر فعالیت‌های بانکی در قوانین و مقررات در نظر گرفته شده است و نهادهای نظارتی می‌توانند به موجب قانون با دست باز در جزئیات فعالیت‌های بانکی دخالت نموده و مطابق شرایط اقتصادی کشور و در جهت تعامل با بانکداری بین‌المللی، اصلاحات قوی و خوبی را در نظام بانکداری کشور ایجاد نمایند.

۲. با توجه به مبانی نظری و تجربه کشورها در صنعت بانکداری، نظام بانکی مطلوب در بستر اقتصادی پویا، باثبات و پایدار و در شرایط رقابت آزادانه شکل می‌گیرد و در نتیجه نظام بانکی پویا و سالم و توزیع عادلانه و متوازن شبکه شعب بانکی به‌وجود خواهد آمد. در ایران شرایط اقتصادی عموماً بی‌ثبات، ناپایدار و دارای نوسانات تخریب‌کننده است و توزیع نامتوازن شعب بانکی و بنگاهداری و فعالیت‌های نامطلوب بانک‌ها از نتایج چنین شرایط اقتصادی است. در چنین شرایطی رقابت آزادانه در بازار بانکی آثار منفی به دنبال دارد و لازم است با ضوابط و مقررات صحیح و دقیق، مسیر حرکت مطلوب نظام بانکی را مشخص کرد و این در حالی است که در قوانین فعلی بانکی کشور، قوانین مشخصی در خصوص فعالیت‌های بانکی مطلوب و توزیع متوازن شعب مؤسسات اعتباری وجود ندارد و لازم است در این زمینه مقررات و قوانین مناسبی وضع گردد.

۳. در خصوص نبود مواد قانونی صریح برای توزیع متوازن شعب بانکی، لازم به ذکر است که مطابق قوانین بانکی کشور، بانک‌های خارجی برای ورود به نظام بانکی باید میزان سرمایه اعطایی بانک خارجی به شعبه و تعداد و چگونگی توزیع جغرافیایی شعب و دفاتر خود را به اطلاع بانک مرکزی برساند که این امر نشان‌دهنده نظارت دقیق بانک مرکزی بر تعدد و توزیع شعب بانک‌های خارجی در کشور می‌باشد و این در حالی است که چنین موضوعی برای بانک‌های داخلی وجود ندارد. باید بانک مرکزی قانونی وضع کند که طی آن بانک‌های تازه تأسیس موظف باشند برای اخذ مجوز، میزان سرمایه اعطایی و الگوی تعدد و توزیع شبکه شعب خود را مبتنی بر شرایط اقتصادی کشور، نیازهای منطقه‌ای به ارائه خدمات بانکی، جمعیت منطقه‌ای، درآمد سرانه منطقه‌ای، حجم مبادلات منطقه‌ای و نیز با توجه به میزان سرمایه و سودآوری بانک در جهت توزیع متوازن شعب بانکی به بانک مرکزی اعلام کنند؛ بانک‌های تأسیس شده نیز موظفند برای ادامه فعالیت خود، الگوی مطلوب شبکه شعب خود را با توجه به معیارهای فوق، به بانک مرکزی ارائه نموده و تا تاریخی مشخص و منطقی، آن را اجرایی نمایند. در واقع طبق این قانون هر یک از مؤسسات اعتباری موظف به طراحی الگوی جامع بانکداری می‌شوند. بانک مرکزی نیز طبق قانون باید موظف به طراحی الگوی جامع نظارت بر بانکداری (که حاوی جهت‌گیری‌های بانکی با توجه به شرایط اقتصادی، نیازهای منطقه‌ای در ارائه خدمات بانکی، توزیع عادلانه خدمات و شعب بانکی، سیاست‌های کلان بانکی مانند بانکداری مجازی و ...) شده و درخواست بانک‌های جدید تأسیس برای اخذ مجوز و بانک‌های قدیم تأسیس برای ادامه فعالیت را مبتنی بر الگوی مذکور بررسی و در نهایت در تأیید و یا

رد آنها تصمیم‌گیری نماید. لازم است بانک مرکزی برای نظارت مستمر بر فعالیت بانک‌ها و رصد تخلفات احتمالی، به تهیه بانک اطلاعاتی الکترونیکی جامع مؤسسات اعتباری اقدام نماید تا مؤسسات تمام اطلاعات خود را در اختیار بانک مرکزی قرار داده و امکان نظارت مداوم این نهاد نظارتی را فراهم نمایند.

۴. تنها صدور قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها برای نظارت کافی نیست و لازم است اقدامات اجرایی قوی نیز در خصوص کاربردی شدن مفاد قانونی صورت بگیرد و در صورت بروز تخلفات، نهاد نظارتی به شناسایی سریع و دقیق و برخورد جدی و محکم با متخلفان بانکی اقدام کنند. یکی از ایرادات کارشناسی به نظام نظارتی بانکی، این است که عموماً مقررات نظارتی، حالت توصیه‌ای و ارشادی داشته و اراده اجرایی قوی در پس آن وجود ندارد. به نظر بسیاری از کارشناسان، نهادهای نظارتی قاطعیت و اراده کافی در برخورد با تخلفات را از خود نشان نداده‌اند و این امر موجب تعدی و سوءاستفاده برخی از بانک‌ها شده است. البته در این زمینه تشتت آرای بانک مرکزی به‌عنوان مهمترین نهاد نظارتی بازار پولی کشور - مثلاً بانک مرکزی در خصوص محدودیت در تعدد شعب بانکی در سال ۱۳۹۱ آیین‌نامه‌ای صادر و در سال ۱۳۹۲ آن را لغو می‌نماید - و نحوه انتخاب رئیس کل بانک مرکزی (که عموماً از بدنه بانکی کشور و از افراد بانکی انتخاب می‌شود تا اینکه فردی با دیدی جامع‌تر برای این مقام مهم در نظر گرفته شود) بسیار اثرگذار است.

۵. شرایط اقتصادی کشور یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تعدد و توزیع شعب بانکی است. در سال‌های اخیر در اثر نوسانات اقتصادی و تورم مداوم قیمتی در بازارهای زمین، مسکن و ساختمان، بانک‌ها با انگیزه کسب سود، به سمت تملک زمین و ساختمان در قالب ایجاد شعب جدید به خصوص در شهرهای بزرگ و عمدتاً در مناطق ثروتمند نشین و لوکس متمایل شده‌اند. این رفتار بانک‌ها در زمانی که اقدامات جدی از سوی نهادهای نظارتی برای فروش اموال مزاد بانک‌ها در حال انجام است، با انگیزه بیشتری دنبال می‌شود. به‌طور کلی این اقدام بانک‌ها، منجر به تعدد متمرکز و توزیع نامتوازن شعب بانکی شده است. برای جلوگیری از این اقدام بانک‌ها، می‌توان به قانونگذاری در این زمینه پرداخت.

۶. در سال‌های اخیر عدم اجرای صحیح سیاست‌های اقتصادی (برای مثال هدفمندی یارانه‌ها)، فشارهای تحریمی و نوسانات اقتصادی به خصوص نوسانات ارزی، لطمات جبران ناپذیری به تولید کشور وارد کرده و درصد قابل توجهی از تولیدکنندگان را مجبور کرده به دلیل عدم توان بازپرداخت بدهی خود به بانک‌ها، از طریق واگذاری دارایی‌های ثابت و اموال غیرمنقول خود به جبران بدهی‌های خود اقدام کنند. انتقال مالکیت حجم وسیعی از دارایی‌های غیرمنقول و سرمایه‌های ثابت از بخش تولید به بخش بانکی باعث شده بانک مرکزی، فروش دارایی‌های مزاد بانک‌ها (که بیشتر شرکت‌های تابع بانک‌ها مد نظر است و اموال غیرمنقول و سرمایه‌های ثابت مزاد چندان مورد توجه



نیست) را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد و این در حالی است که بانک مرکزی نسبت به شعب تازه تأسیس و یا شعب قدیمی که کارایی نداشته و تقاضای چندانی برای ارائه خدمات توسط آنها پاسخ داده نمی‌شود و صرفاً برای کسب درآمد از تغییر قیمت زمین و ساختمان راه‌اندازی شده‌اند، سکوت کرده است. ممکن است بانک‌ها برای نگهداری سرمایه‌ها و اموال غیرمنقول خود راه افزایش تعداد شعب بانکی را در پیش بگیرند که در مقررات بانکی برای این موضوع تدبیری اندیشیده نشده است. برای اصلاح در این زمینه چند پیشنهاد وجود دارد: اول اینکه بانک مرکزی از تغییر کاربری اموال مازاد (به شکل ساختمان و زمین) به شعب جدید جلوگیری نماید و بانک‌ها را ملزم به فروش کلیه دارایی‌های مازاد نماید. دوم اینکه علاوه بر شرکت‌ها، اموال غیرمنقول و دارایی‌های ثابت مازاد را نیز مشمول فروش‌ها قرار دهد؛ حتی دارایی‌هایی که به شکل شعب تحت تملک بانک وجود دارد. سوم اینکه اجازه تأسیس شعب جدید و انتقال شعب قدیم را تا قبل از فروش قطعی اموال مازاد نداده و بعد از کلیه فروش‌ها، متناسب با مفاد بند «۳» راهکارها، در خواست‌های بانک‌ها برای تأسیس شعب جدید و یا انتقال شعب موجود را بررسی نماید. چهارم اینکه برخی مفاد قانونی که می‌تواند زمینه سوءاستفاده از راه‌اندازی شعب جدید به قصد کسب سود از اختلاف قیمت زمین و ساختمان را ایجاد نماید، حذف و اصلاح نماید (اشاره به ماده (۳۴) قانون پولی و بانکی که در ظاهر جلو تملک اموال غیرمنقول توسط بانک‌ها گرفته شده، اما با تبصره این ماده، در خصوص استیفای مطالبات و نیز تملک برای کار، عملاً به بانک اجازه حضور بنگاه‌مدارانه در بازار زمین و ساختمان داده شده است و بانک‌ها با این تبصره می‌توانند در بازار زمین و ساختمان دخالت نمایند). پنجم اینکه می‌توان از سیاست‌های مالیات‌ستانی بر قیمت بازاری زمین و ساختمان شعب در حال فعالیت نیز برای کاهش انگیزه‌های سودطلبانه بانک‌ها در تملک اموال غیرمنقول استفاده کرد.

۷. در قوانین و مقررات بانکی در خصوص تملک اموال غیرمنقول بانک‌ها در حد متعارف و عرف و نه به قصد تجارت، موادی در نظر گرفته شده که این قوانین بسیار مفید و ضروری است و از انگیزه‌های کسب درآمد بانک‌ها از تغییر قیمت اموال جلوگیری می‌کند. اما در خصوص تملک اموال غیرمنقول «در حد متعارف و عرف»، دقیقاً مشخص نشده که تأسیس شعب جدید بانکی جزء خریدهای متعارف اموال غیرمنقول بانک‌ها به شمار می‌آید یا خیر. از طرف دیگر لازم است تملک اموال غیرمنقول بانک‌ها را «به قصد تجارت» که معمولاً در قالب تأسیس شعب جدید و یا انتقال شعب قدیمی صورت می‌پذیرد، با توجه به بند «۳» این راهکارها و توزیع متوازن شبکه شعب بانکی، ارزیابی کرد.

۸. در برخی از قوانین به حد مجاز تملک دارایی‌های ثابت و اموال غیرمنقول (نسبت خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام پس از کسر سود انباشته و سود قطعی نشده معادل ۳۰ درصد، خرید اموال غیرمنقول حداکثر تا ۳۰ درصد سرمایه) اشاره شده است که این نسبت‌ها برای کنترل انگیزه‌های سودطلبانه بانک‌ها در شعبه‌زنی می‌تواند مفید باشد. اما در برخورد با این نسبت‌ها باید توجه شود که نباید بین انواع بانک‌ها (تجاری، قرض‌الحسنه، تخصصی) تفاوتی وجود داشته باشد و این نسبت‌ها

در صورت لزوم باید برای همه انواع بانک‌ها اجرایی باشد. ضمناً باید در غالب نظرات کارشناسی و پژوهش‌های علمی - کاربردی مشخص گردد که آیا نسبت‌های مذکور می‌تواند شرایط لازم برای جلوگیری از انگیزه‌های سودجویانه بانک‌ها با استفاده از تملک اموال غیرمنقول در غالب تعدد شعب را ایجاد نماید و آیا این نسبت‌ها می‌تواند برای حرکت به سمت توزیع متوازن تر شبکه شعب بانکی مناسب باشد یا خیر؟
۹. لازم است در برابر انگیزه‌های سودطلبانه بانک‌ها از طریق افزایش قیمت دارایی‌های ثابت مقاومت

شود، اما صدور بخشنامه‌هایی مبنی بر کاهش تعداد شعب بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری (برای مثال بخشنامه کاهش ۲۰ درصدی تعداد شعب مؤسسات) کارشناسی نبوده و می‌تواند منجر به بدتر شدن توزیع شبکه شعب بانکی بانک‌ها شود. بانک‌ها می‌توانند با کاهش تعداد شعب مؤسسات خود در شهرهای کوچک و استان‌های محروم، به این بخشنامه جامه عمل بپوشانند در حالی که این اقدام منجر به توزیع نامتناسب شبکه شعب بانکی خواهد شد بدون اینکه اهداف نظارتی تعیین شده در خصوص تملک دارایی‌های ثابت برای سودآوری از محل تغییر قیمت‌ها را تأمین نماید.

۱۰. یکی از مواردی که می‌تواند نقش مکملی بسیار اثرگذاری برای شبکه شعب بانکی کشور داشته باشد، گسترش بانکداری الکترونیک، استقرار سیستم بانکداری متمرکز، ترویج کارت‌های اعتباری و تشویق مشتریان و الزام دستگاه‌های دولتی به استفاده از آنهاست. نهادهای نظارتی با کمک وزارت ارتباطات می‌توانند تاحدی نقیصه توزیع نامتوازن شعب بانکی را با استفاده از بانکداری الکترونیک جبران نمایند. حال که دولت یازدهم در پی راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات بوده و در حال فراهم آوردن زیرساخت‌های آن می‌باشد، فرصتی بسیار مناسبی برای گسترش بانکداری الکترونیک و کاهش هزینه‌های ناشی از بانکداری فیزیکی در شهرهای بزرگ و نیز افزایش دسترسی به خدمات بانکی در شهرهای کوچک در شرف ایجاد است.

۱۱. یکی دیگر از پیشنهادهایی که برای اصلاح توزیع نامتوازن شبکه شعب بانکی در کشور می‌تواند مفید باشد، فراهم کردن زمینه‌های افزایش رقابت در بازار بانکی برای ارائه خدمات بیشتر و با کیفیت تر به مشتریان و نیز افزایش تعداد شعب در بازارهای بانکی مناطق محروم و شهرهای کوچک است. یکی از مواردی که می‌تواند جو رقابتی بهتری بین مؤسسات اعتباری ایجاد کند، افزایش تعداد مؤسسات است. ازسوی دیگر رفع موانع تأسیس شعب در شهرهای کوچک و مناطق محروم (برای مثال در شهر و روستاهای کمتر از ۱۵ هزار نفر جمعیت) و یا معافیت‌های مالیاتی برای بانک‌های تازه تأسیس می‌تواند در این راه کمک‌کننده باشد.

۱۲. بنا به نقشی که بانک مرکزی در نظارت بر بازار پولی و بانکی کشور دارد، باید تعدد و توزیع شعب بانکی را با توجه به شرایط اقتصادی کشور و فضای اقتصاد بین‌الملل و نیز شرایط اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای در کشور جهت‌دهی نماید. این نهاد نظارتی با



توجه به مفاد بند «۳» راهکارها باید الگوی مطلوب شعب بانکی هر منطقه را تعریف و سپس به بانکها مطابق شرایط منطقه‌ای (تعدد و توزیع شعب بانکی در هر منطقه و نیز نیازهای منطقه‌ای درخصوص خدمات بانکی) سهمیه ایجاد شعبه تخصیص دهد. بانک‌هایی که بیشتر از میزان سهمیه خود شعبه دارند یا باید شعب مازاد خود را تعطیل و اموال غیرمنقول بجامانده را به فروش برسانند و یا اینکه شعب خود را به سایر بانک‌هایی که کمتر از سهمیه خود شعبه دارند و مطابق با سهمیه خود تقاضای شعب جدید دارند، واگذار کنند. اگر تعداد کل شعب بانکی در هر منطقه از مجموع تعداد مطلوب شعب بانکی کمتر بود، توسط بانکی مرکزی اجازه تأسیس شعب جدید باید داده شود در غیراین صورت بانک‌ها باید شعب مازاد خود را جزء اموال غیرمنقول غیرضروری، به فروش برسانند.

منابع و مأخذ

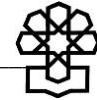
۱. امامی‌میبدی، علی. اصول اندازه‌گیری کارآیی و بهره‌وری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مرکز نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. امیری، هادی و مجتبی، رئیس‌صفری. بررسی کارآیی بانک‌های تجاری در ایران و عوامل نهادی مؤثر بر آن، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال دوم، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۳. آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی.
۴. آیین‌نامه ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه مؤسسات اعتباری در داخل کشور مصوب ۱۳۹۱/۵/۱۰ در جلسه ۱۱۴۴ شورای پول و اعتبار.
۵. آیین‌نامه تأسیس و فعالیت بانک‌های مجازی مصوب جلسه ۱۱۲۵ شورای پول و اعتبار در ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۶. آیین‌نامه تأسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه مصوبه ۱۳۸۸/۵/۲۰ شورای پول و اعتبار.
۷. آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۸۸/۸/۱۲ شورای پول و اعتبار.
۸. بابایی، بثاتریس. اندازه‌گیری و بررسی کارآیی در بانک‌های تجاری با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها در ایران (مطالعه موردی بانک ملی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
۹. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تعداد شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به تفکیک شهر و روستا منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹.
۱۰. بخشعلی، فهیمه و سیدمجتبی، حسینی‌فرد و محمدحسین، رحمتی. بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر پذیرش و استفاده از بانکداری الکترونیک (مطالعه موردی شعب بانک ملی اراک)، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال ۸، ش ۲۲، ۱۳۸۹.
۱۱. بخشنامه ۹۱/۳۳۷۲۵۱ مجمع عمومی بانک مرکزی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۳.
۱۲. برجیسیان، عادل. مکان‌یابی شعب بانک‌های خصوصی در سطح مناطق ۲۲ گانه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه ارشد علوم اقتصادی، ۱۳۸۵.
۱۳. بسته سیاستی - نظارتی شبکه بانکی کشور در سال ۱۳۸۹.
۱۴. پورکاظمی، محمدحسین. درجه‌بندی شهب بانک‌ها، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۲.
۱۵. جبل‌عاملی، فرخنده و احسان، رسولی‌نژاد. به‌کارگیری مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای در رتبه‌بندی شعب بانکی: مطالعه موردی بانک صادرات، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۸، ش ۵۵، ۱۳۸۹.

۱۶. حقیقت، جعفر و ناصر نصیری. بررسی کارآیی سیستم بانکی با کاربرد تحلیل پوشش داده‌ها (مطالعه موردی بانک کشاورزی)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳، ۱۳۸۲.
۱۷. دستورالعمل اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانک‌های خارجی در ایران مصوب جلسه ۱۱۲۵ شورای پول و اعتبار در ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۱۸. دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آنها مصوبه ۸۶/۱۲/۲۶ هیئت وزیران.
۱۹. روزنامه الف، ۱۳۹۲/۱۰/۱۲، کد مطلب: ۲۱۰۴۴۷.
۲۰. روزنامه هفت صبح، ۹۳/۱/۲۰، کد مطلب: ۳۶۹۵۹.
۲۱. سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۱.
۲۲. سایت من بانک، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹، کد مطلب: ۱۱۶۴.
۲۳. سبحانی، حسن و حلیمه، کارجو. بررسی و اندازه‌گیری کارآیی فنی شعب منتخب بانک‌های صادرات استان تهران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۰، ش ۶۲، ۱۳۹۱.
۲۴. سیاست‌های پولی اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور سال ۱۳۹۰ (مصوب ۵ دی‌ماه ۱۳۹۰).
۲۵. سیاست‌های پولی و اعتباری سال ۱۳۸۷.
۲۶. ضوابط سیاستی - نظارتی شبکه بانکی کشور سال ۱۳۸۸.
۲۷. قانون برنامه پنجم توسعه.
۲۸. قانون پولی و بانکی کشور.
۲۹. قانون تنظیم بازارهای غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.
۳۰. ماجدی، علی و حسن، گلریز. پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، چاپ هشتم، مؤسسه عالی بانکداری ایران، تهران، ۱۳۷۷.
۳۱. مقررات ناظر بر تأسیس و شیوه فعالیت مؤسسه اعتباری غیربانکی مصوبات شورای پول و اعتبار در ۱۳۷۱/۴/۱۳ و ۱۳۷۳/۱۰/۳.
۳۲. موسایی، میثم، نادر، مهرگان و رضا، رنجبرداغیان. بررسی کارآیی فنی و بازدهی نسبت به مقیاس به روش تابع مرزی تصادفی: مطالعه موردی شعب بانک رفاه، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۸، ش ۵۶، ۱۳۸۹.
۳۳. نادری کزج، محمود. بررسی کارآیی بانکداری بدون ربا و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در دنیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۴.
۳۴. الوانی، سیدمهدی و غلامرضا، جندقی و مجتبی، رئیس صفری. طراحی و تبیین سیستم ارزیابی عملکرد شعب بانک‌ها با توجه به محرک‌های کلیدی تجارت (مطالعه موردی شعب بانک سپه)، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال ۸، ش ۲۲، ۱۳۸۹.
۳۵. هادیان، ابراهیم و آیتا، عظیمی حسینی. محاسبه کارآیی نظام بانکی با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲، ۱۳۸۴.
36. Anon, 1996, Better information will take bankers closer to customer. Australian Banking and Finance, 12-13.
37. Avery, Robert B., Raphael W. Bostic, Paul S. Calem, and Glenn B. Canner, 1999, Consolidation and bank branching patterns, Journal of Banking and Finance 23 .
38. Barros, Pedro Pita, 1995, Post-entry expansion in banking: the case of Portugal, International Journal of Industrial Organization, 13, 4.
39. Barth, James R., Daniel E. Nolle, and Tara N. Rice, 1997, Commercial Banking structure, Regulation, and Performance: An International Comparison,



- Economics Working Paper No. 97-6 (March), Office of the Comptroller of the Currency, U. S. Treasury Department.
40. Beck, Ulrich, Camiller, tr. Patrick , 2000, What is globalization? , Cambridge publisher
 41. Benston, George J., 2007, Looking Back Twenty Years:What Changed, What We Wrote, and What We Did and Did not Accomplish, Roundtable Discussion, Economic Review, First and Second Quarters, Federal Reserve Bank of Atlanta
 42. Berger, A.N., Dick, A.A., Goldberg, L.G., White, L.J., 2007. The effects of competition from large, multimarket firms on the performance of small, single-market firms: Evidence from the banking industry. *Journal of Money, Credit and Banking* 39.
 43. Berger, A.N., Leusner, J.H., Mingo, J.J., 1997. The efficiency of bank branches. *Journal of Monetary Economics* 40.
 44. Bodenhorn, Banks, 2006, Chartering and Political Corruption in Antebellum New York. *Free Banking as Reform*. University Chicago Press. p. 232. Retrieved 2014-02-20.
 45. Cerasi, Vittoria., Barbara Chizzolini and Marc Ivaldi, 1998b, Branching and Competitiveness across Regions in the Italian Banking Industry, Dipartimento Economia Politica e Aziendale Working Paper 98.03, Università degli Studi di Milano.
 46. Church, L.R., Murray. T.A., 2009, *Business Site Selection, Location Analysis, and GIS*, Published by Wiley and Sons, Inc, Hoboken, New Jersey.
 47. Cinar, N., 2010, A Decision Support Model for Bank Branch Location Selection, *International Journal of Business and Economic Sciences*, 2:3.
 48. Cook, Malcolm, 2008, *Banking Reform in Southeast Asia: The Region's Decisive Decade*, , ROUTLEDGE publisher
 49. *Core Principles for Effective Banking Supervision*, September 1997, Basle Committee on Banking Supervision,
 50. Damar, H. Evren, 2007, Does Post-Crisis Restructuring Decrease the Availability of Banking Services? The Case of Turkey, *Journal of Banking and Finance*
 51. De Bonis, R., F. Farabullini, and F. Fornari,1998, La localizzazione territoriale degli sportelli bancari e le determinanti delle aperture, *Rivista economica del Mezzogiorno*, No.1.
 52. De Bonis, R., F. Farabullini, and F. Fornari,1998, La localizzazione territoriale degli sportelli bancari e le determinanti delle aperture, *Rivista economica del Mezzogiorno*, No.1.
 53. Dick, A.A., 2003, Demand estimation and consumer welfare in the banking industry, Board of Governors of the Federal Reserve System Finance and Economics Discussion Series 2003.
 54. Dwyer, Gerald ,1996, *Wildcat Banking, Banking Panics, and Free Banking in the United States*, Economic Review.
 55. Dymski, G. A. , 1999, *The bank merger wave: the economic causes and social consequences of financial consolidation*. London: M.E. Sharpe.
 56. Dymski, G. A., & Veitch, J. M. ,1996, Financial transformation and the metropolis; booms, busts and banking in Los Angeles. *Environment and Planning A*, 28 (7), 1233–1260.
 57. Economic Report of the President, 2006,

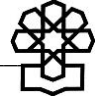
- <http://www.gpo.gov/fdsys/browse/collection.action?collectionCode=ERP>
58. Edelstein, P., Morgan, D.P., 2006, Local or state? Evidence on the size of banking markets using prices at the branch level. Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review 12.
 59. Epstein, Gil S. ; Raphaël Franck & Miriam Krausz , 2013, Operating bank branches in times of population growth, Bar Ilan University, Department of Economics, Israel
 60. Epstein, Gil S. ; Raphaël Franck & Miriam Krausz , 2013, Operating bank branches in times of population growth, Bar Ilan University, Department of Economics, Israel
 61. EUROPEAN BANKING SECTOR;Facts and Figures 2012, European Banking Federation
 62. Farris, B., 1997, Right on target. Inform SAS software in action, No. 19, 18–19.
 63. Federal Deposit Insurance Corporation, 2004. Historical Statistics on Banking. <http://www2.fdic.gov/hsob/index.asp>
 64. Fidelis Ezeala Harrison, 1999, Theory and policy of international competitiveness , Westport, Ct.
 65. Financial Services Agency, 1 September 2013, Government of Japan Financial Services Agency, Retrieved 2014-02-20.
 66. Fuller, D. , 1998, Credit union development: financial inclusion and exclusion. Geoforum, 29 (2).
 67. Hall, K., 1996, Banking goes virtual as the ‘value network’ evolves, The Australian Banker, October.
 68. Hannan, T.H., 2002, Retail fees of depository institutions, 1997–2001. Federal Reserve Bulletin (September).
 69. Hannan, T.H., 2004, Bank retail fees and multimarket banking. Manuscript, Board of Governors of the Federal Reserve System.
 70. Hannan, T.H., Prager, R.A., 2004a, The competitive implications of multimarket bank branching. Journal of Banking and Finance 28, 1889–1914.
 71. Hannan, T.H., Prager, R.A., 2004b, Multimarket bank pricing: An empirical investigation of deposit interest rates. Board of Governors of the Federal Reserve System Finance and Economics Discussion Series 2004-38.
 72. Hannan, Timothy H. ; Hanweck, Gerald A., 2007, Recent Trends in the Number and Size of Bank Branches: An Examination of Likely Determinants, Finance and Economics Discussion Series, Divisions of Research & Statistics and Monetary Affairs, Federal Reserve Board, Washington, D.C.
 73. Harper, D. , 1986, The financial services industry: effects of regulatory reform. Wellington: New Zealand Institute of Economic Research.
 74. Hartman, E.tomas; james E. storbeck; patricia byrnes, 2001, allocative efficiency in branching banking, European journal of operational research, No.134.
 75. Hensel, N.D., 2003, Strategic management of cost efficiencies in networks: Cross-country evidence on European branch banking. European Financial Management 9.
 76. Hester, Donald D.; Giorgio Calcagnini; Riccardo De Bonis, 1999, Determinants of Bank Branch Expansion in Italy, This paper has been prepared for the 40th Società Italiana degli Economisti meeting to be held at the University of Ancona on October 29-30, 1999



77. Hester, Donald D.; Giorgio Calcagnini; Riccardo De Bonis, 1999, Determinants of Bank Branch Expansion in Italy, This paper has been prepared for the 40th Società Italiana degli Economisti meeting to be held at the University of Ancona on October 29-30,1999
78. Hirtle, B., Metli, C., 2004, The evolution of US bank branch networks: Growth, consolidation, and strategy. Federal Reserve Bank of New York Current Issues in Economics and Finance 10, No. 8.
79. Hirtle, B., Stiroh, K., 2007, The return to retail and the performance of US banks. Journal of Banking and Finance 31.
80. Hollo, Danniell & Marton Nagg, 2004, Bank Efficiency in En Larged European Union, Working Paper, Mpgya, Nemzeti Bank.
81. Humphrey, D., Willeson, M., Bergendahl, G., Lindblom, T., 2005, Benefits from a changing payment technology in European banking. Journal of Banking and Finance 30.
82. Jafrullah Mohammad, Srinivas Uppuluri, Nagesh Rajopadhaye, V. Srinatha Reddy, 2003, An Integrated approach for Banking GIS. Map India conference, www.gisdevelopment.net.
83. Kim, M., and B Vale. 2000, Non-price Strategic Behavior: The Case of Bank Branches, International Journal of Industrial Organization, No.9 (10).
84. Laver, R. ,1997, Trying time for tellers. Maclean's, 110 (12), 35.
85. Leyshon, A., & Thrift, N. ,1995, Geographies of financial exclusion: financial abandonment in Britain and the United States. Transactions of the Institute of British Geographers, 20.
86. Leyshon, A., & Thrift, N., 1996, Financial exclusion and the shifting boundaries of the financial system. Environment and Planning A, 28.
87. Llewellyn, D. ,1995, The future business of banking. Banking World, January.
88. Love, P. ,1997, New Zealand: branch numbers down 10% The Evening Post, 7 May.
89. Mahmood Monshipouri and Reza Motameni, 2000, Globalization, sacred beliefs and defiance: is human rights discourse relevant in the Muslim world? Journal of church and state, vol.42, No.4
90. Marshall, J., & Richardson, R. ,1996, The impact of 'telemediated' services on corporate structures: the example of 'branchless' retail banking in Britain. Environment and Planning A, 28, 1843–1858.
91. Mathewson, G. ,1996, Banking into the millennium. The Treasurer, March.
92. McLaughlin, Susan, 1995, The Impact of Interstate Banking and Branching Reform: Evidence from the States , Federal Reserve Bank of New York, Volume 1 Number 2
93. Medley, Bill , September 1994, Riegle-Neal Interstate Banking and Branching Efficiency Act of 1994, Federal Reserve System. Retrieved 2014-02-20.
94. Mehdi Mozaffari, 1998, Can a declined civilization be reconstructed: Islamic civilization or civilized Islam?, International relations , XIX, no.3
95. Mittelman, James H., 1996 a , The dynamics of globalization», in Globalization: critical reflections, ibid,
96. Morrall, K. ,1996, . Stand and deliver: branch site selection and alternative delivery. Bank Marketing, September.
97. Morrison, Philip S.; Rachel O'Brien, 2001, Bank branch closures in New Zealand: the application of a spatial interaction model, Applied Geography,

No.2.

98. New York Times ,May 9 1879, No Peace with Greenbacks
99. O'Brien, R. ,1991, Global financial integration: the end of geography. London: Frances Pinter.
100. Orlow, D.K., Radecki, L.J., Wenninger, J., 1996, Ongoing restructuring of retail banking. Federal Reserve Bank of New York Research Paper #9634.
101. Park, K., Pennacchi, G., 2004, Harming depositors and helping borrowers: The disparate impact of bank consolidation. Manuscript, University of Illinois.
102. Pindyck, Robert S., 1991, Irreversibility, Uncertainty and Investment, Journal of Economic Literature 29, 3.
103. Pollard, J. ,1996, Banking at the margins: a geography of financial exclusion in Los Angeles. Environment and Planning A, 28 (7).
104. Porteous, D., 1995, The geography of finance: spatial dimensions of intermediary behaviour. Aldershot:Avebury.
105. Pratt, D. J. ,1998, Re-placing money: the evolution of branch banking in Britain. Environment and Planning A, 30.
106. Presentation by ICIEC in General Assembly of Aman Union, 23-24 November 2010, The impact of the proposed changes in the Basel III, regulatory framework on trade finance and its implications for aman union members
107. Radecki, L.J., 1999, Banks' payments-driven revenues. Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review 5.
108. Regulatory Reform Review, September 2013, Managing Upstream Risk,Regulatory Reform Review:An Asian perspective, PricewaterhouseCoopers publisher
109. RG Dyson, Camanho, 1999, Efficiency, size, benchmarks and targets for bank branches: an application of data envelopment analysis, Journal of the Operational Research Society,No.50.
110. Rice, Tara, and Erin Davis, 2007, The branch banking boom in Illinois: A byproduct of restrictive branching laws, Chicago Fed Letter, Federal Reserve Bank of Chicago, No. 238.
111. Rockoff, Hugh, 1974, The Free Banking Era: A Re-Examination 6 (2). Ohio State University Press, Retrieved 2014-02-20.
112. Seale, G., 2004, Branching continues to thrive as the US banking system consolidates. Federal Deposit Insurance Corporation FYI October 20, 2004.
113. Speak, S., & Graham, S. , 1999, Services not included: private services restructuring, neighbourhoods and social marginalisation. Environment and Planning A, 31, 1985–2001.
114. Spong, Kenneth, 2000, BANKING REGULATION:Its Purposes, Implementation, and Effects, Fifth Edition, Division of Supervision and Risk Management, Federal Reserve Bank of Kansas City
115. Svigals, J. ,1996, Bank branching 2010. Dublin: Lafferty Publications.
116. The Federal Reserve Bank of Philadelphia, 2011, The State and National Banking Eras, Retrieved 2014-02-20.
117. Tyrrell, T.,1996, An holistic approach to banking. Bank Marketing International, June.
118. Wallis, John J.; Sylla, Richard E.; Legler, John B.,1994, The Interaction of



- Taxation and Regulation in Nineteenth-Century U.S. Banking, In Goldin, Claudia; Libecap, Gary D. National Bureau of Economic Research Project Report series. University of Chicago Press.
119. Weber, Warren; Rolnick, Arthur, 1982, Free Banking, Wildcat Banking, and Shinplasters, Quarterly Review ,Federal Reserve Bank of Minneapolis, 11. Retrieved 2014-02-20.
 120. Weon, H.E., Eui, H.W., Sik, K.Y., 2010, The Study of Location Strategy for Bank through the Analysis of Inter-regional Financial Transaction Network, International Journal of u- and e- Service, Science and Technology, Vol. 3, No. 1.
 121. Zanjirani Farahani, R., Hekmatfar, M., 2009, Facility Location, Concepts, Models, Algorithms and Case Studies. Contributions to Management Science, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
 122. Zardhoohi, A., Kolari, J., 1994, Branch office economies of scale and scope: Evidence from savings banks in Finland. Journal of Banking and Finance 18.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۲۰۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی نظام بانکی ۱۸. بررسی تعدد توزیع شعب، تجربه کشورها درس‌هایی برای ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازارهای مالی)

تهیه و تدوین: سیدرضا نخلی

ناظران علمی: صمد عزیززاد، محمد سلیمانی

اظهار نظرکنندگان خارج از مرکز: احمد شعبانی، کامران ندری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. تعدد و توزیع شعب

۲. قوانین و مقررات

۳. بانک مرکزی

۴. بانک

۵. کشورها



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱